



دوفصلنامه علمی - تخصصی

الهیات و معارف اسلامی

# میردانش اسدای

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

۱

صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

[www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)

مدیر مسئول: محمدهادی یعقوب‌نژاد

سر دبیر: حسین حسن‌زاده

دبیر تحریریه: مرتضی عبدی چاری

کارشناس اجرایی: سید عبدالعلی میرحسینی

مترجم انگلیسی چکیده‌ها: محمدرضا عموحسینی

مترجم عربی چکیده‌ها: محمدتقی کنانی

مدیریت دانش در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)؛ سیویلیکا (Civilica)؛ سامانه نشریه: [jkm.isca.ac.ir](http://jkm.isca.ac.ir) و

پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) نمایه می‌شود.

هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. ● دیدگاه‌های مطرح شده در

مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آنهاست.

نشانی: قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اداره نشریات

تلفن: ۳۱۱۵۱۱۶۱ - ۰۲۵ سامانه نشریه: [jkm.isca.ac.ir](http://jkm.isca.ac.ir)

رایانامه [jikm@isca.ac.ir](mailto:jikm@isca.ac.ir)

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰ تومان



## اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

رضا اسفندیاری (اسلامی)

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

علیرضا اسفندیاری مقدم

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی همدان

حسین الهی نژاد

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عبدالحسین خسروپناه

دانشیار دانشگاه معارف اسلامی

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

مرتضی متقی نژاد

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

کوروش نجیبی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سیدمهدی مجیدی نظامی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سیدتقی واردی کولایی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

---

### داوران این شماره

حسین حسن زاده، عبدالرحیم سلیمانی، مرتضی متقی نژاد، سیدمهدی مجیدی نظامی، مرتضی محمدی استانی، سیدتقی واردی، محمدهادی یعقوب نژاد.

## فراخوان دعوت به همکاری

فصلنامه «مدیریت دانش اسلامی» بر اساس مصوبه شورای پژوهشی پژوهشگاه، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف نظام‌سازی در مدیریت دانش اسلامی، توسعه و پیشرفت جوامع علمی و فرهنگی و انتقال یافته‌های پژوهشی و مبادله اطلاعات و هم‌افزایی بین مراکز پژوهشی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود. فصلنامه «مدیریت دانش اسلامی» به منظور اشاعه، انتقال اطلاعات و انتشار نتایج طرح‌های پژوهشی و مقالات علمی در زمینه مدیریت دانش در علوم اسلامی و حوزه‌های وابسته ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

- ارتقاء سطح دانش و پژوهش در حوزه مدیریت دانش اسلامی؛
- شناسایی و نشر ایده‌ها و طرح‌های صاحب‌نظران درباره مدیریت دانش اسلامی؛
- کمک به معرفی مدیریت دانش اسلامی و رصد شیوه‌های نوین آن در سطح علمی داخل و خارج کشور؛
- کمک به بسترسازی تولید علم در حوزه مدیریت دانش اسلامی؛
- معرفی تخصصی دست‌آوردهای مرتبط با مدیریت دانش اسلامی؛
- فرهنگ‌سازی استفاده از آثار پژوهشی مراکز هم‌سو در زمینه مدیریت دانش اسلامی؛
- ایجاد بستری مناسب برای تبادل یافته‌های علمی در زمینه مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی در محیط سایبر؛
- کمک به تسهیل انتقال دانش در حوزه مدیریت اطلاعات اسلامی؛
- ترویج و تعمیق نظام متقن و هدف‌مند در حوزه مدیریت علوم و معارف اسلامی؛
- کمک به نظام‌سازی فرهنگی و طبقه‌بندی علوم اسلامی.

### اولویت‌های پژوهشی فصلنامه

۱. بازشناسی دانش‌های اسلامی و انسانی، بایسته‌ها و آسیب‌ها؛
۲. ابعاد روش شناختی مدیریت دانش اسلامی؛
۳. هستی‌شناسی واژگانی در علوم اسلامی و گستره ارتباط علوم؛
۴. روش‌شناسی حوزه مدیریت دانش اسلامی.

### رویکردهای اساسی

۱. استانداردسازی مدخل‌های نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات در علوم اسلامی؛
۲. رعایت معیارها و ضوابط علمی - پژوهشی به‌ویژه در ابعاد روشی و نظری در حوزه مدیریت دانش اسلامی؛
۳. بومی‌سازی استانداردها در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات در حوزه علوم اسلامی؛
۴. نظام‌سازی در مدیریت دانش اسلامی.

از کلیه صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران علاقه‌مند دعوت می‌شود تا آثار خود را جهت بررسی و چاپ در فصلنامه مدیریت دانش اسلامی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس [jikm@isca.ac.ir](mailto:jikm@isca.ac.ir) ارسال نمایند.

## راهنمای تنظیم مقاله

### ویژگی‌های شکلی مقاله

- حتماً با الگوی فصلنامه (مندرج در صفحه اول سامانه نشریه) تنظیم شده باشد؛
۱. حجم مقاله تایپ‌شده همراه با چکیده و کتاب‌نامه (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه) به آدرس سامانه نشریه ارسال شود؛
  ۲. مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۴ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.
  ۳. شیوه‌های استناد بایستی به صورت درون‌متنی بین پرانتز به شرح ذیل باشد:  
❖ قرآن: آیات (همراه با ترجمه) داخل گیومه درج شده و سپس نام سوره و شماره آیه (داخل پرانتز) آورده شود. نمونه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است» (حمد: ۱).
  - ❖ کتاب: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار اثر، شماره جلد: شماره صفحه، مثال: منبع فارسی با صفحات متناوب (مطهری، ۱۳۶۰، ج: ۱، ص: ۲۰۰-۲۲۰) و با صفحات متفاوت (امینی، ۱۳۸۷، ج: ۱، صص ۲۰۰ و ۲۰۷)؛ نکته: درج (حرف ق) برای تاریخ قمری لازم است.  
منبع انگلیسی با صفحات متناوب (Kant, 1788: p.224-288) و با صفحات متفاوت: Kant, 1788: (pp.44, 288).

❖ مقاله: (نام خانوادگی، سال انتشار اثر: شماره صفحه. مثال: یاسری، ۱۳۸۵: ص ۷۵).

### تذکر:

- ✓ اگر از یک نویسنده، بیش از یک اثر در مقاله استفاده شود، در صورت اشتراک زمان انتشار آنان، پس از سال انتشار، با ذکر حروف الفبا در گیومه از یکدیگر متمایز شوند. مانند: (مطهری، ۱۳۶۰، «الف»؛ ص ۲۰۰) یا (مطهری، ۱۳۶۰، «ب»؛ ص ۱۴۵).
- ✓ اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، تنها نام خانوادگی یک نفر می‌آید و با واژه «دیگران» به دیگر مؤلفان اشاره می‌شود.
- ✓ اگر به دو اثر از یک نویسنده، بدون فاصله ارجاع داده شود، به جای تکرار نام نویسنده، از واژه «همو» استفاده می‌شود و به جای تکرار منبع و سال «همان» درج شود. در ارجاع به منابع لاتین در متن به جای واژه «همان» از «ibid» و «همو» از «Idem» استفاده شود.
- ۴. معادل لاتین کلمات غیرفارسی و تلفظ واژگان و اصطلاحات مهجور داخل متن و پرانتز بیاید و توضیحات دیگر در پاورقی آورده شود؛
- ۵. عبارات تکریمی: از کلیشه به جای عبارات تکریمی استفاده شود. مانند: ۹ به جای (ص)؛ ۷ به جای (ع)؛ ۴ به جای (ره) و : به جای (علیهم‌السلام) و ...
- ۶. فهرست منابع و مآخذ (کتاب‌نامه) در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر تدوین و درج شود:  
❖ کتاب‌ها: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب (ایرانیک)، مترجم، جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر.

- ❖ **مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه (ایرانیک)، دوره و شماره نشریه، شماره صفحات مقاله؛ مانند: (ص ۲۵-۴۵).
- ❖ **منابع الکترونیکی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ مشاهده منبع در سایت یا بلاگ)، «عنوان مقاله یا نوشته»، آدرس دقیق اینترنتی یا دسترسی (CD و ...).
- ❖ **پایان نامه‌ها:** نام خانوادگی، نام (سال دفاع از رساله)، عنوان رساله، مقطع تحصیلی، گروه، نام دانشکده، دانشگاه.
- ❖ **تذکر:** در منابع، به جای سال «س»، جلد «ج»، شماره «ش» و چاپ «چ» آورده شود.

### ویژگی های محتوایی مقاله

**الف) صفحه اول شامل:** ۱. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی دانشگاهی و پست الکترونیکی سازمانی نویسنده یا نویسندگان؛ ۲. چکیده فارسی (حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه)؛ ۳. کلیدواژه‌ها (۳ تا ۷ کلمه).

**وابستگی سازمانی نویسندگان دقیق و مطابق یکی از الگوهای زیر درج شود:**

**اعضای هیات علمی:** رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، دانشکده، دانشگاه، شهر، کشور، آدرس الکترونیکی سازمانی.

**دانشجویان:** دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، آدرس الکترونیکی سازمانی.

**محققان آزاد:** مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، آدرس الکترونیکی سازمانی.

**طلاب:** سطح (۲، ۳، ۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه، مدرسه علمیه، شهر، کشور، آدرس الکترونیکی سازمانی.

❖ **در صورتی که مقاله برگرفته از پایان نامه باشد یا سازمان و نهادی هزینه مالی پروژه را پرداخت کرده باشد و یا تشکری لازم داشته باشد، باید در پاورقی صفحه اول (چکیده) درج شود.**

❖ **مقاله پیش‌تر یا همزمان به مجله‌های دیگر ارایه نشده باشد و نویسنده به نشر آن در جای دیگر متعهد نباشد.**

❖ **اعضای هیات علمی، اساتید و محققان مراکز آموزشی و پژوهشی موظف‌اند در مقاله خود پست الکترونیکی سازمانی خود را وارد کنند.**

❖ **در صورتی که مقاله مشترک است، عنوان (نویسنده مسئول) در پاورقی و در مقابل اسم او درج شود.**

**ب) صفحات دوم تا آخر شامل:** ۱. مقدمه و طرح مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و گردآوری اطلاعات؛

۲. تبیین ابعاد مسئله به صورت منطقی شده با رعایت انسجام و هماهنگی مطالب در زیرمجموعه‌سازی

استاندارد (پیگیری از الگوی عددی یا حرف و عدد)؛ ۳. نتیجه‌گیری؛ ۴. کتاب‌نامه.

## فهرست مقالات

- ۷ ..... تحلیل و بررسی ساختارهای فقهی بر پایه روابط انسانی  
محمدرضی آصف آگاه
- ۳۸ ..... استانداردسازی نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی؛ ضرورت، آثار و مشکلات .....  
سیدمهدی مجیدی نظامی
- ۵۶ ..... مدیریت دانش مهدویت‌پژوهی با کاربست دانش آینده‌پژوهی .....  
حسین الهی‌نژاد
- ۷۵ ..... مدیریت دانش در حوزه مطالعات مهدوی .....  
محمود ملکی‌راد
- ۱۱۳ ..... مدیریت اطلاعات و علم‌سنجی پیش‌نیاز تمدن‌سازی نوین اسلامی .....  
سیدعلی سادات فخر
- ۱۲۹ ..... بررسی استفاده از داده‌های مستند کتاب‌خانه‌ای در ویکی‌های فارسی (مطالعه موردی ویکی‌شیعه) .....  
مختار شمس‌الدین مطلق - محمود سنگری
- ۱۴۵ ..... مخلصات.....
- Abstracts ..... 151

## تحلیل و بررسی ساختارهای فقهی بر پایه روابط انسانی

محمدرضی آصف‌آگاه\*

### چکیده

ساختارهای فقهی را با معیارهای گوناگونی می‌توان ترسیم کرد. یکی از معیارهای ساختارسازی فقه، روابط انسانی (رابطه با خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت) است. گرچه فقیهان متقدم از این معیار بهره نبردند، اما استفاده از آن در میان متأخران فقها و اندیش‌وران فقه بسیار است. این مقاله با جست‌وجو در میان کتاب‌های فقهی، ابتدا ساختارهای مبتنی بر روش مذکور را استخراج نموده و سپس از میان آنها ساختارهایی که طراحان آنها تصریح به پیروی از معیار روابط انسانی کرده یا این معیار در ساختارشان جایگاه ویژه‌ای دارد را گزینش کرده است. در این مقاله، شش ساختار ناظر به روابط انسانی معرفی و بررسی می‌شوند که عبارتند از: ساختار آیت‌الله مشکینی در الفقه المأثور، ساختار آیت‌الله اعرافی در فقه تربیتی، ساختار آیت‌الله اشتهاودی و آیت‌الله یزدی در مقدمه کشف الرموز، ساختار دکتر گرجی در کتاب تاریخ فقه و فقه، ساختار آل‌نجف در کتاب الحلال و الحرام فی الشریعة الاسلامیة و ساختار برجی در مقاله «دسته‌بندی‌های ابواب فقه».

دستاورد مقاله نشان می‌دهد، اکثر دانشوران متأخر برای ساختاربندی فقه به گونه‌ای از معیار روابط انسانی بهره برده‌اند و این معیار در میان متأخران و معاصران فقه‌پژوه، رایج و کاربرد بسیاری دارد. بهره‌گیری از این معیار در ساختار، نشانگر توجه به انسان، نیازها و روابط او است. چنین رویکردی در ساختاربندی فقه، متمایز از رویکرد فقیهان متقدم و دارای اهمیت است و سوگیری متفاوت دانشوران کنونی فقه را نشان می‌دهد.

### کلیدواژه‌ها

ساختار فقه، تبویب فقه، فلسفه فقه، روابط انسان.

## مقدمه

یکی از مباحث فلسفه فقه، ساختار علم فقه است. فقیهان متقدم به ساختار توجه کافی نشان ندادند و بیشتر از ساختار محقق حلی در شرائع الاسلام پیروی کرده‌اند؛ بدان سبب که ساختار را امر شکلی دانسته‌اند، اما دانشوران متأخر و معاصر فقه، توجه شایسته‌ای به ساختار کرده و ساختارهای متعددی را برای فقه پیشنهاد کرده‌اند. ساختارها در گونه‌های مختلف طبقه‌بندی می‌شوند. یک دسته از ساختارها، ساختارهای ناظر به روابط انسانی‌اند.

دو معیار کلان برای ساختارسازی فقه وجود دارد: فقیهان متقدم از معیارهایی بهره بردند که به احکام الهی باز می‌گردد؛ معیارهایی مانند: قصد تقرب، غرض از تشریح، مقاصد شریعت. اما متأخران و معاصران از دانشوران فقه بیشتر از معیارهایی که به روابط انسان و نیازهای او باز می‌گردد، استفاده کرده‌اند. این معیار مناسب و بدیعی است؛ زیرا به موضوع علم فقه یعنی فعل و رفتار مکلف برمی‌گردد.

غیر از شش ساختاری که در این مقاله بررسی می‌شوند، ساختارهای دیگر که به نحوی در کل ساختار، یا جزئی از آن، بر پایه روابط انسانی طراحی شده‌اند، عبارتند از: ساختار شهید صدر در الفتاوی الواضحة (صدر، ۱۴۲۳: ص ۱۱۱ و ۱۴۲)، ساختار آیت‌الله هاشمی شاهرودی در درس خارج (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳: جلسه ۴۵۳)، ساختار آیت‌الله اراکی ارائه در نشست: فقه و نوآوری (اراکي، ۱۳۸۷: ص ۳-۳۰)، ساختار شیخ عبدالهادی فضل‌ی در مبادی علم الفقه (فضلی، ۱۴۱۶، ج ۱: ص ۲۱)، ساختار آیت‌الله عمید زنجانی در فقه سیاسی (عمید، ۱۴۲۱، ج ۲: ص ۴۷)، ساختار آیت‌الله یزدی در فقه القرآن (یزدی، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۲۷)، ساختار آیت‌الله مؤمن در الولاية الالهية الاسلامية (مؤمن، ۱۴۲۵، ج ۱: ص ۲۵)، ساختار فقه در دائرة المعارف فقه مقارن (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱: ص ۴۲۵)، ساختار حجت الاسلام بی‌آزار شیرازی در رساله نوین (بی‌آزار، ۱۳۷۳، ج ۱: ص ۵۵-۵۹).

در این مقاله، ابتدا معیار ارتباطات انسانی و مراتب آنها بیان می‌شوند، سپس شش عدد از ساختارهای مبتنی بر روابط انسانی بررسی و مزایا و کاستی‌های آنها ذکر می‌شوند. ارزیابی ساختارها بر پایه معیارهای ساختاربندی و شاخص‌های ارزیابی متعدد می‌باشد (آصف آگاه، ۱۳۹۲: ص ۱۱۷-۱۳۶).



## معیار ارتباطات انسانی

از معیارهایی که دانشوران معاصر فقه به آن اهتمام ویژه‌ای دارند، معیار روابط انسانی است (ر.ک: اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۹۶؛ مشکینی، بی تا: ص ۲۰-۲۱؛ آلنجف، ۱۴۲۹: ص ۱۸-۱۹). در این میان، چهار رابطه مهم تلقی شده‌اند؛ رابطه انسان با خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت (همان) و گاهی از آن تعبیر می‌شود به رابطه با خدا، خود، جامعه (زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۱: ص ۳۳). برخی نیز روابط انسانی را منحصر در پنج رابطه دانسته‌اند: رابطه با خدا، خود، خانواده، دنیا و اموال، حاکم (مشکینی، ۱۴۱۸: ص ۱۳-۱۴). بعضی از فقیهان پنج رابطه را چنین شمرده‌اند: ۱. رابطه با پروردگار ۲. مسلمانان ۳. انسان‌های دیگر ۴. هستی و جهان ۵. حیات و زندگی (شلتوت، بی تا: ص ۱۰). به این معیار در روایات اشاره شده است؛ چنان‌که امام صادق ۷ می‌فرماید: اصول المعاملات علی اربعة أوجه: معاملة الله، معاملة النفس، معاملة الخلق و معاملة الدنيا؛ (جعفر بن محمد، ۱۳۷۹ق: ص ۵).

البته برخی از اندیشوران به طراحی ساختار فقه بر پایه روابط انسانی اشکال کرده‌اند که ابعادی از بخش‌های روابط انسانی مثل رابطه انسان با خود ماهیتی اخلاقی دارد، نه فقهی (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۳۹).

## رتبه‌بندی روابط انسانی

میان روابط انسانی رتبه‌بندی وجود دارد و برخی از روابط از اهمیت بیشتری برخوردارند. مراتب ارتباطات انسانی از قرار ذیل است:

### مرتبه اول: رابطه انسان با خدا

رابطه انسان با خدا محور دیگر روابط انسانی است. فقه، اولاً و بالذات، رابطه با خدا را مدنظر دارد و سه نوع رابطه دیگر، فرع آن رابطه اصلی می‌باشند. در حقیقت، روابط دیگر انسان برای کسب رضای الهی و تقویت رابطه انسان با خدا می‌باشند و فقه متکفل برقراری این ارتباط است. ابتدا انسان با برقراری رابطه با خدا موحد می‌شود و براساس توحید، سایر روابط را شکل می‌دهد. توحید و موحدبودن ابتدا در کلام مطرح می‌شود و سپس احکام موحدان در فقه تبیین می‌شود و این نشانگر درهم‌تنیدگی علم کلام و فقه است.

با دقت در نصوص می‌توان مراتب این روابط را به‌دست آورد. توقف روابط انسان بر رابطه با خدا در آیات متعددی اشاره شده است. قرآن در آیات بسیاری، ایمان و عمل صالح را گوشزد می‌کند. ایمان، بیانگر رابطه انسان با خدا و عمل صالح، بیانگر دیگر روابط انسان است. در روایتی از امام علی ۷ آمده است: «مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرْتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ص ۲۹۸، ح ۴). مراد از اصلاح امر آخرت، درست کردن رابطه با خداست و مراد از اصلاح امر دنیا، درست شدن سایر روابط انسانی می‌تواند باشد.

رابطه نیکو با خدا، انسان را موحد می‌سازد، رابطه نیکو با نفس، انسان مهذب به بار می‌آورد، رابطه نیکو با دیگران، خانواده و جامعه معتدل می‌سازد و رابطه نیکو با محیط، محیط زیست سالم نتیجه می‌دهد.

در حقیقت، دو رابطه اصلی وجود دارد: توحید یا شرک. نتیجه این دو رابطه با خدا، دو رابطه در حوزه‌های دیگر ارتباطی است. رابطه توحید منجر به عدل در روابط دیگر می‌شود و رابطه شرک سر از ظلم در روابط دیگر درمی‌آورد (ر.ک: آل‌نجف، ۱۴۲۹ق: ص ۳۶ به بعد).

### مرتبه دوم: رابطه انسان با خود

خداوند در نهاد انسان فطرت را به ودیعه گذاشته است. فطرت با رابطه‌ی درست با خدا شکوفا می‌شود و انسان ابتدا خود را درست می‌شناسد و سپس پیرامون خود را می‌شناسد و با شناخت درست از خود می‌تواند دیگر روابط زندگی را سامان بخشد. پس از یک طرف پایه‌ی رابطه با خود، رابطه با خداست (فطرت) و اصلاح نفس متوقف بر حسن ارتباط با خدا می‌باشد. از طرف دیگر رابطه با خود، سامان‌دهنده سایر روابط زندگی است.

قرآن در ترسیم رابطه و تلازم ارتباط نفس با ارتباط با خدا می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ؛ فراموشی خدا باعث فراموشی خود می‌شود» (حشر: ۱۹). امام علی ۷ نیز می‌فرماید: «مَنْ أَصْلَحَ سِرِّرْتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ»؛ کسی که ارتباط با خود را اصلاح کند، خدا سایر ارتباطات او (اعم از ارتباط با دیگران و محیط) را اصلاح می‌کند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵: ص ۲۹۷، ح ۳).

### مرتبۀ سوم: رابطه انسان با انسان‌های دیگر

چنان‌که گذشت، اصلاح رابطه انسان با خدا و خود، باعث سامان‌یافتن رابطه انسان با دیگران می‌شود. امام علی 7 می‌فرماید: «مَنْ اصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، اصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ» (همان).

### مرتبۀ چهارم: رابطه انسان با طبیعت

با سامان‌یافتن رابطه انسان با خدا (توحید)، رابطه انسان با خود به درستی شکل می‌گیرد (تهذیب). انسان مَوْجِد و مُهْدَب رابطه‌ای شایسته با دیگران برقرار می‌کند و در نهایت، به صورت دسته‌جمعی - خانواده و جامعه معتدل - رابطه‌ای مناسب با محیط برقرار کرده و محیط‌زیست سالمی را به وجود می‌آورند.

فقه با بیان احکام رابطه با خدا در بخش عبادات، رابطه با نفس در بخش آداب، رابطه با دیگران در بخش معاملات و عادات، رابطه با طبیعت، در بخش فقه محیط‌زیست در کنار سایر علوم اسلامی مانند: اخلاق و عرفان، روابط انسانی را سامان می‌بخشد.

### بررسی ساختارهای ناظر به ارتباطات انسان

#### اول: ساختار فقه در کتاب الفقه المأثور

آیت‌الله مشکینی از فقهای معاصر (۱۴۲۸ق) ۲۵ باب فقهی را در شش بخش تقسیم‌بندی کرد که عبارتند از:

بخش اول: عبادات؛ شامل شش باب: ۱- طهارت (وضو، غسل و تیمم)؛ ۲- صلاة؛ ۳- صوم؛ ۴- اعتکاف؛ ۵- حج و عمره؛ ۶- کفارات.

بخش دوم: شئون فردی دارای هشت باب: ۱- میاه؛ ۲- تخیلی (استنجاء و استبراء)؛ ۳- نجاسات و مطهرات؛ ۴- اوانی؛ ۵ و ۶ و ۷- ایمان و دو نظیرش (نذر و عهد)؛ ۸- اطعمه و اشربه.

بخش سوم: شئون عائلیه (خانواده) که در بردارنده چهار باب است: نکاح، طلاق، تجهیز اموات و ارث.

بخش چهارم: اموال فردی و شخصی؛ شامل ۲۵ باب: احیای موات، صید، ذباحت، لقطه، تکسب، بیع، اجاره، جعاله، صلح، رهن، مضاربه، شرکت، مزارعه، مساقات، ضمان، حواله، کفالت، وکالت، ودیعه، عاریه، وقف، هبه، سکنی و دو نظیرش (رقبی و عمری)، وصیت، غصب.

بخش پنجم: ولایات؛ شامل شش باب: جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، خمس، زکات، حَجْر، سَبْق و رمایه.

بخش ششم: شئون قضایی و جزایی؛ دارای شش باب: قضا، شهادت، اقرار، حدود، قصاص، دیات (مشکینی، ۱۴۱۸: ص ۵-۶ و ۱۳-۱۴؛ بی تا: ص ۲۰-۲۱).



### بررسی ساختار فقه از منظر آیت‌الله مشکینی

آیت‌الله مشکینی برای فقه، ساختار جدید شش‌بخشی را معرفی کرد و فقه روایی را در این چارچوب چینش نمود. البته ساختار شش‌بخشی ایشان را می‌توان به ساختار سه‌بخشی تبدیل کرد: عبادات، شئون فردی و شئون اجتماعی و شئون اجتماعی را به چهار بخش تقسیم کرد: شئون خانوادگی، اموال، شئون حاکم (ولایات) و شئون قضایی و جزایی. در این ساختار نوآوری‌ها و نیز چالش‌هایی است که مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مزایا: ساختار الفقه المأثور دارای نقاط قوت زیر است:

۱. بهره‌گیری از معیار ماهوی: در این ساختار، بخش‌های فقهی بر اساس ماهیت موضوعات فقهی چینش شده است. عبادات، شئون فردی، شئون خانوادگی، اموال

شخصی، ولایات و شئون قضایی و جزایی. این عناوین ناظر به ماهیت موضوعات فقهی‌اند و گروهی از مسائل هم خانواده را در خود جای می‌دهند.

۲. بیان معیار تقسیم: ایشان ملاک تقسیم خود را روابط انسان قرار داده و ضمن دو مقدمه آن را توضیح داده است؛ مقدمه اول: فقه، برنامه جامع زندگی نوع انسان است؛ مقدمه دوم: میان انسان‌ها از جهات مختلفی همانند عقل، سیره، زمان، مکان و رنگ و زبان اختلاف است و سپس نتیجه می‌گیرد که احکام فقهی باید با مجتمع انسانی با تمام تفاوت‌ها و اختلافاتی که بین آن‌هاست، سازگار باشد و تمام روابط انسان را شامل شود. این روابط عبارتند از:

۱- ارتباط انسان با خدا که عبادت نامیده می‌شود؛ ۲- ارتباط با خود که از آن به شئون فردی یاد می‌شود؛ ۳- ارتباط با خانواده و نزدیکان که شئون عائلیه نام گرفت؛ ۴- ارتباط با دنیا و اموال دنیوی. این قسم شامل چیزهایی است که تصرف در آن‌ها برای حفظ جان جایز است و به طور مسامحه‌ای نام آن اموال فردی گذاشته شد. ۵- ارتباط با حاکم و نام آن «ولایات» قرار داده شد (مشکینی، بی‌تا، ص ۲۰-۲۱). ایشان در پایان می‌گویند: ارتباط با جامعه عنوان مستقل نگرفت؛ بدان جهت که این ارتباط کلان به سه ارتباط خرد - ارتباط با خانواده، اموال و حاکم - تقسیم می‌شود و نام این سه ارتباط در تقسیم ذکر شده است (همان: ص ۲۱).

البته ایشان ملاک پنج قسم از اقسام را بیان کرده و ملاک شئون قضایی و جزایی را ذکر نکرده است. همچنین مناسب بود از تقسیم ثنایی استفاده می‌کرد تا معیارها منطقی و متسلسل می‌شد.

۳. تعریف اصطلاحات: آیت‌الله مشکینی سعی در تعریف اصطلاحات به کار رفته در ساختار خود دارد. ایشان، عبادت را به اعمالی که در آن‌ها قصد قربت شرط است، تعریف می‌کند (عبادت به معنای خاص).

شئون فردی؛ اعمال و وظایف خاص بین مکلف و پروردگار است؛ اعمالی که به تصرفات مالی و جامعه ارتباطی ندارد.

شئون عائله و خانواده؛ شئونی است که کیفیت رفتار با خانواده، ارحام و مانند آن‌ها را بیان می‌کند.

اموال فردی؛ اموالی است که به شخص مکلف تعلق می‌گیرد و به گونه‌های تصرف در اموال از قبیل روش‌های به دست آوردن مال، حفظ آن، مبادله اموال و غیره می‌پردازد، در برابر اموال عام که به عناوین کلی مانند مردم و فقرا تعلق می‌گیرد. از جمله: اموال عام، زکات، خمس و انفال را می‌توان نام برد. اموال عام در ولایات مورد بحث قرار می‌گیرد. ولایات؛ امور مربوط به والی و مردم و جامعه است.

شئون قضایی و جزایی؛ امور مربوط به منازعات و تجاوزات از حدود الهی است (ر.ک: مشکینی، ۱۴۱۸: ص ۱۳-۱۴؛ بی تا: ص ۲۱).

۴. اولویت‌سنجی: در ساختار الفقه المأثور، خمس و زکات با این که از عبادات هستند، در عنوان ولایات قرار گرفته‌اند؛ بدین دلیل که در این دو باب جنبه ولایت و اصلاح جامعه اقوی می‌باشد (همان: ص ۱۳). شهید صدر هم به همین دلیل، خمس و زکات را از بخش عبادات خارج کرد (صدر، ۱۴۲۳: ص ۱۴۲).

ارث نیز جنبه مالی دارد، اما در شئون عائله قرار گرفت؛ شاید بدان سبب باشد که جنبه خانوادگی آن اقوی است. کما این که صلح در اموال شخصی قرار گرفت با این که در غیر اموال شخصی مانند امور قضایی نیز جریان دارد. به نظر می‌رسد دلیل قرار گرفتن صلح در اموال شخصی کاربرد بیشتر صلح در اموال شخصی است.

۵. دسته‌بندی ابواب مورد ابتلا: ایشان تصریح می‌کند باب‌های عتق و ظهار در ساختار قرار داده نشده؛ به این دلیل که اکنون این باب‌ها مورد ابتلا نیستند (مشکینی، بی تا، ص ۲۱).

۶. به کارگیری مناسب اصطلاح عبادات: ایشان پس از آنکه دو اصطلاح (عام و خاص) برای عبادت بیان می‌کند (همان: ص ۵۲)، در ساختار منتخب خود از عبادت به معنای خاص استفاده می‌کند و به تعریف مشهور اشکال می‌کند که جامع و مانع نیست.

جامع نیست؛ زیرا کفارات هم از عبادات به معنای خاص است، ولی مشهور از آن نامی نبرده‌اند و مانع نیست؛ بدان سبب که مشهور جهاد، امر به معروف و نهی از منکر را از عبادات شمرده‌اند، در حالی که این‌ها از توصیلات هستند، نه عبادات به معنای خاص (همان: ص ۵۴).

اصطلاح عبادت نزد ایشان، تعبدیات مشروط به قصد قربت است که شش عدد است. ایشان معاملات مشروط به تقرب را عبادت نمی‌دانند؛ پس اصطلاح او در عبادت، همان اصطلاح شهید صدر می‌باشد.

### کاستی‌ها

ساختار کتاب الفقه المأثور با وجود نقاط قوت، دارای کاستی‌های زیر است:

۱. استفاده ناتمام از معیار: آیت الله مشکینی، معیار تقسیم خود را روابط انسان قرار داده که حداقل چهار گونه ارتباط است: ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت. در این ساختار از سه ارتباط بهره گرفته شده است، اما ارتباط با طبیعت در ساختار ایشان جای نگرفته است. از این جهت ساختار مذکور دچار چالش است.
۲. چینش نامناسب برخی ابواب: ایشان در شئون فردی، ابواب گوناگونی که در بخش‌های دیگر جای نمی‌گیرند را گنجانده است؛ همانند میاه، تخلی، اوانی.
۳. هدف میانی داشتن: از بخش‌ها و چینش ابواب در این ساختار، بر می‌آید که هدف در این ساختار، سامان‌دهی ابواب فقه در یک ساختار منطقی و منسجم است. این هدف هر چند هدف درستی است، اما هدف عالی نیست. ساختار فقه را می‌توان با هدف نظام‌بندی فقه یا دست‌یابی به اهداف شریعت ساختار بندی کرد که هدفی عالی‌تر از تنظیم ابواب فقهی می‌باشد.
۴. دسته‌بندی ناقص: ایشان غالب بخش‌ها را بدون دسته‌بندی رها کرده است، مانند بخش اموال شخصی که در آن ۲۵ باب شمرده، ولی آنها را تقسیم‌بندی نکرده است. فیض کاشانی این بخش را به مکاسب، مداینات، امانات و ضمانات تقسیم کرد (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۳۲).

### دوم: ساختار فقه در کتاب فقه تربیتی

آیت الله علیرضا اعرافی (معاصر) در کتاب فقه تربیتی، ابتدا برخی از مهم‌ترین ساختارهای فقهی را بدون هیچ اظهارنظری معرفی می‌کند و تصریح می‌کند که در مقام نقد و بررسی دسته‌بندی‌های ذکر شده نیست (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۹۵)، اما ضرورت طرحی نو در دسته‌بندی مباحث فقه بر اساس نیازهای اجتماعی و مسائل جدید را می‌پذیرد.

ایشان الگوی پیشنهادی خود را بر اساس ارتباطات چهارگانه انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت این گونه ترسیم می‌کند:

۱. ارتباط با خدا (فقه عبادی): شامل کتاب‌های: طهارت، صلات، صوم، اعتکاف، حج، نذر و عهد، یمین، کفارات و...

۲. ارتباط با خویشتن (فقه اخلاقی): در این قسمت به رفتارهای اخلاقی مکلف با نگاه فقهی و نیز برخی از گزاره‌های مربوط به ارتباط با خویشتن که در فقه موجود است مانند: اضرار به نفس، قتل خود، استمناء، معرفت نفس و... پرداخته می‌شود.
۳. ارتباط با دیگران: این نوع ارتباط از چند جهت بررسی می‌شود:
- الف) از جهت سیاسی که خود شامل چند گونه ارتباط است:
۱. ارتباط با حکومت (فقه حکومتی): شامل مباحث ولایت فقیه، خراج و...
  ۲. ارتباط با کشورها به دو شکل: شکل عام (روابط بین‌المللی) شامل روابط میان دولت‌ها. کتاب جهاد و دفاع در قسمت ارتباط با دولت‌های دشمن قرار می‌گیرد. شکل خاص: شامل مباحثی مانند: ارتباط با زنان دارالحرب، معامله و ازدواج با آنها، سوق و بازار آنها، مهاجرت، ملیت، پناهندگی و مانند آن.
  ۳. ارتباط با خطاکاران (فقه قضایی و آیین دادرسی): شامل کتاب‌های قضا، شهادت، اقرار و... و فقه جزایی شامل کتاب‌های حدود، دیات، تعزیرات و مانند آن.
- ب) از جهت اقتصادی (فقه اقتصادی) شامل: کتاب‌های تجارت، رهن، حجر، مفلس، صلح، شرکت، شفعه، مضاربه، ودیعه، مزارعه، مساقات، عاریه، اجاره، و کاله، وقف، عطیه (صدقه)، هبه، سکنا و تحبیس)، سبق و رمایه، عتق و تدبیر، ضمان، دین، کفاله، حواله، لقطه، غصب، خمس، زکات و مانند آن.
- ج) از جهت فرهنگی (فقه تربیتی): ارتباطات تربیتی
- د) از جهت اجتماعی شامل سه گونه ارتباط:
۱. ارتباطات عام اجتماعی (فقه اجتماعی) شامل امر به معروف، روابط محیط کار، معاشرت‌های اجتماعی و...
  ۲. ارتباطات سازمانی (فقه مدیریتی)
  ۳. ارتباطات خانوادگی (فقه خانواده): شامل کتاب‌های نکاح، طلاق، خلع و مبارات،ظهار، ایلاء، لعان، استیلاء، ارث، وصیت، عبد و امه و مانند آن.
  ۴. ارتباط با طبیعت (فقه منابع طبیعی یا محیط زیست) شامل سه گونه ارتباط:
    ۱. ارتباط با زمین‌ها و مکان‌ها: شامل اقسام اراضی، احیای موات، وقف و...
    ۲. ارتباط با مواد غذایی: شامل اطعمه و اشربه و...
    ۳. ارتباط با حیوانات: شامل صید و ذباحت و... (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۹۸-۱۰۰).





## بررسی ساختار فقه از منظر آیت‌الله اعرافی

ساختار معرفی شده توسط آیت‌الله اعرافی ساختار مناسبی است که در آن نکات قوت فراوانی است. در ادامه به برخی از مزایا و کاستی‌های آن اشاره می‌شود:

### مزایا

از مهم‌ترین نقاط قوت این ساختار عبارتند از:

۱. بیان معیار تقسیم: ایشان معیار تقسیم خود را ارتباطات انسان قرار می‌دهد و براساس آن، ساختار چهاربخشی برای فقه ترسیم می‌کند.
۲. منطقی بودن: انسان دارای چهارگونه ارتباط اصلی می‌باشد که بر این پایه قابل تقسیم‌ناپذیری است: انسان یا با خدا ارتباط دارد یا با غیر خدا؛ صورت اول، فقه عبادی است و صورت دوم (ارتباط با غیر خدا)، یا ارتباط با خود است یا با غیر خود. ارتباط با خود، فقه اخلاقی است و صورت دوم (ارتباط با غیر خود)، یا ارتباط با انسان‌های دیگر است یا با طبیعت. ارتباط با انسان‌ها شامل چهارگونه فقه است: فقه سیاسی، فقه اقتصادی، فقه تربیتی و فقه اجتماعی، ارتباط با طبیعت هم فقه محیط‌زیست یا فقه منابع طبیعی نامیده می‌شود.
۳. جامع بودن: دسته‌بندی ایشان تمام ابواب فقهی کنونی و حتی ابواب دیگری که ممکن است به فقه افزوده شود را می‌تواند شامل شود و این امر از مزایای مهم یک تقسیم مطلوب است.
۴. تقسیم ماهوی: این ساختار براساس ماهیت موضوعات مسائل فقهی طراحی شده؛ یعنی اموری که مربوط به مسائل مالی است در فقه اقتصاد؛ مسائل مربوط به خانواده، در فقه خانواده؛ احکام مربوط به تعامل با طبیعت، در فقه محیط‌زیست و... دسته‌بندی شده است.
۵. استفاده از یک معیار: طراحی این ساختار بر پایه یک معیار کلان به نام «ارتباطات انسان» است و تمامی تقسیم‌ها براساس همین معیار صورت گرفته است. استفاده از یک معیار در ساختار از مزایای یک تقسیم است؛ زیرا در چنین ساختاری ارتباط بخش‌ها بسیار نزدیک و به هم پیوسته است؛ در نتیجه، انسجام اجزای ساختار به صورت مطلوبی برقرار می‌گردد.
۶. ناظر به علم حقوق: این ساختار نسبت به ساختارهای دیگر امامیه، توجه بیشتری به

ساختار و شاخه‌های حقوق دارد. این ساختار، هم از ساختار حقوق بهره گرفته و هم به ساختار حقوق می‌تواند کمک کند. گونه‌های ارتباط ساختاری فقه و حقوق عبارتند از:

- الف. بهره‌گیری از ساختار حقوق: این ساختار از جهات مختلف ناظر به حقوق است:
۱. تقسیم بر اساس روابط چهارگانه انسانی: سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی؛
  ۲. توجه به ارتباطات سه‌گانه سیاسی: ارتباط با حکومت، ارتباط با کشورها به شکل عام و خاص، ارتباط با خطاکاران (قضا و جزا). در حقیقت این بخش متناظر با حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل، حقوق قضایی و آیین دادرسی و حقوق جزایی است.
- ب. بهره‌رسانی به ساختار حقوق: این ساختار می‌تواند از چند جهت به ارتقای ساختار حقوق کمک کند:

۱. منطقی‌سازی ساختار حقوق: منطقی به کار گرفته شده در این ساختار که در بالا به آن اشاره شد، می‌تواند مورد استفاده در ساختار حقوق قرار گیرد.

۲. طراحی بخش‌های جدید در ساختار علم حقوق: ساختار حقوق بیشتر محدود به روابط اجتماعی انسان‌ها است، اما اساس این ساختار بر پایه روابط چهارگانه انسانی (ارتباط با خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت) طراحی شده است؛ در نتیجه، علم حقوق می‌تواند ارتباط با طبیعت و محیط‌زیست را به‌عنوان بخش جدید، یا شاخه‌ای جداگانه به رسمیت بشناسد، چنان‌که رابطه با خود نیز می‌تواند بخش دیگری از حقوق قرار گیرد، بخشی که اکنون به‌عنوان حقوق و اخلاق به‌زویایی از آن پرداخته می‌شود. در صورت دقت بیشتر می‌توان گفت: ارتباط با خدا مناسب است بخشی از حقوق قرار گیرد؛ زیرا این ارتباط، اصلی‌ترین نوع ارتباط انسانی است و سایر روابط انسان ریشه در این نوع ارتباط دارند.

۳. افزایش شاخه‌های جدید در ساختار حقوق: یکی از روابط اساسی انسان، روابط فرهنگی و تربیتی است. مناسب است شاخه‌ای در حقوق به‌نام حقوق تربیتی افزوده شود و در آن قوانین مربوط به فرهنگ و روابط تربیتی بحث شود.

۷. تناسب با نیازها: در این دسته‌بندی سعی شده تا نیازهای متوقع از فقه در عناوین تقسیم‌گنجانده شود و انتخاب عناوین هم با نگاه جدیدی صورت گرفته، نه به روش تقلیدی و با استفاده از طرح‌های پیشین، چرا که دسته‌بندی‌های قبلی مناسب آن زمان بوده و با تغییر نیازها، این تغییر باید در ساختار فقه که امری شکلی است نیز منعکس شود.

ورود برخی از مسائل و ابواب فقهی مثل فقه اخلاقی، فقه منابع طبیعی، فقه تربیتی، فقه حکومتی، فقه مدیریتی را می‌توان از برجستگی‌های این طرح نام برد.

### کاستی‌ها

این ساختار با وجود مزایای بسیار، دارای کاستی‌های زیر است:

۱- روشن نبودن منطق تقسیم در برخی موارد: در این ساختار، ارتباط با دیگران به چهار دسته تقسیم شده است: از جهت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. سؤال آن است مبنای این تقسیم چیست؟ آیا منحصر در همین چهار جهت است؟ دلیل حصر چیست؟ ارتباطات سیاسی سه گونه قرار داده شده: ارتباط با حکومت، کشورها و خطا کاران. آیا ارتباطات سیاسی در این سه ارتباط محدود می‌شود یا این سه ارتباط از میان ارتباطات سیاسی انتخاب شده است؟ هر دو صورت نیاز به تبیین دارد. همین پرسش‌ها در مورد ارتباطات سه گانه اجتماعی (ارتباط عام اجتماعی، سازمانی و خانوادگی) و ارتباط سه گانه با طبیعت (مکان، مواد غذایی و حیوانات) نیاز به پاسخ‌گویی دارد.

۲- مشخص نبودن ساختار انواع فقه: در این ساختار، فقه‌های گوناگونی همچون: فقه اخلاقی، فقه سیاسی، فقه حکومتی، فقه تربیتی، فقه مدیریتی، فقه منابع طبیعی و... معرفی شده است، اما ساختار این فقه‌ها به درستی بیان نشده است و گاهی فقط اسم فقه برده شده مانند: فقه مدیریتی، فقه تربیتی و ساختاری گرچه فی‌الجمله برای آنها معرفی نشده است.

۳- عدم دسته‌بندی در برخی موارد: ایشان، فقه اقتصادی را دسته‌بندی نکرده و تنها ۲۸ باب برای آن شمرده است. در حالی که می‌بایست ابواب فقه اقتصادی دسته‌بندی می‌شد؛ کاری که برخی از فقیهان مانند فیض کاشانی انجام دادند (فیض کاشانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ص ۳۲).

۴- تجمیع نامناسب در برخی موارد: سؤال آن است که چرا فقه قضایی و جزایی، زیر مجموعه فقه سیاسی قرار گرفت؛ در حالی که می‌توانست فقه قضا و جزا جداگانه و به‌عنوان یک بخش و در کنار فقه سیاسی و اقتصادی قرار گیرد.

اگر گفته شود: قضا و جزا از وظایف حکومت اسلامی است، لذا ذیل فقه سیاسی می‌گنجد،

می‌گوییم: سایر فقه‌ها مثل فقه مدیریتی، فقه تربیتی، فقه اقتصادی و... نیز از وظایف حکومت و دولت است و تفاوتی از این جهت میان این فقه‌ها با فقه قضایی و جزایی نیست.

### سوم: ساختار فقه در مقدمه کتاب کشف الرموز

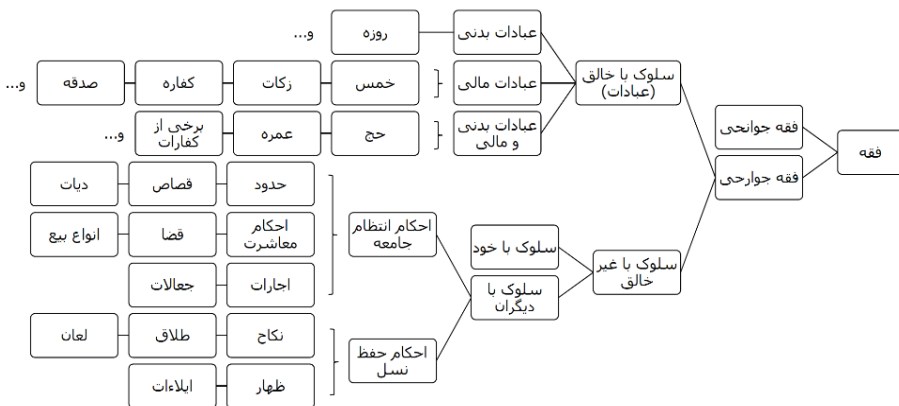
آیت‌الله اشتهاوردی و آیت‌الله یزدی در مقدمه کتاب کشف الرموز - که شرح مختصر النافع محقق حلی است - برای فقه واقعی و نفس‌الامری دو مرتبه مترتب برهم ترسیم کرد: الف). فقه جوانحی؛ ب). فقه جوارحی.

ایشان فقه جوارحی را به اعتبار سلوک و رفتار آدمی به شرح ذیل تقسیم کرد: یک. سلوک با خالق و نام آن را عبادات گذاشت و عبادات را به سه دسته تقسیم کرد: عباداتی که به بدن تعلق می‌گیرد، مانند: روزه؛ عباداتی که به اموال تعلق می‌گیرد، مانند: خمس، زکات، کفاره و صدقه؛ عباداتی که به بدن و مال تعلق می‌گیرند، مانند: حج، عمره و برخی از کفارات.

دو. سلوک با غیرخالق که دو گونه است: سلوک با خود و سلوک با دیگران.

سلوک با دیگران دو دسته است:

۱. احکامی که برای انتظام جامعه جعل شده‌اند؛ مانند: حدود، قصاص، دیات، احکام معاشرت، قضا، انواع بیع، اجارات و جعلات.
۲. احکامی که برای حفظ نسل و انتساب جعل شده‌اند؛ مانند: نکاح، طلاق، لعان، طهار و ایلاءات (آبی، ۴۱۷ق: ج ۱: ص ۵-۶).



### بررسی ساختار فقه از منظر آیت‌الله اشتهااردی و آیت‌الله یزدی

آیت‌الله اشتهااردی و یزدی، فقه را به اعتبار سلوک، ساختاربندی کرده‌اند. رد پای این ساختار در ساختارهای دیگری همچون ساختار شهید صدر، آیت‌الله هاشمی شاهرودی، آیت‌الله اراکی - که آدرس آنها در اول مقاله آمد- نیز دیده می‌شود. در ادامه، این ساختار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

#### مزایا

برخی از مهم‌ترین مزیت‌های این ساختار عبارتند از:

۱. استفاده از تقسیم‌ثنائی: ایشان ابتدا فقه را به فقه جوانحی و جوارحی تقسیم می‌کند، سپس فقه جوارحی را به اعتبار سلوک این گونه تقسیم می‌کند: سلوک با خالق (عبادات) و سلوک با غیرخالق. سپس سلوک با غیر خالق را به دو دسته تقسیم می‌کند: سلوک با خود و سلوک با دیگران.

تقسیم فقه به جوانحی و غیر جوانحی (جوارحی)، سلوک با خالق و غیر خالق، سلوک با خود و غیر خود (دیگران)، سه تقسیم‌ثنائی است؛ البته ایشان گاهی در ساختارش از تقسیم غیرثنائی هم استفاده کرده است؛ مانند: تقسیم سلوک با دیگران به احکام انتظام جامعه و احکام حفظ نسل.

۲. بیان معیار تقسیم: ایشان فقه را براساس «سلوک و رفتار» تقسیم می‌کند و این معیار مناسب و بدیعی است؛ زیرا به موضوع علم فقه - که بنا بر قول مشهور- فعل و رفتار مکلف است، برمی‌گردد. علاوه بر شش فقه‌پژوه که ساختارشان در این مقاله گزارش می‌شود، شهید صدر، آیت‌الله هاشمی شاهرودی و آیت‌الله شیخ محسن اراکی نیز از این معیار در بخش‌هایی از ساختار خود بهره برده‌اند.

۳. توجه به ماهیت ابواب فقهی (تقسیم ماهوی): در این ساختار، تمام توجه به ماهیت ابواب فقهی است و از این نظر بر ساختارهای فقهی که بخشی از ساختار خود را براساس معیار لفظی (نیازمندی به لفظ) چیده‌اند، برتری دارد. محقق حلی معاملات را بر اساس معیار نیازمندی به لفظ، به عقود و ایقاعات تقسیم کرد. چنین تقسیمی سبب جداشدن ابواب هم‌خانواده شد.

۴. تعریف اصطلاح: ایشان برخی از اصطلاح‌ها را چنین تعریف کرده‌اند:

۱ - ۴. فقه جوانحی: فقهی است که مردم در تهذیب نفس و تکمیل قوا به آن احتیاج

دارند.

۲ - ۴. فقه جوارحی: فقهی است که مردم در سلوک و رفتار ظاهری بدان نیازمندند

(همان: ص ۷).

۳ - ۴. فقه حقیقی: فقهی عملی (همان: ص ۵) و ناشی از تقوای قلب است (همان: ص ۸).

### کاستی‌ها

از مهم‌ترین کاستی‌ها و اشکالات این ساختار عبارتند از:

۱. چالش در اصطلاح و مصادیق عبادات: عبادت دارای اصطلاح‌های متعددی است.

به درستی معلوم نیست ایشان از کدام اصطلاح بهره جسته است؛ زیرا ایشان صدقه را جزو عبادات شمرده است، در حالی که صدقه از معاملات مشروط به قصد قربت است (شهید اول، بی تا، ج ۱: ص ۲۵۴؛ بحرالعلوم، ۱۴۲۷ق، ج ۱: ص ۱۳) و توصیلات قربی محدود به صدقه نیست. نذر، عهد، یمین، صدقه به معنای خاص و وقف از این دسته عبادات هستند. سوال آن است که اگر دایره عبادات نزد ایشان وسیع است به گونه‌ای که صدقه را هم شامل می‌شود؛ چرا سایر معاملات مشروط به قصد قربت مانند نذر و وقف را جزو عبادات قرار نداده است.

۲. بهره‌گیری ناتمام از معیار: مناسب بود ایشان پس از تقسیم سلوک با غیرخالق

به سلوک با خود و سلوک با غیر، سلوک با غیر را تقسیم می‌کرد به؛ سلوک با انسان‌های دیگر و سلوک با طبیعت. در این ساختار، سلوک با طبیعت یافت نمی‌شود.

علاوه بر آنکه "سلوک با دیگران" قابل تقسیم‌بندی براساس معیار سلوک است؛

مانند: سلوک فردی، سلوک خانوادگی، سلوک اجتماعی و... در حالی که ایشان این

قسم از ساختار را براساس معیار سلوک تقسیم‌بندی نکرده است. ایشان سلوک با دیگران

را بر اساس معیار غرض از تشریح به احکام انتظام جامعه و احکام حفظ نسل تقسیم کرده است.

این قسمت از تقسیم در ساختارهای شهید صدر و کسانی که از او پیروی کرده‌اند - مانند آیات عظام هاشمی شاهرودی و اراکی - چینش کامل‌تری یافته است.

۳. چینش ناقص ابواب فقهی: از حدود ۵۰ باب فقهی فقط ۲۰ باب فقهی در این ساختار نام برده شده است. ساختار منطقی و جامع، ساختاری است که در آن ابواب فقهی به صورت حداکثری چینش شوند.

#### چهارم: ساختار فقه در کتاب تاریخ فقه و فقها

دکتر ابوالقاسم گرجی در کتاب تاریخ فقه و فقها، احکام مطرح در قرآن را در هفت دسته تقسیم‌بندی کرده است:

دسته اول: احکام مربوط به روابط خلق و خالق که دو قسم است: الف) نیازمند به انشا؛ مانند: نذر، عهد و قسم ب) نیازمند به انشا نیست که چند قسم است: ۱- عبادات محض؛ مانند: نماز و روزه ۲- عبادات مالی که جنبه اجتماعی دارد؛ مانند: خمس و زکات ۳- عبادات بدنی که جنبه سیاسی اجتماعی دارد؛ مانند: حج ۴- عبادات تربیتی که جنبه اجتماعی دارد؛ مانند: امر به معروف و نهی از منکر ۵- عبادات بدنی که جنبه ایثار دارد که هدف آن حفظ، توسعه و دفاع از اسلام است، مانند: جهاد و دفاع.

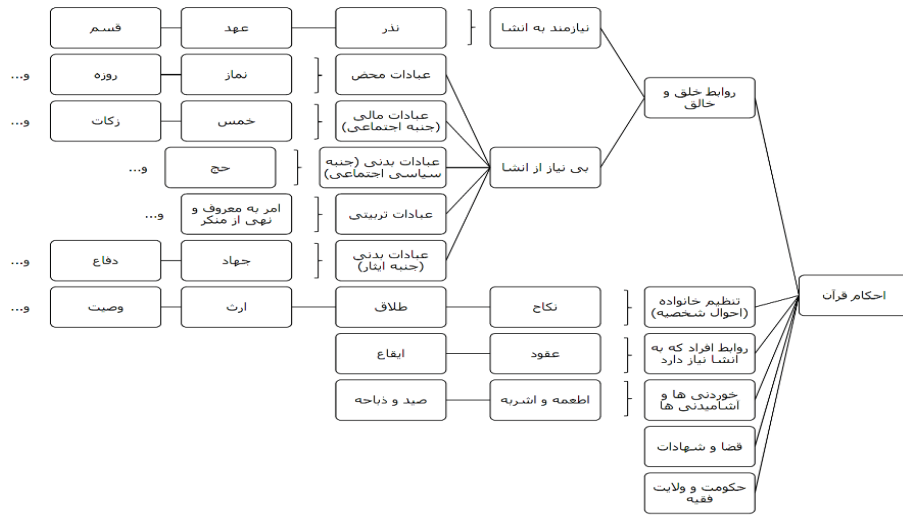
دسته دوم: احکام مربوط به تنظیم خانواده (احوال شخصیه)؛ مانند: نکاح، طلاق، ارث و وصیت؛

دسته سوم: احکام روابط میان افراد بشر که به انشا نیاز دارد: انشا دو طرفه (عقود) و انشا یک‌طرفه (ایقاع)؛

دسته چهارم: احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و مقدمات آن‌ها؛ مانند: اطعمه و اشربه، صید و ذباجه؛

دسته پنجم: قضا و شهادت؛ دسته ششم: حکومت و ولایت امر؛ دسته هفتم: عقوبات مالی و بدنی؛ مانند: حدود، قصاص و دیات (گرجی، ۱۴۲۱ق: ص ۲۱-۲۲).





### بررسی ساختار احکام از منظر ابوالقاسم گرجی

ابوالقاسم گرجی ساختاری ناظر به روابط انسانی پیشنهاد کرده است. این ساختار دارای مزایا و کاستی‌های زیر است:

#### مزایا

از مهم‌ترین مزایای این ساختار عبارت است از: تقسیم ماهوی: دکتر گرجی با توجه به ماهیت موضوعات و ابواب فقهی، ساختار خود را طراحی کرده است و این امر از مزایای این ساختار به شمار می‌آید.

#### کاستی‌ها

کاستی‌ها و نقاط ضعف این ساختار عبارت است از:

۲۱. عدم بیان معیار تقسیم و نداشتن تقسیم منطقی: ایشان معیار ساختار خود را بیان نکرده است و تنها گفته‌اند؛ احکام مطرح در قرآن را می‌توان در هفت دسته تقسیم‌بندی نمود. هر تقسیم و دسته‌بندی نیاز به معیار دارد. گویا معیار تقسیم ایشان روابط انسانی است؛ چنان‌که دو جا در ساختار از آن نام برده شده (روابط خلق و خالق، روابط افراد بشر)، اما

ایشان اولاً نامی از روابط انسانی دیگر نبرده است و ثانیاً توضیح نداده که چگونه این ساختار از روابط انسانی به دست می‌آید.

۳. چالش در اصطلاح عبادت و مصادیق آن: ایشان هر چند عبادات را به اقسامی تقسیم نموده، اما اولاً معلوم نیست از کدام اصطلاح عبادت پیروی کرده است و ثانیاً مصادیقی که شمرده متناسب با اصطلاحات عبادات نیست؛ زیرا اگر عبادت به معنای خاص می‌باشد، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر را شامل نمی‌شود و اگر عبادت به معنای عام باشد، عبادات، منحصر در موارد یادشده نمی‌باشد و چنان که گذشت موارد دیگری را نیز در برمی‌گیرد.

۴. عدم چینش تمام ابواب فقهی: ایشان برخی از ابواب فقهی را ضمن ساختار خود جای داده‌اند و از حدود ۵۰ باب فقهی تنها حدود ۲۰ باب را نام برده است.

### پنجم: ساختار فقه در کتاب الحلال و الحرام فی الشریعة الاسلامیة

عبدالکریم آل‌نجف (معاصر) در کتاب الحلال و الحرام فی الشریعة الاسلامیة در بحث‌های مقدماتی به اجمال احکام و ابواب شریعت را بر اساس روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، دیگران و طبیعت این‌گونه ترسیم می‌کند:

۱- ارتباط بین انسان و پروردگارش: در این قسم، احکام و عقاید و عبادات به معنای اخص؛ یعنی طهارت، صلاه، صوم، اعتکاف، حج، کفارات و نیز نذر و یمین به عنوان ملحق جای می‌گیرند.

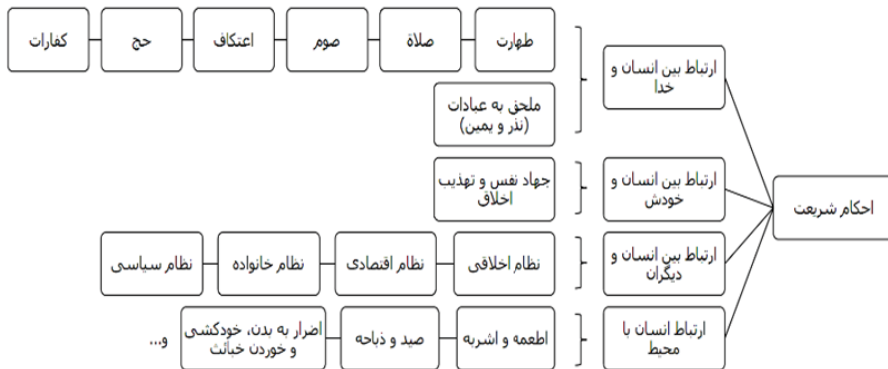
۲- ارتباط بین انسان و خودش: مباحث مربوط به جهاد با نفس و تهذیب اخلاق، مورد بحث قرار می‌گیرند.

۳- ارتباط بین انسان و دیگران چهار نوع است:

الف) بنیان‌های اخلاقی جامعه اسلامی (نظام اخلاقی)؛ ب) ارتباطات اقتصادی؛ مانند: خرید و فروش، شرکت و... (نظام اقتصادی)؛ ج) احکام خانواده و احوال شخصیه (نظام خانواده)؛ د) احکام سیاست داخلی دولت‌های اسلامی (نظام سیاسی).

۴- ارتباط انسان با محیط: هر آنچه مربوط به طبیعت، حیوان، گیاه و جمادات در این

قسم قرار می‌گیرند؛ مباحثی مانند: اطعمه و اشربه، صید و تذکيه. احکام مربوط به بدن؛ مانند: خودکشی، اضرار به بدن، خوردن خبائث نیز در این قسم داخل هستند (آل‌نجف، ۱۴۲۹ق: ص ۱۸-۱۹ و ص ۳۶-۳۷).



### بررسی ساختار فقه از منظر عبدالکریم آل‌نجف

این ساختار چهاربخشی دارای نقاط قوت و ضعف می‌باشد که در ادامه بیان می‌شوند:

#### مزایا

مهم‌ترین مزیت‌های این ساختار عبارتند از:

۱. بیان معیار تقسیم: ایشان برخلاف اکثر فقیهان که معیار تقسیم خود را بیان نکرده‌اند، به روشنی معیار تقسیم را روابط انسانی می‌شمارد و ساختار چهاربخشی را بر اساس روابط چهارگانه انسان پی‌ریزی می‌کند.
۲. توانایی سامان‌بخشی تمام ابواب فقهی (جامعیت): این ساختار قابلیت دارد ابواب فقهی موجود را پوشش دهد و آن‌ها را در چهار بخش گردآوری کند.
۳. استفاده از تقسیم منطقی: این ساختار بر اساس روابط انسانی پایه‌ریزی شده است. به

استقراء، روابط انسانی چهار گونه است (رابطه با خدا، خود، دیگران و محیط). روابط انسانی را بر اساس تقسیم ثنایی می‌توان این گونه بیان کرد:

انسان یا با خدا ارتباط دارد یا با غیر خدا، صورت دوم (ارتباط با غیر خدا) یا ارتباط با خود است یا با غیر خود، ارتباط با غیر خود یا با انسان‌های دیگر است یا با غیر انسان (محیط).

۴. تقسیم ماهوی: تقسیم بر اساس روابط چهارگانه، تقسیم با محوریت ماهیت موضوعات فقهی است. در چنین تقسیمی، موضوعات هم‌خانواده کنار هم قرار می‌گیرند. این گونه تقسیم از مزایای این ساختار است.

۵. تعریف اصطلاحات: ایشان اصطلاحات به کار رفته در ساختار خود را تعریف می‌کند و سه اصطلاح برای عبادات می‌شمارد:

۱- عبادات به معنای اخص که مختص ارتباط بین بنده و خداست؛ مانند: طهارت، صلات، صوم و حج؛

۲- عبادات به معنای خاص که قصد قربت در آن‌ها شرط است و تنظیم‌کننده روابط انسان با جامعه است؛ مانند: زکات، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و خمس؛

۳- عبادات به معنای عام: به هر فعلی که مکلف به قصد قربت به جای بیاورد، عبادت اطلاق می‌شود و لو شریعت در آن‌ها قصد قربت را شرط نکرده باشد (آنجنف، ۱۴۲۹ق: ص ۲۱۸).

تعریف معاملات: هر آنچه قصد قربت در آن‌ها شرط نیست (همان: ص ۲۱۷).

ایشان برای نفس دو اصطلاح بیان می‌کند: در اصطلاح خاص، نفس جوهر ملکوتی است که فقط خیر از آن صادر می‌شود و به آن وجدان و فطرت هم گفته می‌شود. نفس به معنای عام عبارت است از جوهر ملکوتی و قوای چهارگانه (عقل، وهم، شهوت و غضب). از این نفس، افعال خیر و شر هر دو صادر می‌شوند (همان: ص ۲۶۰). مراد از رابطه انسان با خودش رابطه با نفس می‌باشد.

مراد از محیط، محلی است که انسان در آن زندگی می‌کند و از همه جهت بر آن احاطه و تسلط دارد (همان: ص ۴۹۲) و شامل نبات، حیوان، جماد و بدن انسان می‌شود؛ چون

بدن مادی است (همان: ص ۴۹۶)، اما روح انسان مربوط به رابطه انسان با خود می‌باشد، نه رابطه انسان با محیط زیست.

۶. هدف عالی: نویسنده محترم برای ساختاربندی دو هدف عمده مطرح کرده است: چنین ابواب فقه ضمن چند بخش اصلی (هدف میانی)، ساختاربندی بر اساس اهداف شریعت (هدف عالی). ایشان دسته‌بندی مسائل فقهی برای تسلط یافتن بر مباحث علم فقه را کافی نمی‌داند و در نظر گرفتن اهداف شریعت را ضروری می‌شمارد؛ زیرا اگر ساختاری بر اساس اهداف شریعت تنظیم نشود، می‌تواند به لیبرالیسم و سکولاریسم منجر شود، به این بیان که: یا ساختاری است که با رویکردی فردی تنظیم شده و با نظام‌های اجتماعی گوناگون قابل جمع است و یا ساختاری با رویکرد اجتماعی است، اما چون اهداف شریعت در آن پیش‌بینی نشده، نسبت به سایر نظام‌های اجتماعی خنثی است؛ از این رو می‌تواند با آن‌ها جمع شود.

### کاستی‌ها

این ساختار در عین برخورداری از نقاط قوت بسیار، دارای کاستی‌های زیر است:

۱. عدم چنین ابواب فقهی: ایشان به ارائه ساختار کلی بسنده کرده و ابواب فقهی را در ساختار پیشنهادی جایگزین نکرده است و این امر یکی از کاستی‌های مهم این ساختار است؛ زیرا زمانی ساختار می‌تواند ساختار علم باشد که در سامان‌دهی ابواب و مباحث آن علم موفق باشد و ایشان جاسازی ابواب فقهی را در ساختار خود به نمایش نگذاشته تا درجه موفقیت او روشن شود به‌ویژه که آیت‌الله آصفی جایگزین کردن ابواب فقهی را در ساختار مبتنی بر روابط انسانی، دچار چالش دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۲: ص ۳۹). مثلاً بخش ارتباط بین انسان و خودش، آیا بخشی فقهی است یا ماهیت اخلاقی دارد. پرسش، آن است که کدام یک از ابواب فقهی در این بخش جای می‌گیرند؟

از حدود ۶۰ باب فقهی، ایشان حدود ۱۰ باب را در ساختار سامان‌دهی کرده است. این نکته از کاستی‌های این ساختار شمرده می‌شود.

۲. چالش در تقسیم‌میان‌ی: ایشان در بخش سوم (ارتباط بین انسان‌ها)، چهار گونه ارتباط را برمی‌شمارد و نام آن‌ها را «نظام» می‌گذارد که عبارتند از: نظام اخلاقی، نظام اقتصادی، نظام خانواده، نظام سیاسی.

سؤال آن است که اولاً: معیار تقسیم ارتباط به این چهار نظام چیست؟ ثانیاً آیا تنها این چهار نظام هست یا نظام‌های دیگری هم قابل بیان است؛ مانند: نظام قضایی، نظام تربیتی و...؟ ثالثاً: نظام اخلاقی مربوط به رابطه نفس با خود است. بله، اگر مراد نظام تربیتی باشد، مربوط به رابطه انسان با دیگران است (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۹۷ و ۹۹).

۳. عدم پیروی از یک اصطلاح در عبادات: ایشان برای عبادات، سه اصطلاح می‌شمرد. اما هنگام بیان مصادیق عبادات، معلوم نیست از کدام اصطلاح پیروی کرده است؛ زیرا ایشان برای عبادات، هشت مصداق نام می‌برد که پنج مصداق (طهارت، صلات، صوم، اعتکاف و حج) عبادت به معنای اخص (مناسک شرعی) هستند. اما کفارات، نذر و یمین در این اصطلاح جای نمی‌گیرند. عبادات به معنای خاص (ما یشرط فیہ القربۃ) دارای مصادیق بیشتری است و محدود به هشت مورد مذکور نمی‌شود بلکه مصادیقی مانند: زکات، خمس، وقف و صدقه هم اموری هستند که مشروط به قصد قربت‌اند.

۴. نمودنیافتن هدف عالی در ساختار: هرچند نویسنده محترم هدف برتری را برای ساختار معرفی می‌کند (اهداف شریعت)، اما نمود آن هدف در ساختار مشاهده نمی‌شود و این ساختار در عمل نزدیک به ساختارهای دیگر است.

۵. جاسازی نامناسب: ایشان خودکشی را در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داد و به برخی از اندیشوران که خودکشی و مانند آن را در قسم دوم در رابطه انسان با خودش (همان: ص ۹۸-۱۰۰) ذکر کرده‌اند، اشکال می‌کند؛ زیرا در قسم دوم از ارتباط انسان با نفس و روحش بحث می‌شود و این‌گونه مباحث مربوط به رابطه انسان با بدنش می‌باشد که مناسب با قسم چهارم (رابطه با محیط می‌باشد) است (آل‌نجف، ۱۴۲۹ق: ص ۳۷ و ۴۵).

مناسب آن است که رابطه انسان با خود را اعم از روح و جسم بگیریم و محیط را به خارج از خود و بدن معنا کنیم؛ در این صورت مواردی مثل خودکشی و مانند آن در رابطه انسان با خود جای می‌گیرد.

### ششم: ساختار فقه در مقاله دسته‌بندی‌های ابواب فقه

برجی (معاصر) در مقاله خود، باب‌های فقه را این‌گونه دسته‌بندی کرده است:

۱- احکام عبادی مشتمل بر نماز، روزه، حج، عمره و اعتکاف؛ ۲- احکام اقتصادی شامل سه امر:

(الف) اموال عمومی و دولتی: انفال، خمس، زکات و مالیات‌ها؛

(ب) اسباب شرعی تملک و تعمیم و حفاظت ثروت؛ مانند: احیای اموات، حیات، صید و ذباجه، ارث، ضمانات، وقف، هبه، صدقه، نذر، کفاره، حفاظت اموال جامعه (حجر)؛  
(ج) بازرگانی و سایر قراردادهای اقتصادی: بیع، تجارت، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، شفعه، جعاله، صلح، رهن، قرض، بیمه و سرقفلی.

۳- احکام مربوط به آداب شخصی و اجتماعی: نکاح، طلاق، خلع، مبارات،ظهار، لعان، ایلاء، عیید و اماء، وصیت، احکام اموات، ودیعه، عاریه، ایمان و لقطه.

۴- احکام قضایی و جزایی: قضا، شهادت، اقرار، غصب، حدود، دیات، قصاص و منازعات.

۵- احکام سیاسی: ولایت فقیه، جنگ و صلح، سبق و رمایه، امر به معروف و نهی از منکر، حقوق اقلیت‌ها و روابط بین‌المللی (برجی، ۱۳۷۴: ص ۲۴۱-۲۶۲).



## بررسی ساختار فقه از منظر حجت‌الاسلام والمسلمین برجی

ایشان، ساختار پنج‌بخشی را برای فقه طراحی کرده است که دارای نقاط قوت و ضعف است:

### مزایا

مهم‌ترین مزیت‌های این ساختار عبارت است از:

۱- بیان معیار تقسیم: ایشان معیار تقسیم خود را ارتباط انسان قرار داده است و در بیان معیار تقسیم نوشته است:

«احکام شرع یا رابطه مردم را با خدا بیان می‌کنند که «عبادات» نام دارند، یا رابطه مردم با یکدیگر را سامان می‌دهند که اگر امور اقتصادی و قراردادهای مالی باشند، احکام اقتصادی نامیده می‌شوند و اگر امور غیر اقتصادی باشند سه گونه‌اند: یا روابط مردم با یکدیگر را در حالت عادی بیان می‌کنند که به آن «احکام شخصیه» یا «احکام خانواده» گویند، یا وظیفه‌ای را در حال نزاع و رویداد جنایتی بیان می‌کنند که آن را «احکام قضایی» می‌گویند، یا روابط دولت‌ها را با یکدیگر بیان می‌کنند که «احکام سیاسی» نام دارند» (همان: ص ۲۶۰).

در بیان بالا، دو نوع رابطه برای انسان شمرده شده است: رابطه با خدا (عبادت)، رابطه با دیگران. رابطه با دیگران نیز چهار گونه است: رابطه مالی و اقتصادی، رابطه خانوادگی، رابطه قضایی و رابطه سیاسی (رابطه با دولت‌ها).

۲- توجه به ماهیت ابواب فقهی: در این طرح، به ماهیت و طبیعت ابواب فقهی توجه شده و باب‌هایی که دارای ماهیت مشترک بوده‌اند، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این امر در ساختار مذکور به روشنی نمایان است.

۳- جامعیت: این طرح، توانایی سامان‌دهی ابواب فقهی موجود و همچنین مسائل مستحدثه و ابواب جدید را فی‌الجمله دارد؛ زیرا بخش‌های آن از شمول و عمومیت خوبی برخوردار است.

۴- استفاده از اصطلاحات رایج روز: در این طرح، از اصطلاحات روز بهره گرفته شده است؛ مانند: احکام اقتصادی، اموال عمومی و دولتی، آداب شخصی و اجتماعی، احکام



سیاسی، ولایت فقیه، حقوق اقلیت‌ها و روابط بین‌المللی.

۵- انضباط در به‌کارگیری اصطلاحات (به‌کارگیری درست اصطلاح عبادات): ایشان اصطلاح عبادات را به‌معنای مناسک شرعی گرفته و مصادیق آن را به درستی پنج عنوان شمرده که همگی از مناسک شرعی می‌باشند.

۶- استفاده از معیار واحد در سامان‌بخشی ابواب: ایشان در تمام تقسیم خود از یک معیار استفاده کرده است و آن معیار روابط انسانی می‌باشد.

۷- رویکرد نسبی به مسائل اجتماعی، سیاسی و حکومتی: اختصاص دادن دو بخش به آداب اجتماعی و احکام سیاسی و مطرح کردن موضوعاتی مانند: ولایت فقیه، حقوق اقلیت‌ها و روابط بین‌المللی، نشانگر داشتن رویکرد نسبی به مسائل اجتماعی، سیاسی و تا اندازه‌ای حکومتی در این ساختار است.

#### کاستی‌ها

برخی از نقاط ضعف و کاستی‌های این ساختار عبارت است از:

۱- بهره‌گیری ناتمام از معیار (ساختار ناقص): معیار مورد استفاده در این ساختار، روابط انسانی است. روابط انسانی حداقل چهار گونه است (رابطه با خدا، خود، دیگران و محیط)، اما نویسنده محترم تنها از دو رابطه (رابطه با خدا و دیگران) در این ساختار بهره برده و ساختار پنج‌بخشی را ترسیم کرده است و دو رابطه دیگر (رابطه با خود و محیط) را که دو قسم از اقسام معیار هستند، بدون استفاده باقی گذاشته است.

اگر در ساختار، از معیاری استفاده شد، باید تمام اقسام آن معیار مورد استفاده قرار گیرد تا تقسیم منطقی و کامل شود و اگر از بعضی از اقسام معیار در ساختار بهره گرفته شود، تقسیم، غیرمنطقی و یا حداقل ناقص خواهد بود.

۲- چینش نامناسب برخی ابواب: برخی از ابواب فقهی در جای مناسبی جایگزین

نشده‌اند:

در بخش دوم (احکام اقتصادی)، صید و ذباحت، ارث، ضمانات و کفاره جزو اسباب شرعی تملک شمرده شده‌اند، در حالی که صید و ذباحت در بخش جداگانه‌ای که درباره رابطه انسان با محیط است، جای می‌گیرد و ارث در احکام خانواده (در بخش سوم) جای دارد.

بخش سوم، احکام شخصی و اجتماعی نام گرفته، در حالی که بیشتر ابوابی که ذیل آن قرار گرفته‌اند، مربوط به احکام خانواده است. مناسب آن بود که برای این بخش عنوان عامی انتخاب می‌شد و همانند بخش دوم به سه زیربخش تقسیم می‌شد: احکام شخصی، احکام خانوادگی و احکام اجتماعی.

گویا در این بخش ابواب گوناگونی گردآوری شده که با بخش‌های دیگر مناسب‌تر می‌باشند، مثلاً مناسب است که ودیعه، عاریه و لقطه در کنار ابواب اقتصادی قرار گیرند. اگر بخش چهارم به دو زیربخش؛ احکام قضایی و احکام جزایی تقسیم می‌شد و ابواب هر کدام ذیل آن قرار می‌گرفت، مناسب‌تر بود. هم‌چنین وجه این که منازعات به عنوان یک باب مطرح شده، چیست؟ در حالی که منازعات، ذیل باب قضا قرار می‌گیرد.

۳- هدف میانی داشتن: این ساختار بیشتر در صدد دسته‌بندی ابواب فقهی موجود می‌باشد. گویا هدف، سامان‌بخشی باب‌های فقهی کنونی با نظامی منطقی و معطوف به ماهیت موضوعات فقهی است. این هدف میانی است و معرفی فقه به صورت نظام و هم‌چنین در نظر گرفتن اهداف شریعت در ساختار بندی، اهدافی برتر نسبت به هدف مذکور در این ساختار می‌باشند.

۴- تعریف نکردن اصطلاحات: ایشان اصطلاحات به کاررفته در ساختارش را به روشنی تعریف نکرده است. اصطلاحاتی مانند: عبادت، احکام اقتصادی، احکام سیاسی و... در ساختار مطلوب باید اصطلاحات تعریف گردد تا از بدفهمی جلوگیری شود و مصداق‌یابی اصطلاحات به درستی امکان‌پذیر باشد.

### نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده در این تحقیق عبارتند از:

دو دسته معیار کلان در ساختار سازی فقه یافت می‌شود. دسته اول: معیارهایی که به احکام الهی باز می‌گردند؛ معیارهایی مانند: قصد تقرب و غرض از تشریح؛ دسته دوم: معیارهایی که به روابط انسان و نیازهای او مربوط است. فقیهان متقدم از معیارهای دسته اول و فقیهان متأخر و معاصر بیشتر از معیار روابط انسانی برای ساختار بندی فقه بهره بردند. از میان معیارهای مختلف، پرکاربردترین معیار در ساختار بندی فقه، معیار روابط انسانی

است؛ بدین گونه که اکثر دانشوران متأخر برای ساختاربندی فقه از معیار روابط انسانی بهره برده‌اند و این معیار در میان متأخران و معاصران فقه پژوه رایج است.

در ساختارهای ناظر به روابط انسان، توجه بیشتری به مسائل اجتماعی، سیاسی، حکومتی و اقتصادی شده است.

این ساختارها تناسب بیشتری با نیازهای زمانه دارند، از این رو مورد استقبال فقیهان قرار گرفته‌اند.

## کتاب‌نامه

۱. آبی (فاضل)، حسن (۱۴۱۷ق)، کشف‌الرموز (مقدمه اشتهاردی و یزدی)، قم: انتشارات اسلامی.
۲. آصف آگاه، سیدمحمد رضی (۱۳۹۲)، «تأملی بر ساختارهای فقه امامیه»، کاوشی نو در فقه، ش ۷۷.
۳. آل‌نجف، عبدالکریم (۱۴۲۹ق)، الحلال و الحرام فی الشریعة الإسلامیة، قم: المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامیة.
۴. اراکی، محسن (۱۳۸۷)، «سلسله نشست‌های تخصصی مطالعه نوآوری و دانش‌های دینی»، جنبش نرم‌افزاری مرکز همکاری‌های علمی پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۱۴۹.
۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷)، فقه تربیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. بحرالعلوم، سیدمحمد مهدی (۱۴۲۷ق)، مصابیح الاحکام، قم: نشر میثم تمار.
۷. برجی، یعقوبعلی (۱۳۷۴)، «نگاهی به دست‌بندی باب‌های فقه»، قم: مجله فقه اهل‌بیت 3 (فارسی)، ش ۳.
۸. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۳)، رساله نوین، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت .:
۱۰. زحیلی، وهبه (۱۴۰۹ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دارالفکر.
۱۱. زنجانی، عمید (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
۱۲. شلتوت، محمود (بی‌تا)، الاسلام عقیده و شریعه، بیروت: دارالشروق.
۱۳. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۳ق)، الفتاوی الواضحة، چ ۱، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
۱۴. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۲ق)، ریاض المسائل (مقدمه آیت‌الله محمد مهدی آصفی)، قم: موسسه النشر الاسلامی.

۱۵. عاملی مکی، محمد (شهید اول) (بی تا)، الدروس الشرعية، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۶. فضلی، عبدالهادی (۱۴۱۶ق)، مبادئ علم الفقه، بی جا: مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر.
۱۷. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشرائع، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة.
۱۸. گرجی، ابوالقاسم (۱۴۲۱ق)، تاریخ فقه و فقهها، ج ۳، تهران: نشر سمت.
۱۹. مؤمن، محمد (۱۴۲۵ق)، الولاية الالهية الاسلامیة أو الحكومة الاسلامیة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. مشکینی، علی (۱۴۱۸ق)، الفقه المأثور، قم: نشر الهادی.
۲۱. \_\_\_\_\_ (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی جا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران (۱۴۲۷ق)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی ۷.
۲۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۳)، «درس خارج فقه»، جلسه ۴۵۸، یکشنبه ۱۳۹۳/۱/۲۵، تاریخ مراجعه: ۲۵ بهمن ۱۳۹۷، به نشانی: <http://www.hashemishahroudi.org>
۲۴. یزدی، محمد (۱۴۱۵ق)، فقه القرآن، قم: نشر اسماعیلیان.

## استانداردسازی نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی؛ ضرورت، آثار و مشکلات

سیدمه‌دی مجیدی نظامی\*

### چکیده

مشکلات فراوری ترجمه متون و معادل‌یابی واژگان و اصطلاحات علوم اسلامی اقتضا می‌کند که از نویسه‌گردانی واژگان استفاده شود. استفاده از نویسه‌گردانی و شرح واژگان، سبب انتقال دقیق‌تر مفاهیم اسلامی، تعمیق آشنایی کاربر با اصطلاحات اسلامی و تسهیل در نشر معارف اسلامی در جهان می‌شود. از طرفی، عدم انضباط در نویسه‌گردانی، سبب هرج و مرج در کیفیت ورود اطلاعات در پایگاه داده‌ها شده و نیز سردرگمی کاربر، صرف وقت بسیار و عدم دستیابی به همه اطلاعات موردنظر در زمان بازیابی اطلاعات را در پی دارد. هدف این پژوهش، اثبات ضرورت مدیریت نویسه‌گردانی از طریق استانداردسازی و نظام‌ارجاعات در مترادف‌ها است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با مراجعه به اسناد و مدارک موجود به صورت نشر مکتوب یا دیجیتال انجام شده است. دستاوردهای تحقیق عبارتند از: لزوم سیاست‌گذاری، استانداردسازی نویسه‌های اصطلاحات همراه با تبیین مفهومی واژگان نویسه‌گردانی شده و ضرورت استفاده از نظام ارجاعات برای ارجاع به نویسه‌های استاندارد شده. موفقیت در این کار، نیازمند مشارکت و همکاری مراکز پژوهشی، آموزشی، کتاب‌خانه‌ها، مراکز نشر و پایگاه‌های اطلاعاتی برخط به‌ویژه راهنماهای اینترنتی و موتورهای جستجو در سطح ملی و بین‌المللی است.

### کلیدواژه‌ها

اصطلاحات علوم اسلامی، استانداردسازی، نویسه‌گردانی، ورود اطلاعات، بازیابی اطلاعات.

## مقدمه

از معضلات عملی و مشکلات عصر اطلاعات<sup>۱</sup>، بازیابی ناقص اطلاعات موردنظر کاربر است. یکی از عوامل مهم در این باره، شیوه ذخیره اطلاعات است؛ اطلاعات آن گونه که ذخیره می‌شوند، امکان بازیابی می‌یابند. این مشکل در حوزه بازیابی اصطلاحات علوم اسلامی که به صورت نویسه‌گردانی شده بر روی فضای مجازی ارسال شده، نمود بیشتری دارد؛ زیرا با توجه به عدم وجود معیار برای نویسه‌گردانی و استاندارد نبودن آن در جابجایی نویسه‌ها، اصطلاحات حوزه علوم اسلامی به اشکال مختلف ذخیره می‌شوند و سبب می‌شود تا کاربر تمامی اشکال ممکن مورد استفاده برای یک اصطلاح در زبان مقصد را مورد جستجو قرار دهد و اگر از این مهم غفلت کند و یا توانایی حدس آن را نداشته باشد تا در پی بازیابی کامل برآید، نتیجه جستجوی وی ناقص خواهد بود و اگر بخواهد نتیجه جستجو کامل شود، باید برای بازیابی اطلاعات<sup>۲</sup> از طریق جست‌وجوی همه اشکال متصور در نویسه‌گردانی اصطلاح از زبان مبدأ به زبان مقصد تلاش دوچندانی نماید. از باب نمونه واژه «قرآن» در نویسه‌گردانی به انگلیسی به چند صورت نوشته شده مانند: «*Ghuran, Ghoran, Quran, Qoran, Kuran, Koran*» و این سبب ایجاد مشکل و سردرگمی در بازیابی اطلاعات می‌شود؛ زیرا نتیجه بازیابی، تابع نحوه ذخیره است. بایسته است مراکز متصدی مدیریت اطلاعات، در این زمینه ورود کرده و استاندارد مشخص در حوزه نویسه‌گردانی واژگان علوم اسلامی ارائه دهند تا واژگان موردنظر به شکل یکسان و هماهنگ نویسه‌گردانی شوند. همچنین با توجه به استفاده مراکز از اشکال مختلف در نویسه‌گردانی، شیوه‌ای مناسب برای شناسایی مترادفات، تفکیک و جداسازی واژگان مرجع از غیرمرجع و ارجاع غیرمرجع به مرجع، ارائه نمایند. با این کار مشکل بازیابی به آسانی حل خواهد شد؛ هم‌چنین ضمن اینکه تمامی اشکال کلمه نویسه‌گردانی شده در متون مختلف، سر جای خودش محفوظ است.

1. Information Age

2. Information Retrieval

نمونه‌های دیگر اختلاف در واژه‌های عربی نویسه‌گردانی شده به انگلیسی:

حدیث: (Hadith, Hadis, Hadeas, hdaeeth, Hadees)؛ رمضان: (Ramadan, Ramazan, Ramadan, Ramazan)؛ عید: (Id, eid, eed)؛ فطرة: (Fitra, Fitrah, Fitrat, Ramadan)؛ مکه: (Mecca, Makkah)؛ اذان: (Dhuhr, zuhr)؛ اذان: (Adhan, Athan, Azaan)؛ ظهر: (Fetra, Fetrah, Fetrat).

در شرایط حاضر برای جست‌وجوی کامل هر کدام از موارد فوق باید کلیه واژه‌های ممکن در نویسه‌گردانی جست‌وجو شوند؛ و گرنه بازیابی ناقص خواهد بود.

در زمینه نویسه‌گردانی در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی، مطالب جست‌وجو و گریخته و مفیدی، مطرح شده (ویکی‌پدیا ۱۳۹۷، Glossary of Islam) و درباره نویسه‌گردانی و نیز آوانگاری (Transcription) قرآن<sup>۱</sup> و ادعیه<sup>۲</sup> نیز کارهایی انجام شده است. همچنین برخی کتاب‌هایی که در حوزه فرهنگ زبان فارسی به رشته تحریر آمده (معین، ۱۳۷۵؛ آریانپور، ۱۳۸۱؛ انوری، ۱۳۸۱؛ همو ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳؛ امامی، ۱۳۸۶؛ صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸ و حییم، ۱۳۸۷) به تناسب نگارش و تلفظ زبان فارسی به نحوی نویسه‌گردانی متناسب با زبان فارسی داشته‌اند؛ علاوه بر اینکه در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی نبوده و به‌صورت عام، ورود پیدا کرده‌اند اما همین مقدار نیز برای آشنایی با وضعیت نویسه‌گردانی و نیز مشاهده سلیقه‌های مختلف در امر نویسه‌گردانی کفایت می‌کند. مشکل این‌جاست که میان خود این صاحب‌نظران نیز اختلاف رأی و شیوه است. به‌عنوان نمونه: برخی برای صدای «خ» از تک نویسه «x» (معین، ۱۳۷۵؛ انوری، ۱۳۸۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴؛ امامی، ۱۳۸۶؛ حییم، ۱۳۸۷ و صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸) و برخی از دو نویسه «kh» استفاده می‌کنند (آریانپور، ۱۳۸۱). برخی برای «ش» از نویسه «š» استفاده می‌کنند (معین، ۱۳۷۵؛ انوری، ۱۳۸۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴؛ امامی، ۱۳۸۶؛ حییم، ۱۳۸۷ و صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸) و برخی از «sh» (آریانپور، ۱۳۸۱). برخی برای حرف «غ» از نویسه «q» استفاده می‌کنند (انوری، ۱۳۸۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۴؛ حییم، ۱۳۸۷؛

۱. در خصوص آوانگاری قرآن، ر.ک: <http://transliteration.org> با توجه به اهمیت صحیح تلفظ قرآن، این سایت ضمن ارائه متن قرآن با ترجمه به ۳۱ زبان، آوانگاری آن با حروف انگلیسی را نیز به همراه صوت قرائت عربی آورده است. از این‌رو در این سایت به آوانگاری توجه شده است نه نویسه‌گردانی. به نظر می‌رسد سزاوار است که بسیاری از مسلمانان که به زبان عربی تکلم نمی‌کنند ولی قرآن را به زبان عربی می‌توانند تلفظ کنند، فراگیری قرآن از طریق آوانگاری باشد.

۲. ر.ک: <http://transliteration.org/quran/Du%60a/Quoot%20Al-Witr.htm>



صدری افشار و همراهان، ۱۳۸۸) در حالی که برخی دیگر از نویسه «ğ» استفاده می‌کنند (امامی، ۱۳۸۶) و برخی نیز از «gh» استفاده می‌کنند (آریانپور، ۱۳۸۱) و برخی نیز از حرف شبیه «y» استفاده می‌کنند (معین، ۱۳۷۵)؛ البته اختلاف روش منحصر به موارد فوق نیست و در مورد برخی حروف دیگر و صداها نیز اختلاف نظر وجود دارد که به سبب پرهیز از زیاده‌نویسی، خودداری می‌شود و نگاهی به آثار یادشده، مؤید این ادعا است. چنین رویکردی در کتاب‌های عربی و آثاری که در حوزه‌های اسلامی نوشته شد، نیز وجود دارد. مثلاً برخی در خصوص حرف «ش»، «خ»، «غ» به ترتیب برخی از دونویسه «sh»، «kh»، «gh» استفاده کرده‌اند (شاهین، ۱۳۸۱؛ ابراهیمی، ۱۳۸۲؛ رضوی، ۱۳۸۳؛ کامیرون، ۱۹۷۹ و نقوی، ۱۹۹۲م)؛ برخی نیز با وجود این که در آغاز کتاب تذکر دادند؛ معادل حروف «خ»، «ش»، «غ» به ترتیب «x»، «š»، «ğ» است اما در عمل و هنگام نویسه‌گردانی اسامی سوره‌های قرآن به ترتیب از نویسه‌های «Kh»، «Sh»، «Q» استفاده کرده‌اند؛ واژه «برزخ» را به صورت «Barzakh» (صدرعاملی، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ص ۱۵۰) و «غاشیه» را به صورت «Qashiyah» (همان: ص ۳۴۴) نویسه‌گردانی کرده‌اند و این یعنی تفاوت رویه با دستورالعمل در یک اثر.

## تعریف‌ها

قبل از شروع بحث، تعریف و توضیحات برخی مفاهیم اصلی مقاله، ضروری است:

### نویسه<sup>۱</sup>

هر کلمه‌ای از حروف خاصی تشکیل شده است. به هر کدام از این اجزاء، نویسه، کاراکتر و یا دبیره گفته می‌شود. از طرفی نویسه، مفهوم عام‌تری دارد و شامل: حروف الفبا، ارقام، نشانه‌های نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری که از آن تعبیر به تک‌نگاره<sup>۲</sup> نیز می‌شود. تک‌نگاره یا نویسه، کوچک‌ترین نماد زبان نوشتاری است که موجب تمایز معنایی می‌شود؛ هر چند جزو حروف محسوب نشود؛ مانند: «،»، «:»، و «؟». چنان که جمله «بخشش

1. Character

2. Grapheme

لازم نیست اعدامش کنید» را با بهره‌گیری از نویسه می‌توان به دو گونه نوشت: «بخشش، لازم نیست اعدامش کنید» یا «بخشش لازم نیست، اعدامش کنید»<sup>۱</sup>.

### نویسه‌گردانی<sup>۲</sup>

نویسه‌گردانی؛ یعنی نشان‌دادن کیفیت تلفظ کلمه از طریق تبدیل نویسه‌های الفبایی زبان مبدأ به نویسه‌های الفبایی زبان مقصد و نوشتن حرف به حرف آن با استفاده از نزدیک‌ترین حروف متناظر با حفظ حالت نوشتاری در تبدیل نویسه‌ها؛ مانند: «*men rabbehem*» برای «مِن رَبِّهِمْ». توجه به این نکته مهم است که مراد از نویسه‌گردانی، تنها تبدیل حروف یک کلمه نیست بلکه شامل نحوه تلفظ کلمه به لحاظ حرکات آن نیز می‌شود؛ بنابراین نویسه «مِن» به کسر اول «*men*» و نویسه «مَن» به فتح اول، «*man*» است؛ در حالی که اگر فرض کنیم مراد از نویسه، فقط حرف است، در هر دو صورت چنین می‌شود: «*mn*» و این درست نیست؛ زیرا حرکت نیز همانند علائم و ارقام، از اقسام نویسه محسوب می‌شوند.<sup>۳</sup>

### آوانگاری<sup>۴</sup>

آوانگاری؛ یعنی نشان‌دادن کیفیت تلفظ کلمه یا عبارت است از: شیوه تبدیل نویسه‌های الفبایی زبان مبدأ به نویسه‌های الفبایی زبان مقصد و نوشتن حرف به حرف آن با استفاده از نزدیک‌ترین حروف متناظر با حفظ حالت گفتاری در تبدیل نویسه‌ها. آوانگاری علاوه بر حفظ حالت گفتاری، بیشتر برای نشان‌دادن چگونگی تلفظ نویسه‌ها در عبارت و جمله‌های ترکیبی کاربرد دارد. از این رو، برخی حروف در آوانگاری نمایان نمی‌شود مانند: «*merrabehem*» برای «مِن رَبِّهِمْ».

۱. ر.ک: <https://fa.wikipedia.org> ذیل واژه تک نگاره. نیز ر.ک:

<https://en.wikipedia.org/wiki/Grapheme>

2. Transliteration

۳. ر.ک: <https://en.wikipedia.org/wiki/Grapheme>

4. Transcription

اصطلاح<sup>۱</sup>

اصطلاح، از ریشه صلح و مصدر باب افتعال (اصتلاح) است که طبق قاعده زبان عربی، «ت» آن تبدیل به «ط» شد. اصطلاح در لغت به معنای، با یکدیگر صلح کردن است و مراد از معنای اصطلاحی، اتفاق طایفه مخصوصی بر وضع چیزی است. به عبارت دیگر، اصطلاح؛ یعنی لغتی که جمعی برای خود وضع کنند و بر معنایی غیر از معنای اصلی و معنای موضوع توافق کنند و به تعبیری، عرف خاص عبارت است از: اتفاق قومی بر چیزی یا نامی بعد از نقل آن چیز از اولین موضوعش، یا برای مناسبتی که بین اولین موضوع و نام آن شیء بوده، مانند عموم و خصوص، یا برای مشارکت بین آن دو در امری، یا مشابهت بین آن دو در وصفی، یا غیر آن (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۷: ص ۲۷۶۳)؛ مانند: استعمال صلاة در عمل عبادی مخصوص بعد از وضع لغوی آن در معنای دعا و استعمال «جهاد» در قتال با کفار یا جهاد نفس در حالی که در لغت به معنای، تلاش و کوشش است. بنابراین، مراد از اصطلاح، هر کلمه یا جمله‌ای است که برای بیان مفهومی خاص در عرف خاص، کاربرد دارد و هر واژه‌ای مقصود نیست. به عبارت دیگر، قیودی که در تعریف اصطلاح خاصی در یک حوزه به کار می‌رود؛ چه بسا در حوزه دیگری مطرح نباشد و به جای آن، قیود دیگر لازم باشد و اگر نتوانیم ترجمه در زبان دوم، معادلی برایش بیابیم مجبور به ذکر نام اصطلاح در مقصد شویم و در نوشتار، از نویسه‌های زبان مقصد استفاده کنیم و مقصود از آن را توضیح دهیم.

توضیح این نکته نیز لازم است که برای مدیریت اصطلاحات متداول در هر علم نیز باید از ابزاری مناسب استفاده شود تا واژگان مخصوص در هر حوزه را مدیریت کند. این ابزار، اصطلاح‌نامه است. اصطلاح‌نامه یا تزاروس<sup>۲</sup>؛ مجموعه‌ی اصطلاحات استاندارد شده در یک حوزه معرفتی است که فهرستی از واژگان کلیدی و کاربردی آن حوزه را ارائه می‌دهد و روابط سلسله‌مراتبی، مترادف و وابستگی بین مفاهیم را به نمایش می‌گذارد و از نظر ساختاری، گنجینه واژگان کنترل شده و سازمان یافته در حوزه خاص دانش بشری است و

1. idiom, term

2. Thesaurus

به‌عنوان بهترین وسیله برای ذخیره و بازیابی اطلاعات آن حوزه به کار می‌رود (ر.ک: اسلامی‌داک، ۱۳۹۷).

### علوم اسلامی

درباره ضابطه علوم اسلامی و مصادیق آن، بحث‌های فراوانی در گرفته است (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱: ص ۱۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ و ویکی فقه، ۱۳۹۷) که پرداختن به آن فرصت مستقلى می‌طلبد. به‌طور کلی، مراد از علوم اسلامی، علومى است که به نحوى با علوم و معارف اسلامی و در فهم صحیح از آن ارتباط دارد؛ مانند: کلام، فقه، اصول و اخلاق.

### مراد از نویسه‌گردانی در این پژوهش

مراد از نویسه‌گردانی در این پژوهش، نویسه‌گردانی از حروف واژه‌های عربی به حروف واژه‌های انگلیسی است. در این تبدیل، اگر حرفی از زبان مبدأ در زبان مقصد وجود نداشت؛ مانند: «ع، ص، ش، ذ، ظ، ث، غ و ح»، باید برای آن چاره‌ای اندیشید. برخی از طریق علائم فونتیکی<sup>۱</sup> و برخی با استفاده از دو حرف در زبان مقصد. خواستند مشکل را حل کنند؛ همان‌گونه که پیش از این در تعریف نویسه و آوانگاری بیان شد، مراد از نویسه‌گردانی، تبدیل حرف به حرف کلمات همراه حرکات و سکون آن است. فرق این با آوانگاری در تمرکز نویسه‌گردانی به حالت نوشتاری و توجه آوانگاری به تلفظ و محاوره است که بیشتر در ترکیب کلمات خودنمایی می‌کند؛ مانند: «wa\_lhamd» و «wa\_alhamd» در عبارت «و الحمد». اگر در نویسه‌گردانی فقط تبدیل حرف مراد باشد، نویسه واژه فارسی «گردن» در انگلیسی «Grdn» است و این درست نیست، بلکه نحوه تلفظ آن نیز مراد است؛ یعنی همراه با آوانگاری آن. بنابراین، نویسه آن در انگلیسی می‌شود: «Gardan» پس مراد از نویسه‌گردانی، تبدیل حرف به حرف است با رعایت حرکات و سکون کلمه در زبان مبدأ.

با توجه به اهمیت پژوهش واژگانی در حوزه علوم اسلامی، بیشترین نکات در این

1. Phonetics

پژوهش، متوجه حوزه‌های مرتبط با نویسه‌گردانی است و نه آوانگاری؛ البته در موارد ترکیبی، نگارش نحوه تلفظ آن (آوانگاری) نیز لازم است.

### کاربرد نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی در انتقال مفاهیم اسلامی، ضرورت و آثار آن

ارتباط و تبادل فرهنگی میان اقوام، ملل و پیروان ادیان و مذاهب در عصر حاضر و در سایه حاکمیت فضای مجازی بر روابط بین ملت‌ها به بالاترین حد خود در زندگی بشر کنونی رسیده است. این ارتباط، مرزهای زمانی و مکانی را درنوردیده و هر گروهی سعی دارد فرهنگ خود را به دیگران معرفی کند یا درباره فرهنگ دیگران اطلاع داشته باشد. ابزار این ارتباط، آشنایی با زبان دوم است که ترجمه لغات و اصطلاحات در این میان نقش آفرینی می‌کند. بدیهی است که برای انتقال مفاهیم واژه‌های عمومی مانند: چوب (Wood)، سنگ (Stone)، آسمان (Skye)، زمین (Earth)، آب (Water)، آتش (Fire) مشکلی نیست. همچنین برخی واژه‌ها به‌ویژه در حالت ترکیب، امکان ترجمه تحت‌اللفظی ندارند؛ مانند: زمین خوردن، پرپر شدن؛ طبیعی است که در این گونه موارد، باید معادل‌یابی و یا معادل‌سازی کرد. لیکن برخی واژه‌ها دارای بار معنایی خاصی بوده و امکان ترجمه و معادل‌سازی آنها نیز وجود ندارد. در این موارد، از جمله راه‌ها، ترجمه آن اصطلاح یا جمله به نزدیک‌ترین معادل در زبان مقصد است. این راه‌حل در بسیاری موارد مناسب است ولی در مواردی نیز ناتوان است و نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه به سبب بار معنای خاص واژگان در هر زبانی که آمیخته با پیش‌فرض‌ها و درک خاصی از یک واژه است، در انتقال دقیق مفاهیم، اختلال ایجاد می‌کند. این مشکل در مورد انتقال مفاهیم دینی از یک زبان به زبان دیگر بیشتر، خودنمایی می‌کند. راه‌حلی که برای این مشکل، اندیشیده شده، انتقال اصطلاح موردنظر از زبان مبدأ به زبان مقصد با استفاده از نویسه‌های زبان مقصد و توضیح مفهوم آن به همان نحوی است که مخاطب زبان اول می‌فهمد. از این‌رو در صورت قائل شدن به ترجمه‌ناپذیری واژه‌هایی مانند: «الله، صلاة، وضو»، یکی از راه‌های حل این مشکل، نویسه‌گردانی آن به صورت «Allah, Salat, wuzu» است که در این صورت، باید مفهوم این واژه‌های نویسه‌گردانی شده نیز جداگانه تبیین شود.

توضیح اینکه؛ استعمال واژگان در هر لغتی، تابع وضع لفظ یا کثرت استعمال لفظ در

معنای خاصی است؛ استعمال لفظ در معنای خاص به لحاظ تناسبی است که بین مفهوم لغوی آن و معنای جدید، وجود دارد. کثرت استعمال در معنای خاص، موجب می‌شود که واژه مورد نظر به صورت وضع تعینی، برای مفهوم جدید با ویژگی‌های خاص آن در آید (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۳۶؛ صدر، ۱۴۱۵ق: ص ۸۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۴۹) و در ادامه، معنای لغوی محض که خالی از قید و شرط جدید است به کناری رود؛ بنابراین معنای اصطلاحی جدید، خودش موجودیت خاص خود را دارد و برای ترجمه آن به واژه‌ای در زبان دوم این ویژگی‌های خاص باید در نظر گرفته شود که به چند نمونه آن، اشاره می‌شود:

واژه «الله»؛ واژه الله، عَلم است برای ذات مستجمع جمیع صفات کمالیه (فردِ اَحدِ صمدِ قیوم خالقِ جهان هستی و ...) (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۸۴) و این کلمه، مفردی است که جمع بسته نمی‌شود (همو، ۱۳۸۴: ص ۵۰)؛ در مقابل واژه «اله» است که عام است و شامل خداوند متعال و دیگر خدایان موهوم نیز می‌شود؛ همانند God در انگلیسی. از این رو، هر دو به «آلهه» و «gods» جمع بسته می‌شوند. از این رو بسیاری از مترجمین آن را به صورت «Allah» نویسه‌گردانی کرده‌اند.

واژه صلاة؛ صلاة، به معنای عبادت مخصوصی است که به صورت حقیقت شرعیه یا متشرعه<sup>۱</sup> برای عمل عبادی خاصی استعمال می‌شود. این عمل عبادی، دارای اجزا، شرایط و آداب خاصی است و روزانه پنج مرتبه توسط مسلمانان اقامه می‌شود. ترجمه صلاة به «prayer» که در زبان انگلیسی به معنای دعا، نیایش و سپاس‌گزاری است و از نظر تحقق و مصداق متداول در خارج، به صورت خاص خودش در کلیسا انجام می‌شود، صحیح نیست. توجه به این نکته، مهم است که گرچه واژه صلاة در لغت عربی به معنای دعا آمده، ولی اکنون که به سبب کثرت استعمال در عمل عبادی مخصوص، به صورت وضع تعینی در آن مفهوم، استعمال می‌شود، در خصوص استعمال حقیقی واژه «صلاة» در آن مفهوم، مشکلی نیست؛ هم‌چنان که استعمال نماز در فارسی به عنوان معادل «صلاة» در زمان حاضر که

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد حقیقت شرعیه و حقیقت متشرعه؛ ر.ک: محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱: ص ۱۲۵ و فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ۸ ج ۳: ص ۳۴۶.

به صورت وضع تعینی همان مفهوم را می‌رساند نیز جای اشکال نیست. اما این علاقه میان مفهوم صلاة و واژه «prayer» هنوز برقرار نشده؛ بنابراین، استعمال «prayer» به عنوان ترجمه «صلاة» بدون قرینه درست نیست؛ زیرا ما در مقام ترجمه صلاة به معنای لغوی (دعا) نیستیم، بلکه می‌خواهیم مفهوم اصطلاحی آن (عبادت مخصوص) را در زبان جدید به مخاطبانش منتقل کنیم.

واژه وضوء؛ از دیگر واژه‌های فرهنگ اسلامی دارای بار معنایی خاص، واژه وضو است. وضو گرفتن به معنای رساندن آب به اعضای خاص از بدن (صورت، دست‌ها) و مسح؛ یعنی رساندن خیزی آب به اعضای خاص (جلوی سر و روی پاها) با شرایط خاص خودش (نیت، قصد قربت، ترتیب و موالات) است. ترجمه وضو به «Ablution» به نظر درست نمی‌رسد؛ زیرا «Ablution» در زبان انگلیسی به معنای مطلق شستشو و استحمام است و مترادف واژه‌هایی مثل «washing, cleaning, bathing» برای شستن، تمیز کردن و دوش گرفتن آمده (دیکشنری آکسفورد، ۱۳۹۷، «Ablution»). بنابراین، برای انتقال دقیق مفهوم آن، باید خود وضوء نویسه‌گردانی شود و سپس به انگلیسی توضیح داده شود که آن یک دستور اسلامی است برای شستن صورت و دست‌ها با اجزا و شرایط خاص و همان ملاک در مفاهمه باشد. ترجمه وضو (یا وضوء) در فارسی به: دست نماز یا آب‌دست (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۴۹: ص ۲۱۲، ذیل واژه «وضوء») نیز دقیق به نظر نمی‌آید و بهتر آن است که به همان شکل ولی در قالب فارسی «وضو» استعمال شود.

یادآوری: نکته مهم این است که ممکن است در همه موارد فوق و مشابه آن، واژه‌ای بر اثر کثرت استعمال در زبان دوم در همان معنای اصیل اسلامی به صورت حقیقی استعمال شود (مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۳۶؛ صدر، ۱۴۱۵ق: ص ۸۳ و موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ص ۴۹) که در این صورت، با فرض تحقق این شرط، اشکالی در معادل‌بودن نخواهد بود؛ لیکن تمرکز پژوهش بر این نکات نیست و بیان این موارد به عنوان نمونه و برای روشن شدن منشأ طرح نویسه‌گردانی است. هدف این است که در صورت اقدام به نویسه‌گردانی، چه سازوکارهایی باید انجام شود تا دچار نابسامانی در بازیابی اطلاعات نشویم.

### نویسه‌گردانی برای تعمیق آشنایی کاربر با اصطلاحات اسلامی

مطالبی که در مورد چرایی نویسه‌گردانی بیان شد، با فرض این بود که برخی واژه‌ها امکان ترجمه دقیق به زبان دوم را ندارند، اما نکته این جاست که نویسه‌گردانی، متوقف بر عدم امکان ترجمه و معادل‌یابی نیست بلکه در مواردی که امکان ترجمه و معادل‌یابی نیز وجود دارد ممکن است نویسه‌گردانی انجام شود و هدف، آشنایی مخاطب در زبان دوم با خود اصطلاحات متداول در زبان مبدأ باشد؛ به عبارت دیگر، با این کار می‌توان فرهنگ‌سازی کرد که نتیجه آن، انتشار و رواج اصطلاحات علوم اسلامی در محیط‌های آموزشی و پژوهشی دیگر ملل جهان، وسیله‌ای برای تعمیق اطلاعات اسلامی، جذب و گرایش آنان به معارف اسلامی خواهد بود.

### وضعیت استانداردسازی نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی

درباره وضعیت استانداردسازی نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی، همان‌گونه که در مقدمه این نوشتار بیان شد می‌توان گفت؛ تاکنون کاری انجام نشده و یا مشاهده نشده است. تفاوت خروجی‌ها در حوزه نویسه‌گردانی در مراکز و مؤسسات آموزشی، پژوهشی، به‌خوبی بیانگر عدم انضباط، ناهماهنگی و بلکه فقدان معیار مشخص در نویسه‌گردانی حتی در یک سازمان است و با وجود فواید نویسه‌گردانی و ضرورت آن، کار بایسته‌ای در این حوزه به‌ویژه در مورد استانداردسازی آن صورت نگرفته است.

### پیامدهای وضعیت موجود در نویسه‌گردانی بر بازیابی اطلاعات

وضعیت موجود در نویسه‌گردانی به صورت عموم و به‌ویژه در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی موجب هرج و مرج در نحوه نویسه‌گردانی در محیط نشر مکتوب، فضای مجازی و محیط وب و سبب ناهماهنگی در ورود اطلاعات در پایگاه‌های اطلاعاتی شده که مهمترین پیامدهای آن عبارتند از:

- ۱- عدم دستیابی کامل به اطلاعات موردنظر در بسیاری موارد؛ ۲- تلاش برای حدس و کشف همه صورت‌های ممکن برای اصطلاحات نویسه‌گردانی شده و وارد کردن تک‌تک آن‌ها برای تکمیل بازیابی اطلاعات؛ ۳- اتلاف فرصت در بازیابی اطلاعات.



## مشکلات نویسه‌گردانی

در ادامه به برخی از تفاوت‌های میان دو زبان مبدأ و مقصد که عدم توجه کافی به آن‌ها و ناهماهنگی در نویسه‌گردانی می‌تواند سبب پدید آمدن مشکلاتی گردد، اشاره می‌شود:

۱- تفاوت دو زبان مبدأ و مقصد از نظر تلفظ برخی حروف، مانند حروف: «ح، خ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ق». این حروف به صورت عادی در زبان انگلیسی وجود ندارد و برای معادل‌سازی تلفظ آن، معمولاً از ترکیب دو حرف؛ مانند: «gh» برای «غ» در: «ghaib» برای «غیب» یا استفاده از یک حرف همراه علائم فونتیک؛ مانند: «g̃aib» استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

۲- تفاوت زبان مبدأ و مقصد از نظر تعداد حروف برای بیان تلفظ یک حرف مانند حروف: «ث، خ، ش، غ»؛ که در زبان انگلیسی برای نشان دادن آن از ترکیب دو حرف: «th, kh, sh, gh» استفاده می‌شود مانند: ارث (erth)، خلیل (khalil)، شمس (shams)، غیب (ghayb). همچنین ممکن است از علائم فونتیک مانند š برای نشان دادن تلفظ «ش» استفاده شود؛ مانند: «šahms».

۳- عدم رعایت ضابطه در نویسه‌گردانی در خصوص تلفظ برخی حروف در زبان مبدأ مانند: حروف: «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، و». مانند نویسه‌گردانی: «ثابت، جبل، ذکر، صدق، ضلال، طلح، ظلال، عبادت، غیب، وحی» به:

«sabet, habl, zekr, sedq, zalal, talh, zelal, ebadat, qaib, vahy» در حالی که برای تلفظ

هر یک از این حروف، ضوابط خاصی (گزینش حرف مناسب، ترکیب حروف و یا استفاده از علائم فونتیک) تعریف شده است؛ گرچه خود این ضوابط نیز در مواردی با هم همخوانی ندارند؛ مانند جایگزینی نویسه «ض» به صورت d یا dz؛ از این رو «رمضان» هم به صورت «Ramadan» و هم به صورت «Ramadhan» نویسه‌گردانی شده؛ هم‌چنان که برخی نیز بدون رعایت هیچ ضابطه‌ای به صورت «Ramazan» می‌نویسند و مصادیق هر کدام از این‌ها در پایگاه‌های اینترنتی موجود است و از طریق جستجوی هر یک از این واژه‌ها

۱. جهت مطالعه بیشتر ر.ک:

<http://www.jahanshiri.ir/fa/fa/negaresh-be-latin>.

<https://zabanebartar.com/the-pronunciation-of-compound-alphabets/>

[https://en.wikipedia.org/wiki/Arabic\\_alphabet](https://en.wikipedia.org/wiki/Arabic_alphabet)

- توسط موتور جستجوی گوگل<sup>۱</sup>، می‌توان نمونه‌های آن را مشاهده نمود.
- ۴- نبود انضباط و هرج و مرج در نویسه‌گردانی مانند: نوشتن حرف خ با «kh» یا «x» برای واژه «خلیل» که هم به شکل «Khalil» و هم به شکل «Xalil» نوشته می‌شود.
- ۵- تفاوت روش‌ها برای نشان‌دادن حرکات، از طریق حروف معمولی مانند نویسه‌گردانی قرآن به این صورت: «Quran» یا به این صورت: «Qoran» و نوشتن یوسف به صورت‌های زیر: «Yousuf, Yoosof, Yusof, Yousuf, Yoosuf, Yusuf» یا از طریق علائم فونوتیک؛ مثلاً استفاده از خط تیره بالای حرف صدادار (-) برای صداهای «آی» بلند و یا هشتک (^) و برای صدای «آی» کوتاه؛ درحالی‌که برخی نیز بدون تفکیک موارد برای نشان‌دادن صدای «آی» ممکن است از همان یک حرف «a» یا دو حرف «aa» استفاده کنند؛ مانند نویسه: «ketaab , ketab» برای «کتاب» و نویسه: «shohadaa , shohada» برای واژه «شهادا». نکته ظریف این‌جاست که به سبب اشتراک استعمال این واژه در زبان فارسی و عربی و موارد مشابه آن، ممکن است به این نکته توجه نشود که این واژه در عربی به صورت الف ممدود (شهداء) نوشته می‌شود؛ در نتیجه برای نشان‌دادن آن از دو حرف «aa» استفاده می‌شود در حالی‌که در تلفظ فارسی چنین نیست و یک حرف «a» کافی است.
- ۶- اختلاف در نویسه‌گردانی «آی» در مثل کلمه «غَیْب»، با «y» یا «i». ممکن است کسی آن را به صورت «ghayb» و شخص دیگری به صورت «ghaib» بنویسد.
- ۷- تفاوت در استفاده از برخی علائم در نویسه‌ها؛ مثلاً برای واژه‌های «قرآن» و «الحمد» به دو شکل زیر نوشته شود: «Quran» یا «Qur'an» و «alhamd» یا «al.hamd».
- ۸- تفاوت زبان مبدأ و مقصد به لحاظ واکه (مصوّت)های کوتاه (حرکات، ُ) که به حروف اضافه می‌شوند؛ بدون این که خود، به تنهایی حرف محسوب شوند؛ مانند: «مستلزم»، «منحرف» و... درحالی‌که در نویسه‌گردانی هر یک از این واژه‌ها، برای هر یک از این حرکات، حرف خاص آن (o یا a,u و e) استعمال می‌شود مانند: «mostalzem» یا «mustalzem».
- ۹- در مواردی با توجه به عدم امکان تبدیل حرف به حرف از مبدأ به مقصد به دلیل عدم

وجود آن در مقصد مانند «ع» و «ح» در انگلیسی باید در نویسه‌گردانی از علائم مخصوص برای نشان‌دادن تلفظ حرف خاص استفاده کرد و در این موارد با استفاده از آوانگاری، نویسه موردنظر را دقیق‌تر بیان می‌کنیم.

۱۰- مشکلات دیگری نیز در خصوص نحوه ضبط کلمات و تلفظ آن‌ها وجود دارد که به مشکلات مربوط به زبان مبدأ برمی‌گردد و ممکن است یک واژه به چند طریق تلفظ شود که همه دارای معنای واحدی باشد مانند «رشوه» که «رشوه»، «رَشوه» و نیز «رُشوه» خوانده می‌شود و ممکن است کلمه‌ای با چند هیئت بوده و بهر هیئت دارای معنای خاصی باشد (که برای رفع ابهام، باید از قراین موجود در متن کمک گرفت) مانند: «جرم» که دارای چند شکل به‌لحاظ حرف اول است: «جرم» به معنای قطع، «جرم» به معنای جسم و «جرم» به معنای گناه (شرفاوی، ۱۹۹۳م: ص ۳۰۲) مشابه این موردی است که کلمه‌ای بدون حرکات، مشتبه بین چند ریشه باشد مانند: «عده» که ممکن است «عِدَّة» (گروه، بخشی از زمان) یا «عُدَّة» (نیرو، امکانات) از ریشه «عدد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۷۹) و یا «عِدَّة» (وعده‌دادن) از ریشه «وعد» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۲۲۲) باشد؛ که پرداختن به آن‌ها از ظرفیت این پژوهش خارج است و فرصت مستقلی می‌طلبد.

موارد یادشده بخشی از مشکلات در حوزه نویسه‌گردانی در حوزه اصطلاحات علوم اسلامی است که در صورت ضابطه‌مندنبودن کار نویسه‌گردانی، مشکلات بیشماری را در پی خواهد داشت و کلاف سردرگمی در بازیابی اطلاعات خواهد بود.

### بایسته‌های نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی

برای رفع پیامدهای یادشده اقدامات زیر ضروری است:

۱- سیاست‌گذاری، تعریف اهداف، مأموریت‌ها و اولویت‌گذاری در گزینش حوزه‌های کاری و درنهایت، تدوین دستورالعمل شفاف، در حوزه نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی.

۲- استانداردسازی نویسه‌های اصطلاحات؛ این کار، نیازمند برنامه، سازوکار، فرصت و امکانات خاص است و باید با تشکیل گروه علمی متشکل از پژوهشگران دینی آشنا با اقتضائات اطلاع‌رسانی نوین و نیز افراد خبره در زبان انگلیسی، انجام شود.

۳- تلاش برای ارائه توضیح و تبیین مفهومی واژگان نویسی گردانی شده و نیز استفاده از نزدیک‌ترین معادل‌های موجود. توجه شود که هدف از نویسه گردانی، فقط نویسه گردانی نیست بلکه هدف اصلی، رساندن پیام دقیق معارف اسلامی و مفاهیم دینی به دیگران است.

۴- راه‌اندازی پایگاه داده‌های مربوط به نویسه گردانی مشتمل بر نویسه‌های استاندارد و تمامی نویسه‌های موجود در هر حوزه و ارجاع نویسه‌های غیراستاندارد به نویسه‌های استاندارد شده از طریق استفاده از «نظام بک و بچ و عناوین معیار (مرجع) و ارجاع به مرجع»<sup>۱</sup>؛ روشن است که اطلاعات همان‌گونه که ذخیره می‌شوند، امکان بازیابی خواهند داشت.

از آنجایی که اصطلاحات علوم و معارف اسلامی علاوه بر نشر در بسترهای فیزیکی، در محیط‌های سایبری و فضاهای مجازی نیز به صورت‌های مختلف نویسه گردانی و ذخیره شده‌اند و استاندارد برای کیفیت ضبط نویسه‌های اصطلاحات موجود نبوده، حتی اگر روزی استاندارد برای تعیین شود، باز به عمد و یا سهو مورد مخالفت قرار خواهد گرفت و در نتیجه، همچنان هرچ‌ومرج در کیفیت ذخیره نویسه‌ی اصطلاحات (گرچه در مقیاس کمتر) امتداد خواهد داشت؛ ناچار برای تکمیل بازیابی باید چاره‌ای اندیشیده شود. راه‌حلی که در این باره به نظر می‌رسد و تاکنون توانایی خود را نشان داده، ضبط تمام اشکال ممکن در نویسه گردانی اصطلاحات مورد نظر به‌عنوان اصطلاح مرجع (معیار) و اصطلاحات غیرمرجع. و ارجاع تمام اصطلاحات نویسه گردانی شده غیرمرجع به یک اصطلاح نویسه گردانی شده مرجع است و در نتیجه، در مقام جست‌وجو، تمام صور مختلف اصطلاحات نویسه گردانی شده مورد بازیابی قرار می‌گیرند؛ بدون این که در متن اصلی تغییری رخ دهد.

۵- همکاری، مشارکت و کار گروهی؛ روشن است که شرط موفقیت در استانداردسازی و تعیین معیار برای هر کاری، همکاری همه نهادها و مراکز دست‌اندرکار است. این کار نیز به نوبه خود، مستلزم همدلی، همفکری و تصمیم قاطع برای تعامل متقابل

۱. در خصوص اصطلاحات مرجع و غیرمرجع و ارجاع به مرجع به‌عنوان توصیف‌گر و سرشناسه، ر.ک: «درآمدی بر مبانی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی» تألیف: محمدهادی یعقوب‌نژاد: ص ۸۵ و ص ۱۳۶.

است؛ البته این مسئله با این نکته منافات ندارد که مراکزى مانند پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی که پیشرو در حوزه ساماندهی و مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی است و از سابقه و تجربه خوبی نیز برخوردار است در این عرصه ورود پیدا کرده تا مبنایی برای بررسی، مشارکت و همکاری دیگر مراکز در خصوص نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی شود.

از جمله چیزهایی که در این عرصه، لازم به نظر می‌رسد تلاش برای ایجاد هماهنگی میان صاحبان اثر در حوزه فرهنگ زبان است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به کاربرد نویسه‌گردانی اصطلاحات علوم اسلامی در مدیریت دانش اسلامی و نقش آن در انتقال دقیق مفاهیم دینی، روشن شد که نویسه‌گردانی متون اسلامی و نیز ساماندهی مترادفات آن همراه توضیح و تبیین واژگان اسلامی، یک ضرورت انکارناپذیر است و آثار و برکات فراوانی در جهت آشنایی مخاطبان با معارف اسلامی دارد و لازمه این کار، استانداردسازی آن است و در صورت عدم انجام، دچار هرج‌ومرج شده و با عوارض نامطلوب و سرگردان‌کننده‌ای در سامان‌دهی و بازیابی اطلاعات، مواجه خواهیم شد و شایسته نیست که مرکز یا مؤسسه‌ای بخواهد برای خود آیین‌نامه‌ای تدوین کند و کاری به مراکز و مؤسسات دیگر نداشته باشد و چه‌بسا انتظار داشته باشد که دیگران از او پیروی کنند؛ این کار باید با دقت و در یک فضای علمی با هماهنگی کلیه مراکز مرتبط پژوهشی، آموزشی، کتاب‌خانه‌ها، متولیان مراکز ترجمه و نشر، سامان‌پذیرد و این منافات ندارد که مراکز پیشگام در این عرصه مانند پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی ابتدا به این مسئله ورود پیدا کرده و سپس دیگران را به همکاری دعوت کند و از نظرات و انتقادات سازنده برای پیش‌برد آن بهره‌برد. همچنین ماهیت این کار و حوزه کاربردی فراگیر و مشترک آن، نیازمند پیگیری هم در عرصه ملی و هم بین‌المللی است.

## کتاب‌نامه

۱. آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۱)، فرهنگ جامع پیشرو آریان‌پور (۴جلدی)، چ ۳، تهران: نشر جهان رایانه.
۲. ابراهیمی، علی (۱۳۸۲)، *History of The Caliphs*؛ ترجمه کتاب: تاریخ خلفه، ج ۲، اثر: رسول جعفریان، چ ۱، قم: نشر انصاریان.
۳. اسلامیک داک (سایت) (۱۳۹۷)، «طبقه‌بندی فقه بر اساس اصطلاح‌نامه (تزاروس)»، تاریخ مراجعه: ۲۵ آبان ۱۳۹۷ به آدرس: [http://islamicdoc.org/article\\_section/articles\\_estelahname.html](http://islamicdoc.org/article_section/articles_estelahname.html)
۴. امامی، کریم (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر کیمیا، چ ۳، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن (۸جلدی)، چ ۱، تهران: چاپخانه مهارت.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، فرهنگ فشرده سخن (۲جلدی)، چ ۱، تهران: چاپخانه مهارت.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، فرهنگ کنایات سخن (۲جلدی)، چ ۱، تهران: چاپخانه مهارت.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، «علوم اسلامی در صبغه اسلامی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۴، ش ۲۳، آدرس اینترنتی: [http://jut.samt.ac.ir/article\\_17581.html](http://jut.samt.ac.ir/article_17581.html)
۹. حمیم، سلیمان (۱۳۸۷)، فرهنگ بزرگ فارسی-انگلیسی، چ ۱، تهران: چاپ فرهنگ معاصر.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۷)، لغت‌نامه دهخدا، چ ۱، تهران (دانشگاه تهران): نشر سیروس.
۱۱. دیکشنری آکسفورد (۱۳۹۷)، «ablutions» تاریخ مراجعه ۲۸ آبان ۱۳۹۷ به آدرس: <https://en.oxforddictionaries.com/thesaurus/ablutions>.
۱۲. رضوی، سیدانتر حسین (۱۳۸۳)، *Greater Sins*؛ ترجمه کتاب: گناهان کبیره، اثر: آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب، چ ۱، قم: نشر انصاریان.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، التوحید والشک فی القرآن الکریم، چ ۲، قم: مؤسسه امام صادق ۷.

۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۲ق)، الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل، چ ۳، قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة.
۱۵. شاهین، عبدالله (۲۰۰۴م)، *Fadak in History*؛ ترجمه کتاب: الفدک فی التاریخ، اثر: سیدمحمدباقر صدر، چ ۱، قم: نشر انصاریان.
۱۶. شرفاوی، احمد (۱۹۹۳م)، معجم المعاجم، چ ۲، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۷. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۵ق)، دروس فی علم الاصول، چ ۳، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. صدرعاملی، سیدعباس (۱۳۷۹)، *The light of the holy Qur'an*، ترجمه: سیدعباس صدر عاملی، چ ۷، قم: نشر انصاریان.
۱۹. صدیقی افشار، غلامحسین، نسرتن حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۸)، فرهنگ‌نامه فارسی؛ واژگان و اعلام، (۳جلدی)، چ ۱، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، چ ۲، قم: نشر هجرت.
۲۱. کامیرون، د.ا. (۱۹۷۹م)، قاموس عربی - انکلیزی، بیروت: مکتبه لبنان، بی‌جا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، آشنایی با علوم اسلامی، چ ۸، قم: انتشارات صدرا.
۲۳. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵)، اصول الفقه، چ ۵، قم: نشر اسماعیلیان.
۲۴. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی (۶جلدی)، چ ۹، تهران: نشر سپهر.
۲۵. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۴)، دانشنامه ایران، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲۶. موسوی خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، محاضرات فی اصول الفقه، قم: دارالهادی للمطبوعات.
۲۷. نقوی، سیدخادم حسین (۱۹۹۲م) فرهنگ اصطلاحات اسلامی، قم: نشر انصاریان.
۲۸. ویکی پدیا (۱۳۹۷)، «Glossary of Islam»، تاریخ مراجعه: ۵ آذر ۱۳۹۷ به آدرس:  
[https://en.wikipedia.org/wiki/Glossary\\_of\\_Islam](https://en.wikipedia.org/wiki/Glossary_of_Islam)
۲۹. ویکی فقه (۱۳۹۷)، «علوم اسلامی»، تاریخ مراجعه: ۲۵ آبان ۱۳۹۷ به آدرس: <http://wikifeqh.ir>
۳۰. یعقوب نژاد، محمدهادی (۱۳۷۵)، درآمدی بر اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، چ ۱، قم: بوستان کتاب.

## مدیریت دانش مهدویت‌پژوهی با کاربست دانش آینده‌پژوهی

حسین الهی‌نژاد\*

### چکیده

در نوشتار پیش‌رو، حوزه مهدویت‌پژوهی به‌عنوان دانش نوپا و مستقل با اصطلاح جدید به وسیله رشته آینده‌پژوهی مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد. مقاله با ذکر مقدمه‌ای شروع و با بیان مفهوم‌شناسی واژگانی مانند: مهدویت‌پژوهی، آینده‌پژوهی و اصطلاح‌نامه‌شناسی ادامه پیدا می‌کند و سپس به تعیین قلمروی بحث پرداخته می‌شود. رسالت اصلی مقاله، پرداختن به حوزه مهدویت‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه دانشی با نگرش گذشته‌پژوهی و آینده‌پژوهی است. بنابراین فرایند بحث به تبیین مهدویت‌پژوهی با دو رویکرد پسینی و پیشینی همت گماشته شده و در آخر، چشم‌انداز مهدویت‌پژوهی با دو نگرش اکتشافی و هنجاری، با رویکرد آینده‌پژوهی ترسیم می‌گردد. در نگرش اکتشافی، به گرایش و رشته‌بودن حوزه مهدویت‌پژوهی و در نگرش هنجاری، به میان رشته‌بودن مهدویت‌پژوهی به‌عنوان دانش مستقل اسلامی نظر داده می‌شود.

### کلیدواژه‌ها

مهدویت‌پژوهی، اصطلاح‌نامه، آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری، رویکرد پسینی، رویکرد پیشینی.



## مقدمه

به موازات گسترش حوزه دانشی مهدویت‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه معرفتی در محافل و مراکز مهدوی، و نیز اشاعه حوزه دانشی آینده‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه روشی و آلی با کاربرد فراسونمایی و افق‌نمایی، چگونگی ترابط و تعامل میان آن دو به دغدغه اساسی در میان اندیشوران و فرهیختگان مهدوی تبدیل شده است. بی‌شک، از دیرباز مهدویت‌پژوهی به‌عنوان یک مقوله اعتقادی و اسلامی در قلمرو علم کلام جایگاه داشته و از جمله مسائل آن علم به شمار می‌آمده است. این تلقی و نگاه که مورد قبول علماء و اندیشمندان اسلامی بوده، در طول تاریخ، در سده‌های متمادی ادامه داشته است تا این که به سبب معرفت و دانش‌افزایی مردم و بروز شاخصه‌های مهمی نظیر افزایش مسائل و گستردگی مباحث در حوزه مهدویت‌پژوهی، زمینه جدایی آن از حوزه علم کلام فراهم شده و به‌عنوان یک حوزه مستقل، با اصطلاح و جایگاه جدید در طبقات علوم مطرح شده است. پس مهدویت‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه مستقل از دل امامت‌پژوهی و امامت‌پژوهی به‌عنوان یک حوزه مستقل از دل علم کلام برخاسته است. به بیان دیگر، مهدویت‌پژوهی با دو نگرش گذشته‌پژوهی و آینده‌پژوهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ در فضای پارادایم گذشته‌پژوهی، مهدویت‌پژوهی یک شاخه و گرایشی از حوزه امامت‌پژوهی تلقی می‌شود و در فضای پارادایم آینده‌پژوهی، در قالب آینده‌های احتمالی و اکتشافی به‌عنوان یک رشته علمی ظاهر شده و در قالب آینده‌های مطلوب و هنجاری به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته نمایان می‌شود. بی‌تردید برای تبیین اصطلاحات جدید در حوزه مهدویت‌پژوهی - که با کاربرست آینده‌پژوهی حاصل می‌شود - لازم است از راه کار تخصصی اصطلاح‌نامه مدد گرفته شود و از طرفی، با تبیین و توجیه اصطلاحات جدید نظیر: رشتگی مهدویت‌پژوهی، میان‌رشتگی مهدویت‌پژوهی و چندرشتگی مهدویت‌پژوهی، نقشه اصطلاح‌نامه، فرایند جدیدی برایش تعریف شود. پس مدیریت دانش مهدویت‌پژوهی با کاربرست آینده‌پژوهی، رسالت اصلی این نوشتار بوده و برای تحقق این امر، ابتدا به بیان روندها و بسترهای شکل‌بخشی مهدویت‌پژوهی با رویکرد گذشته‌پژوهی به‌عنوان یک گرایش و شاخه امامت‌پژوهی خواهیم پرداخت و در مرحله بعد، به تحلیل روندها و بیان

رویدادها همراه با تصویرپردازی با رویکرد هنجاری و اقدامات لازم به سوی رشتگی و میان‌رشتگی مهدویت‌پژوهی، سوق پیدا خواهیم کرد.

### مفهوم‌شناسی

در عرصه مطالعات آینده، واژگان مختلفی ابداع شده است؛ واژگانی چون آینده‌پژوهی، آینده‌شناسی، آینده‌اندیشی، آینده‌بینی، آینده‌نگاری، آینده‌نگری، آینده‌سازی و مانند آن (اسلاتر و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۱) که برخی از آنها از نظر مفهوم، مترادف و برخی دیگر قریب‌الافق و برخی دیگر متفاوت از نظر مفهوم، کارکرد، اصول و روش می‌باشند. در این میان، اصطلاح آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری بیشترین کاربرد را داشته که در ذیل به مفهوم‌شناسی آنها خواهیم پرداخت:

**آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری:** واژه عمومی در حوزه مطالعات آینده است که نشانگر تکرر در گزینه‌ها و احتمالات آینده و برداشت‌های مختلف از انتخاب‌ها و بدیل‌های آن دارد (همو، ۱۳۸۵: ص ۲۲). آینده‌پژوهی، دانش و معرفتی است که دید مردم را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی آینده باز می‌کند و از طریق کاهش ابهام‌ها و تردیدهای فرساینده، توانایی انتخاب‌های هوشمندانه مردم و جامعه را افزایش داده و به همگان اجازه می‌دهد تا بدانند که به کجاها می‌توانند بروند (آینده‌های اکتشافی) و به کجاها باید بروند (آینده‌های هنجاری) و از چه مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب خود برسند (راهبردهای معطوف به خلق آینده و چشم‌انداز) (محمودی و عباسی، ۱۳۸۴: ص ۴).

«وندل بل» می‌گوید: آینده‌پژوهی، رشته‌ای مستقل به‌شمار می‌رود که هدفش مطالعه منظم آینده است. آینده‌پژوهان به دنبال کشف، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و بهترند. آنان انتخاب‌های مختلفی راجع به آینده فراروی انسان‌ها قرار می‌دهند و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کنند (اسلاتر، ۱۳۸۵: ص ۲).

آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری؛ اگرچه در بسیاری از متون هم‌معنا و مترادف انگاشته می‌شود، اما تفاوت‌هایی نیز میان آنها وجود دارد که در این جا به دلیل طولانی شدن نوشتار از آنها پرهیز می‌شود.

آینده‌اندیشی، عبارت است از: توانایی ایجاد و حفظ یک چشم‌انداز جامع و عملی از آینده برای اتخاذ برنامه‌های کارآمد (لیندگران، ۱۳۸۶: ص ۴).

به نظر نگارنده، آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، یک حوزه دانشی معطوف به آینده است که به‌عنوان یک دانش روشی و آلی (نظیر علم منطق)، روش‌شناسی شناخت آینده و کیفیت تعامل با آن را در اختیار مردم قرار می‌دهد تا علاوه بر شناخت آینده با رویکرد اکتشافی، قدرت مهندسی و رسیدن به آینده مطلوب و مرجح با رویکرد هنجاری، برای آینده‌پژوهان فراهم شود و با استفاده از تصویرپردازی آینده‌های ممکن و پیش‌بینی احتمالات و مرجحات آن، بسترشناسی فرصت‌ها و چالش‌های فراسوی فراهم شده و با تجهیزات و ابزارهای لازم در راستای اهداف و ارزش‌های مقبول فردی و اجتماعی، توان برنامه‌ریزی و آینده‌سازی و مهندسی آینده مهیا شود.

مهدویت‌پژوهی: مهدویت‌پژوهی یا مهدویت‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از حوزه امامت‌پژوهی و امامت‌پژوهی نیز به‌عنوان گرایشی از علم کلام شناخته شده و دارای مجموع مسائل منظم و متنوع، موضوع و روش مشخص و نیز هدف و غایت معین می‌باشد و با رویکرد درونی و جزءنگرانه و با نگاه درجه یک، به توجیه، تبیین و دفاع از مسائل درونی مهدویت می‌پردازد (اللهی‌نژاد، ۱۳۹۱: ص ۴۶).

### مفهوم‌شناسی اصطلاح‌نامه

اصطلاح‌نامه مرکب از دو واژه «اصطلاح» و «نامه» است؛ اصطلاح به‌معنای: واژه و یا عبارتی است که در میان گروه‌های خاص، کاربرد خاص و بار معنایی خاصی دارد و به مجموع کلماتی اطلاق می‌شود که معنای کل آن با تک‌تک واژه‌گان آن متفاوت است (خلیجی، ۱۳۸۹، ج ۲: ص ۵۹۰). اصطلاح‌نامه در فارسی معادل واژه انگلیسی «Thesaurus» به کار رفته است. واژه «Thesaurus» در اصل از یونانی و لاتین گرفته شده که به‌معنای گنجینه یا خزانه است و بر اساس تعاریف مختلفی که از ناحیه متخصصان این حوزه ارائه شده، دارای معنای گوناگونی می‌باشد.

اصطلاح‌نامه؛ مجموعه‌ای مشتمل بر واژه‌ها، اصطلاحات و حتی اطلاعات درباره حوزه خاصی از معرفت بشری است. این مجموعه، واژگان زبان‌نمایه‌ای کنترل‌شده‌ای است که

به گونه‌ای سازمان یافته روابط پیشین میان مفاهیم را روشن می‌کند (یعقوب‌نژاد، ۱۳۷۶: ص ۱۳) و یا به معنای؛ مجموعه اصطلاحات استاندارد، گزیده شده و نظام یافته‌ای است که بین آنها روابط معنایی و رده‌ای، یا سلسله‌مراتبی برقرار است و توانایی آن را دارد که موضوع آن رشته را با تمام جنبه‌های اصلی، فرعی و وابسته به شکل نظام یافته و به قصد ذخیره و بازیابی اطلاعات و مدارک و مقاصد جنبی دیگر عرضه کند (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰: ص ۱۰).

اصطلاح‌نامه را می‌توان با دو رویکرد؛ کارکردی و ساختاری تعریف نمود که از نظر کارکردی، اصطلاح‌نامه، وسیله‌ای برای مهار کردن واژه‌ها است و در برگرداندن زبان طبیعی مدارک، نمایه‌سازان یا استفاده‌کنندگان به زبان مقید نظام استفاده می‌شود. از نظر ساختار، اصطلاح‌نامه مجموعه لغات مهار شده و پویای یک زمینه خاص از دانش بشری است که از لحاظ معنا و نوع مرتبط‌اند (بابایی، ۱۳۸۴: ص ۳۳).

### نقش اصطلاح‌نامه در تبیین رابطه مهدویت پژوهی با آینده پژوهی

اصطلاح‌نامه به دلیل نوع روابطی که در آن تعبیه شده است، می‌تواند در کشف رابطه مهدویت پژوهی با آینده پژوهی و علم کلام مؤثر باشد.

به‌طور کلی روابط اساسی در اصطلاح‌نامه‌ها در سه نوع رابطه خلاصه می‌شود:

الف) رابطه مترادف (هم‌ارز): در منطق به الفاظ متعددی که داری معنا و موضوع له واحد باشند، مترادف و رابطه میان آن‌ها را رابطه ترادف می‌نامند؛ مانند: انسان و بشر. اما دایره معنایی ترادف در اصطلاح‌نامه وسعت بیشتری دارد و آن را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد که عبارت است از: هم‌پوشانی مفهومی در یک حوزه خاص با هدف نظم‌بخشی در امر اطلاع‌رسانی.

ب) رابطه اعم و اخص: رابطه اعم و اخص، از روابط اساسی اصطلاح‌نامه است که در سه بخش: رابطه اعم و اخص جزئی و کلی، رابطه اعم و اخص جزء و کل و رابطه اعم و اخص مصداقی تقسیم می‌شود و هر یک از آن‌ها از منطقی خاص تبعیت می‌کنند.

ج) رابطه وابسته: واژگانی که نسبت به همدیگر هم‌پوشانی مفهومی یا سلسله‌مراتبی نداشته ولی به نوعی با یکدیگر ارتباط دارند که در اصطلاح‌نامه انواع این ارتباطات تبیین گردیده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۲).

### رابطه وابستگی مهدویت‌پژوهی با آینده‌پژوهی و علم کلام

با توجه به نکاتی که در بحث روابط اصطلاح‌نامه ذکر شد، به نظر می‌رسد رابطه مهدویت‌پژوهی با آینده‌پژوهی و علم کلام در زمره رابطه اعم و اخصی قرار نگرفته و ارتباط آنها تنها در قالب رابطه وابستگی قابل توجیه است و همین دلیل بر آن است که مهدویت‌پژوهی رشته‌ای مستقل است. توضیح مطلب آن است که حوزه مهدویت‌پژوهی بسان حوزه‌های دیگر دانشی، دارای دو ساحت درونی و بیرونی است. ساحت درونی به مباحث مسائل درونی و جزئی مهدویت‌پژوهی با رویکرد درجه یک می‌پردازد و ساحت بیرونی به مباحث کلی و بیرونی که معطوف به اصل مهدویت‌پژوهی است، با رویکرد درجه دو می‌پردازد. به بیان دیگر، گاهی اصل حوزه مهدویت‌پژوهی به عنوان شاخه‌ای از امامت‌پژوهی که خاستگاه علم کلامی دارد، مورد توجه است تا مدیریت دانش مهدویت‌پژوهی از حیث جایگاه و طبقات علوم و از حیث الزامات، ماهیات و چیستی و از نظر کاربرد و کارکرد به رشتگی و میان‌رشتگی و بررسی می‌شود و گاهی تنها به مسائل درونی و جزئی مهدویت‌پژوهی و چگونگی رابطه و تعامل آنها نسبت به دیگر مسائل و چگونگی تبیین و تحلیل آنها توجه می‌شود. بی‌تردید در این نوشتار، تنها به بیان اصل حوزه مهدویت‌پژوهی به عنوان یک حوزه مستقل و مسائل کلی و بیرونی آن خواهیم پرداخت و با به کارگیری قواعد و اصول آینده‌پژوهی به مدیریت دانشی این حوزه توجه می‌شود، از گذشته که به عنوان یک شاخه‌ی برخاسته از حوزه امامت‌پژوهی بوده و نیز تا به زمان حال که با روندهای موجود و تحلیل‌های آن، گرایش بودن آن توجیه می‌شود و هم به آینده‌های احتمالی و مرجح که با رویکرد اکتشافی، رشته‌بودن مهدویت‌پژوهی به اثبات می‌رسد و همچنین تا به آینده‌های مطلوب و ایده‌آل که با رویکرد هنجاری، میان‌رشته‌بودن مهدویت‌پژوهی به منصفه ظهور می‌رسد. پس مدیریت دانش مهدویت‌پژوهی از گذشته تا به حال و از حال تا به آینده در قالب مولفه‌های سه‌گانه: گرایش، رشته و میان‌رشته قابل تعریف است که در واقع رشته‌بودن مهدویت‌پژوهی در قالب آینده مرجح و میان‌رشته‌بودن آن در فضای آینده مطلوب قابل توجیه می‌باشد.

### مهدویت‌پژوهی با دو رویکرد پسینی و پیشینی

مهدویت‌پژوهی با دو رویکرد پسینی و پیشینی قابل توجه است؛ در رویکرد پسینی - که یک رویکرد تجربه‌پذیر و تاریخ‌مند است - به شاخه و گرایش بودن حوزه مهدویت‌پژوهی پرداخته می‌شود و در رویکرد پیشینی - که یک رویکرد مطلوب و نفس‌الامری است - رشتگی و میان‌رشتگی مهدویت‌پژوهی به بحث گذاشته می‌شود؛ از آن‌جایی که علم آینده‌پژوهی همیشه ناظر به رخداد‌های آینده و پدیده‌های در حال شکل‌گیری است. پس در رویکردسنجی و سنجه‌نگری، آینده‌پژوهی در خدمت مهدویت‌پژوهی با نگرش اکتشافی و هنجاری قرار گرفته و به داشته‌ها و موجودیت فعلی مهدویت از یک منظر و به مطلوبیت و مرجوحیت آن از منظری دیگر توجه می‌کند در رویکرد اول - که رویکرد پسینی و تاریخ‌مندی است - خیلی نمی‌توان به کاربرد آینده‌پژوهی دل بست و آن را به خدمت گرفت؛ زیرا آینده‌پژوهی همیشه نگرش به آینده و با معطوفیت به پدیده‌های در دست رخداد، نظر دارد ولی در رویکرد پیشینی - که هنوز در انتظار رخدادش نشسته و هنوز به تجربه و مشهود بشر نرسیده - آینده‌پژوهی با قواعد و روش آینده‌اندیشی به میدان خواهد آمد.

بی‌تردید، مهدویت‌پژوهی در رویکرد پسینی به‌مثابه یک شاخه و یا گرایش دانشی خودنمایی کرده، در میان طبقات علوم برای خود جایگاه و رسالتی را معین کرده است و در رویکرد پیشینی به‌مثابه یک حوزه رشته و میان‌رشته با کارکرد و کاربرد و شاخص‌های رشتگی و میان‌رشتگی، به نوعی با همه حوزه‌های دانشی، خویشاوندی برقرار کرده و به نحوی در توجه و تبیین مسائل خویش، حوزه‌های دیگر دانشی را به خدمت می‌گیرد. رویکرد پیشینی که معطوف‌نگری به آینده است و هنوز از فضای استعداد و قوه خارج نشده است، رسالت توجه و تثبیت آن به عهده آینده‌پژوهی است. از این رو مهدویت‌پژوهی به‌عنوان یک رشته و یا میان‌رشته با کاربری آینده‌پژوهی به سامان می‌رسد.

### مدیریت حوزه مهدویت‌پژوهی

در مورد آینده دو انگاره مطرح است:

اول) آینده، فرایند گذشته و به نحوی برآیند آن به شمار می‌آید. این انگاره که در عمل

حامیان زیادی دارد، بر این باور است که آینده‌تعمیم گذشته و نسخه‌ی جدیدی از آن است. لذا به سادگی نتیجه می‌گیرد که گذشته، چراغ راه آینده است.

دوم) آینده متفاوت با گذشته است؛ زیرا با پیشرفت‌های غیرمنتظره علم و تکنولوژی، همراه با شالوده‌شکنی‌های افسارگسیخته‌ی بشر، در دهه‌های اخیر، گسست‌هایی را بین آینده و گذشته ایجاد کرده و انگاره‌ی قدیمی «آینده، شبیه گذشته است» را به چالش کشیده‌اند. به طوری که آینده با دیدمان و اصول نو در ماهیت با گذشته و پارادایم آن متفاوت می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، دیگر گذشته، چراغ راه آینده نمی‌باشد. به بیان دیگر آینده‌پژوهی با دو رویکرد اکتشافی و هنجاری قابل توجه است:

### ۱ - رویکرد اکتشافی

رویکرد اکتشافی، یک رویکرد سنتی است که بر اساس فرایند تحلیل روندها شکل گرفته و زمان را از گذشته تا به حال و از حال تا به آینده رصد کرده و هر کدام از آنها را ادامه و تداوم یکدیگر می‌داند و از این رویکرد گاهی به‌عنوان آینده‌شناسی، آینده‌بینی تعبیر می‌کنند.

### ۲ - رویکرد هنجاری

رویکرد هنجاری که از آن به رویکرد آینده‌سازی تعبیر می‌کنند، در این جا انسان تنها مأمور به شناخت آینده نیست بلکه به دنبال تغییر و تحول آینده بر اساس اهداف و هنجارهای مورد نظر بر اساس ارزش‌ها و پارادایم مورد قبول جامعه می‌باشد. در این رویکرد آنچه اصالت دارد، پیش‌بینی آینده نیست، بلکه خلق یک تصویر از آینده‌ی مطلوب در پرتو اصول و ارزش‌هاست. این آینده‌ی مطلوب را می‌توان آینده‌آرمانی و یا حتی آرمان‌نامید و از اینجاست که رویکرد سه‌گانه آینده: آینده ممکن‌الوقوع، آینده محتمل‌الوقوع و آینده مطلوب‌الوقوع خودنمایی می‌کند.

### مدیریت مهدویت‌پژوهی با رویکرد اکتشافی

چشم‌انداز مهدویت‌پژوهی بر اساس رویکرد اکتشافی، رشته‌بودن مهدویت‌پژوهی را به

منصه ظهور می‌رساند؛ زیرا بر اساس گذشته پژوهی، مهدویت پژوهی در یک فرایند بطئی تاریخی حرکت خویش را آغاز کرده و ابتدا به‌عنوان یک باور اسلامی در میان مسلمانان تلقی به قبول شده و در فراز و فرود تاریخی هر چه به جلو آمده و زمان را پشت سر گذاشته است، بر مسائل و مباحث آن افزوده شده و مخالفان نیز شبهات فراوانی را بر آن وارد کرده‌اند؛ به‌طوری که الان حوزه مهدویت پژوهی از نظر مسائل و مباحث پیرامونی به گستردگی موضوعی لازم رسیده و بر اثر فزونی مسائل، مباحث و کثرت شبهات و نیز به دلیل بهره‌مندی از موضوع و غایت مستقل، ادعای استقلال از مباحث امامت پژوهی را مطرح کرده است و به‌عنوان یک گرایش استقلال یافته از حوزه امامت پژوهی در طبقات علوم، ظهور پیدا کرده و برای خود جایگاه و مرتبه‌ای در نظر گرفته است و این فرایند گسترش موضوعی - همراه با الزامات تخصصی شدن که الان همه حوزه‌ها و گرایش‌ها را تحت پوشش خود قرار داده است - رشته‌شدن مهدویت پژوهی را در آینده نزدیک نوید می‌دهد. پس مولفه‌هایی مانند: فزون‌گرایی مسائل و شبهات، اقبال ویژه باورمندان به مهدویت، نیازمندی وافر مردم به مهدویت، بروز شاخصه‌های جهانی همچون: جهانی شدن و وحدت رویه در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و مانند آن و رخداد نهضت‌ها و انقلاب‌های جهانی بر اساس مهدویت مانند: انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های مردمی خاورمیانه و... روندهای تغییر در هدایت بخشی مهدویت پژوهی به سوی حوزه رشتگی هستند که البته علاوه بر اینها، روندهای دیگری نیز وجود دارد که در بیان شاخصه‌های رشتگی مطرح خواهد شد. پس تحلیل این روندها، برآیند تغییر و تعالی در عرصه مهدویت پژوهی را موجب شده و تحلیل این تغییر و تعالی، بستر رشتگی در حوزه مهدویت پژوهی را نوید می‌دهد.

### رشتگی مهدویت پژوهی

قبل از آنکه به دلایل رشته‌بودن مهدویت پژوهی با رویکرد اکتشافی بپردازیم، بهتر است ابتدا به چیستی و ماهیت رشتگی و به گونه‌گونی تعریف آن پرداخته شود تا در مقام تطبیق و تحلیل، سریع‌تر به نتیجه برسیم. بی‌شک به دلیل متنوع بودن مفهوم رشته و گوناگونی متعلق آن، به سادگی نمی‌توان به یک تعریف جامع و مانع رسید که هم در برگیرنده



تعاریف مختلف ارائه شده از طرف صاحب نظران و هم در برگیرنده ویژگی‌ها و شاخصه‌های مورد نظر باشد. بدین سبب تنها به دو تعریف متفاوت و کامل تر، اشاره می‌شود:

۱ - حوزه رشته: به معنای ساختارهای منظم و سازمان یافته دانش است که به طور تاریخی و متعارف پیرامون مجموعه‌ای مشخص از مسائل و موضوعات متمرکزند، مانند: فلسفه، تاریخ، الهیات، متافیزیک، فیزیک یا ریاضیات؛ از این منظر، رشته‌ها عبارت‌اند از: حوزه‌های مشخصی از ساختارهای انتظام یافته و منظم دانش که هر کدام بنا به ماهیت و سهم خویش با طرح پرسش‌های مشخص و تخصصی به شناسایی و فهم جزئی خاص از پدیده‌ها، مسائل، موضوعات و ارائه چشم‌اندازهای مشخص می‌پردازد (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۲۵).

به نظر می‌آید تعریف فوق از حوزه رشتگی بیشتر شبیه به تعریف حوزه علم است؛ پس اگر این تعریف را برای حوزه رشتگی در نظر بگیریم، باید قائل شویم که میان حوزه علم و حوزه رشتگی تفاوت چندانی وجود ندارد، بلکه بهتر است بگوییم میان آن دو رابطه تساوی برقرار است؛ حال آن که بر اساس شواهد مفهوم‌شناسی و تعاریف موجود، حداقل در برخی از موارد مانند: ماهیت، قلمرو، ساختار، مسائل، و کلی و جزئی بودن موضوع، میان آن دو تفاوت‌هایی وجود دارد.

۲ - رشته؛ عبارت است از مقوله‌ای سازمان یافته که در متن دانش علمی قرار گرفته، موجب تقسیم‌بندی و تخصصی شدن کار شده و به تنوع در زمینه‌های علمی پاسخ می‌گوید. با این که هر رشته، در متن مجموعه علمی بزرگ تری قرار دارد، به واسطه محدود بودن، زبان تخصصی، فونونی که ایجاد یا استفاده می‌کند و احتمالاً به واسطه نظریه‌هایی که مختص به آن رشته‌اند، به طور طبیعی گرایش به مستقل بودن دارد (مورن، ۱۳۸۷: ص ۳۸).

بی‌شک تعریف دوم از رشتگی که در بالا آمده، به واقع نزدیک تر است؛ زیرا در آن تعریف، شاخصه‌هایی بیان گردیده است که اولاً؛ جایگاه و ماهیت رشتگی مشخص می‌شود و ثانیاً؛ تمایزات رشتگی با علم و میان رشتگی روشن می‌گردد.

پس شاخصه‌های حوزه رشتگی بر اساس مفهوم‌شناسی صورت گرفته به قرار ذیل است:

۱ - ساختار منظم و نظام یافته دانش حول موضوع واحد و غرض مشخص.

۲ - مجموعه سازمان یافته دانش که در متن علم و دانش کلی تر قرار دارد.

- ۳- زمینه تخصصی شدن دانش و تقسیم‌بندی آن را فراهم می‌کند.
- ۴- بسیاری از رشته‌ها تنها از یک روش تحقیق استفاده می‌کنند و برخی دیگر، دو یا سه روش مجزا را ترجیح می‌دهند، اما هیچ‌یک از آنها پذیرای تمامی روش‌ها نیستند (سالتر و هیرن: ۱۳۸۷: ص ۲۹).
- ۵- رشته‌ها دارای واژگانی خاص و اصطلاحاتی تخصصی هستند که ارتباط دقیق را امکان‌پذیر می‌سازند (جنکنیز، ۱۳۸۷: ص ۲۸).
- ۶- فهم جزئی و کاربردی به دانش حاصل می‌شود.
- ۷- چشم‌انداز روشن و مشخص به دست می‌آید.
- موارد فوق، شاخصه‌هایی است که حوزه‌های رشتگی را توجیه می‌کند. حال باید دید براساس نگرش تطبیقی - تحلیلی با کاربردی اصول آینده‌پژوهی، مهدویت‌پژوهی کدام یک از این شاخصه‌ها را دارد و با رویکرد اکتشافی به سوی کدام یک از آنها باید گام بردارد تا به جایگاه حوزه رشتگی نایل آید.
- بی تردید، برخی از شاخصه‌های فوق همچون: «موضوع واحد»، «غرض مشخص»، «برخاستگی از دانش کلی‌تر»، «فراهم‌شدن بسترهای تخصصی و تقسیم‌بندی دانش»، «ایجاد فهم جزئی، دقیق و کاربردی»، مواردی هستند که با رویکرد گذشته‌پژوهی قابل شناسایی و تطبیق با حوزه مهدویت‌پژوهی بوده و می‌توان وجود آنها را همین الان در حوزه مهدویت‌پژوهی مشاهده نمود، ولی شاخصه‌های دیگر مانند: «ساختار منظم و نظام‌یافته دانش»، «چشم‌انداز روشن و مشخص»، «روش مشخص و خاص» که در واقع، هر کدام روندهای تغییر مهدویت‌پژوهی از گرایش به سوی رشتگی است با رویکرد اکتشافی در آینده‌های نزدیک به وقوع می‌پیوندد.

### مدیریت مهدویت‌پژوهی با رویکرد هنجاری

در فراز قبل به بیان رشتگی مهدویت‌پژوهی با رویکرد اکتشافی پرداختیم. اما در این قسمت به بیان میان‌رشتگی مهدویت‌پژوهی با رویکرد هنجاری خواهیم پرداخت. رویکرد هنجاری که یک رویکرد توصیه‌ای و تجویزی است، ایده‌آل و آرمان را که برای فرد و جامعه ارزشمند و مطلوب است، توصیه و سفارش می‌کند. مثلاً در عرصه مهدویت‌پژوهی - که

یک عرصه معرفتی و دانشی است - رشتگی به‌عنوان یک هدف کوتاه‌مدت با رویکرد اکتشافی از فرایند حوزه‌گرایی از طریق تحلیل روندهای تغییر، توجیه‌پذیر می‌شود. اما با وجود فراگیر شدن نظریه ترابط علوم از یک سو و ذوابعاد بودن موضوع مهدویت‌پژوهی و پیچیدگی آن از سوی دیگر، نظریه میان‌رشتگی برای حوزه مهدویت‌پژوهی، نظریه ایده‌آل و مطلوب بوده و تحقق آن با رویکرد هنجاری در آینده دور توصیه می‌شود. برای تبیین نظریه فوق، ابتدا به مفهوم و چیستی‌شناسی میان‌رشتگی پرداخته شده و سپس به بیان تطبیق و تحلیل رویکرد هنجاری نسبت به میان‌رشتگی مهدویت‌پژوهی نظر داده می‌شود.

### تعریف و شاخصه‌های میان‌رشتگی

در گذشته، علم یک شالوده یا ساختار تک‌بعدی تعریف می‌شده، اما امروزه یک شبکه یا مجموعه‌ای با نقاط مشترک متعدد و یک نظام پویا تعریف می‌شود. همچنین در گذشته، ساختار و مناسبات روابط درونی میان اجزا و عناصر دانش، خطی، تک‌ساحتی، قطعی، پیش‌بینی‌پذیر و به طور کامل قابل کنترل توصیف می‌گردید، ولی در دوران معاصر، علم به صورت شبکه‌ای از ساخت‌ها و ساحت‌ها تصویر می‌شود که در آن میان عناصر و متغیرهای متنوع و متکثر، کنش‌ها و هم‌کنشی‌های غیرخطی، پیش‌بینی‌ناپذیر مطرح است. عمده شاخصه‌هایی که سبب تمایز میان‌رشتگی از دیگر حوزه‌های معرفتی است، هم‌گرایی، تلفیق، یکپارچگی چشم‌اندازهای مختلف رشته‌ای، وحدانیت، اتحاد، ارتباط، همبستگی، کثرت، پیچیدگی، ذوابعاد بودن موضوع پژوهش، گستردگی موضوع و مانند آن می‌باشد. چندرشتگی، بین‌رشتگی، فرارشتگی، درون‌رشتگی، تعددرشتگی، بین‌رشته‌ای، و... همه جزو خانواده میان‌رشتگی یا میان‌رشته‌ای هستند. عبارات بسیار متفاوتی برای اشاره به شکل‌های مختلف همکاری «میان‌رشته‌ها» به کار برده می‌شوند، اما اغلب تعریف دقیقی از این عبارات ارائه نمی‌شود. در حالی که میان‌رشتگی، چندرشتگی، فرارشته‌ای، عباراتی آشنا هستند. در ادبیات این حوزه، اغلب با عباراتی مانند «تعددرشته‌ای»، «بینارشته‌ای»، نیز برمی‌خوریم. این تعدد عبارات نشان می‌دهد که سر درگمی زیادی در به‌کاربردن آنها وجود دارد.

نکته ضروری در این جا، بیان رابطه میان‌رشته و میان‌رشتگی است و اینکه چه رابطه و

نسبتی میان آن دو وجود دارد؟ بی‌تردید هر دانشی که عنوان میان‌رشته‌گی را به خود می‌گیرد، قطعاً قبل از آن، عنوان رشته‌گی را به خود گرفته است؛ یعنی دانش میان‌رشته‌گی از دانش رشته‌گی گذر می‌کند (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۱۹۳). پس بین میان‌رشته و میان‌رشته‌ای رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق حاکم است. بر این اساس، وقتی که بحث از میان‌رشته‌ای موضوعی به میان می‌آید، بی‌تردید، رشته‌بودن آن مفروض می‌باشد؛ به تعبیر دیگر، عنوان میان‌رشته‌گی در خلأ معرفتی شکل نمی‌گیرد، بلکه بر بستر رشته یا گرایش تکوین و نمو می‌نماید؛ یعنی با حفظ رشته‌گی به جایگاه میان‌رشته‌گی نایل می‌آید؛ به تعبیر دیگر، حوزه‌ی رشته‌گی و میان‌رشته‌گی در عرض هم قرار ندارند، بلکه در طول یکدیگر قرار دارند؛ مثلاً حوزه‌ی معرفتی مهدویت‌پژوهی در گذشته، یک شاخه و گرایش از علم کلام بوده و در دوران معاصر با وجود روندهای کلیدی که همیشه بستر ساز تغییر و تحول هستند، آن را به سوی رشته‌گی سوق می‌دهند و در دوران فراسوی و آینده با توجه به عوامل مختلفی مانند گستردگی موضوعی و پیچیدگی‌های گسترده که در دراز مدت بر دامنه آن افزوده می‌شود و ذواب‌عادی و چندتباری ماهیتی از نظر مسائل و مباحث که در آینده این حوزه بیشتر بدان دچار می‌شود، می‌طلبد مهدویت‌پژوهی با رویکرد هنجاری به سوی میان‌رشته‌گی حرکت کرده و مطلوب این حوزه را که همان حوزه میان‌رشته‌گی است، دست‌یافتنی نماید. لازم به یادآوری است؛ وقتی که حوزه رشته‌گی مهدویت‌پژوهی به حوزه میان‌رشته‌گی تغییر وضعیت می‌دهد، سابقه معرفتی آن محفوظ می‌ماند؛ زیرا در فرایند شکل‌گیری رشته تنها موضوع ریز و تخصصی می‌شود و این ریزشدن و تخصصی‌شدنی که در قالب رشته‌گی رخ داده بود، در میان‌رشته‌گی نیز ملحوظ است. تنها تفاوتی که در حوزه میان‌رشته با حوزه‌های رشته وجود دارد، تفاوت روش‌های به کار گرفته شده است؛ یعنی در رشته، روش واحدی به خدمت گرفته می‌شود، اما در میان‌رشته، علوم مختلف دست به دست هم می‌دهند و با به کارگیری ابزار و روش گوناگون به مسائل یک موضوع می‌پردازند.

با بیان مطالب مقدماتی ذکر شده، اکنون به تعاریف مختلف میان‌رشته‌گی پرداخته می‌شود تا با رصد کردن شاخصه‌ها و مؤلفه‌هایی که از آنها می‌توان به دست آورد، زمینه و بستر تطبیق‌سازی حوزه مهدویت‌پژوهی با حوزه میان‌رشته‌گی با رویکرد هنجاری فراهم شود.

به‌طور کلی، برای میان‌رشتگی از طرف اندیشمندان تعاریف مختلفی ارائه شده که برخی از آن تعاریف قریب‌الافق‌اند و برخی دیگر از آنها به دلیل فاصله مفهومی‌ای زیادی که دارند، به دوگانگی و تضاد نزدیک‌تر هستند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

الف) میان‌رشته‌ای؛ یعنی فعالیت چندرشته در کنار هم برای حل یک مشکل مشترک (رولاند، ۱۳۸۷: ص ۱۴).

ب) مطالعات میان‌رشته‌ای را می‌توان فرایندی از پاسخ‌گویی به یک پرسش، حل یک مسئله و یا ارجاع به یک موضوع معرفی کرد که آن‌قدر وسیع و پیچیده است که پرداختن یک رشته یا یک حرفه به آن ناکافی خواهد بود (خورسندی، ۱۳۸۷: ص ۳۱).

ج) همکاری میان‌رشته‌ای به این دلیل ضروری است که مسائل برخی از دانش‌ها، آن‌قدر پیچیده‌اند که نمی‌توان با آگاهی موضوعی صرف از یک رشته، آن‌ها را به‌طور شایسته‌ای بررسی کرد، چه رسد به این که حل کرد (تامپسون کلاین، ۱۳۸۷: ص ۲۰۲).

د) میان‌رشته‌ای: گردهمایی رشته‌های مختلف بر یک میز و در یک مجمع به منظور تبادلات و تعاملات میان رشته‌های مختلف دانش است؛ بنابراین، میان‌رشتگی یک نوع همکاری علمی بین کارشناسان و استادان دو یا چند رشته علمی و آموزشی است که برای تعقیب و تأمین هدف‌های معین در ابعاد اجتماعی، انسانی، علمی و فناوری با یکدیگر کار می‌کنند (مورن، ۱۳۸۷: ص ۳۲).

ه) بیشتر نظریه‌پردازان میان‌رشته‌ای، اهمیت و ضرورت نظریه و تفکر میان‌رشته‌ای را به نسبت پیچیدگی مسائل توجیه می‌کنند و معتقدند که مشکلات، مسائل و موضوعات مختلف علمی و اجتماعی آن‌قدر پیچیده و چندوجهی‌اند که با دانش‌ها و روش‌های تک‌رشته‌ای نمی‌توان به سراغ آنها رفت (همان: ص ۳۴).

بی‌تردید، از تعاریف گوناگونی که از میان‌رشتگی ارائه شده، برداشت می‌شود که وجود چند مؤلفه در شکل‌گیری میان‌رشتگی نقش اساسی دارند و با وجود آنها، حوزه رشتگی توجیه و معقول می‌شود: ۱. وجود مسائل یا موضوع مشکل و پیچیده ۲. وجود مسائل یا موضوع ذوابعاد ۳. عدم توانایی یک علم، رشته یا گرایش در تبیین و توجیه مسائل ۴. عدم کفایت یک روش و اسلوب در تبیین و دفاع از مسائل؛ یعنی در تبیین و توجیه مسائل لازم است روش‌ها و راه‌کارهای متنوعی به کار گرفته شود تا منجر به حل مسأله شود.

## میان‌رشتگی مهدویت‌پژوهی با رویکرد هنجاری

موضوع مهدویت‌پژوهی موضوعی چند بعدی، چند لایه و دارای اضلاع گوناگونی است و از طرفی پرسش‌های مختلف با رویکردهای گوناگونی متوجه عرصه مهدویت‌پژوهی می‌باشد و از طرف دیگر، می‌بینیم علوم مختلف مانند: کلام، سیاست، اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تفسیر، حدیث و... همگی به گونه‌ای به مباحث مهدویت‌پژوهی نظر دارند و تبیین و توضیح آن را در قلمرو خویش قرار داده‌اند. بی‌تردید، این همه اقبالی که از ناحیه علوم به چشم می‌خورد و این همه پیچیدگی و چند وجهی که دامن‌گیر حوزه مهدویت‌پژوهی شده و این همه پرسش‌های گوناگون با رویکردهای مختلف معطوف به عرصه مهدویت‌پژوهی شده است، حکایت از بروز و ظهور افق جدیدی فراسوی مهدویت‌پژوهی به نام حوزه میان‌رشتگی دارد؛ افقی که در گذشته‌های دور کمتر بدان توجه شده یا اصلاً توجه نشده است. البته این عدم توجه به افق جدید به سبب نگرش تک‌تباری و تک‌روشی است که در مهدویت مرسوم بوده است و حال این که الان اگر به مهدویت و مسائل آن توجه شود، به سادگی چندتباری و چند روشی بودن آن - که از شاخصه‌های میان‌رشتگی است - نمایان می‌شود. برای مثال، موضوع «انتظار» که از مسائل مهم مهدویت‌پژوهی است، این قابلیت را دارد که با روش و قالب‌های علوم مختلف مسئله‌شناسی شده و جزو مسائل درونی علوم مختلف قرار گیرد:

- ۱- انتظار با نگرش جامعه‌شناختی: پویایی و بالندگی جامعه منتظران چگونه توجیه می‌شود و انتظار در آن چه نقش و جایگاهی دارد؟
- ۲- انتظار با نگرش تربیتی: نقش انتظار در ایجاد امید و از بین بردن بیماری‌های روانی همچون اضطراب و افسردگی چگونه است؟
- ۳- انتظار با نگرش اخلاقی: بررسی مبانی اخلاقی منتظران و تطبیق آن با مبانی اخلاقی در عصر ظهور امام زمان ۷ چگونه توجیه می‌شود؟
- ۴- انتظار با نگرش سیاسی: نقش انتظار در شکل‌گیری اندیشه سیاسی منتظران در ایجاد جنبش‌های سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت چگونه است؟
- ۵- انتظار با نگرش کلامی: مبانی عقلی و نقلی انتظار چیست؟

بی‌تردید، کاربردی کردن مفهوم انتظار و تبیین زوایای گوناگون آن و همچنین نقش آفرینی کردن آن در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... نیازمند ورود علوم مختلف با نگرش و رویکردهای گوناگون در این عرصه است تا با بازخوانی و بازآفرینی آموزه‌های مهدویت، جایگاه آموزه‌های مهدویت بازمفهومی شود و نقش مهم و تأثیرگذار آنها روشن گردد و حوزه معرفتی مهدویت‌پژوهی، به‌عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای به اثبات برسد.

پس با عنایت به شاخصه‌های بالا که در واقع، شاخصه‌های علوم میان‌رشته‌ای است، به این نتیجه می‌رسیم که نمی‌توان مهدویت‌پژوهی را تنها در قالب یک حوزه دانشی (مثلاً علم کلام) مفهوم‌شناسی و تعریف کرد و نمی‌توان آن را تنها با قواعد و روش یک علم تبیین و تشریح کرد، بلکه بهتر است، مهدویت‌پژوهی در حوزه معرفتی میان‌رشته، تعریف و مفهوم‌شناسی شود و نیز با نگرش ثبوتی و پیشینی و با رویکرد هنجاری، نقشه فرایند شکل‌گیری آن ترسیم شود. بی‌تردید با اجرایی کردن این نظریه و نیز با توجیه و تثبیت نمودن جایگاه حوزه میان‌رشته‌ای مهدویت‌پژوهی در میان علوم، جایگاه این حوزه در طبقات علوم ارتقا پیدا کرده و تعامل و رابطه مهدویت‌پژوهی با علوم دیگر نظام یافته‌تر و منظم‌تر خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

شکل‌گیری حوزه دانشی مهدویت‌پژوهی بسان حوزه‌های دیگر، در طول تاریخ با فراز و فرودهای مختلفی روبه‌رو بوده است. در ابتدا، به‌عنوان یک باور اصیل اسلامی - که مورد پذیرش همه مسلمانان در طول تاریخ اسلامی بوده و همچنان خواهد بود - مطرح شده است. این حوزه در آغاز تکون خویش با همراهی اندکی از مسائل و مباحث پیرامونی طرح گردیده است و در فرایند سیر تاریخی هر چه به پیش آمده و زمان را پست سر گذاشته است، به‌صورت نسبی بر مسائل و مباحث آن افزوده شده است. به‌طوری که الان حوزه مهدویت‌پژوهی با انبوهی از داشته‌های مسائلی و مباحثی روبه‌رو است که دیگر یک حوزه وابسته، کم‌حجم و محدود نبوده بلکه در قالب یک حوزه مستقل دانشی با انبوهی از مسائل و مباحث درونی و بیرونی و جزئی و کلی خودنمایی می‌کند. حوزه مهدویت‌پژوهی با دو

کاربست؛ گذشته پژوهی و آینده پژوهی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در کاربرست گذشته پژوهی به پیشینه‌های تاریخی مهدویت پژوهی توجه شده و به اثبات وضعیت اصل تکون و تبدیل شدن آن به گرایش پرداخته می‌شود و در کاربرست آینده پژوهی، اصول و قواعد آینده پژوهی در خدمت مهدویت پژوهی قرار گرفته و با دو رویکرد؛ اکتشافی و هنجاری پی‌گیری می‌شود. در رویکرد اکتشافی؛ به روندهای تغییر و تحلیل آنها پرداخته و در نهایت به رشته‌بودن مهدویت پژوهی در آینده نزدیک رأی داده می‌شود و در رویکرد هنجاری، بر اساس وضعیت این حوزه و ارزش‌های موجود در جامعه، به میان‌رشتگی مهدویت پژوهی در درازمدت به‌عنوان مطلوب و مرجوح نظر داده می‌شود.



## کتاب‌نامه

۱. اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۵)، دانش‌واژه آینده‌پژوهی، مترجمان: محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲. اسلاتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۶)، نواندیشی برای هزاره نوین، تهران: موسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. الهی‌نژاد، حسین (۱۳۹۱)، درآمدی بر فلسفه مهدویت‌پژوهی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. بابایی، نرگس (۱۳۸۴)، تهران: اصطلاح‌نامه، مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ش ۶۴.
۵. بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۶. تامپسون کلاین، جولی (۱۳۸۷)، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. جنکنیز، ریچارد (۱۳۸۷)، گفت‌وگو میان‌رشته‌ای دانش، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸. حسن‌زاده، حسین (۱۳۸۹)، «نقش علم منطق در اصطلاح‌نامه‌ها»، قم: مجله آینه پژوهش، ش ۱۲۴.
۹. خلیجی، محسن (۱۳۸۹)، دانش‌نامه دانش‌گستر، تهران: موسسه دانش‌گستر روز.
۱۰. خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۷)، گفت‌وگو میان‌رشته‌ای دانش، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۱. رولاند، اس (۱۳۸۷)، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۲. علی‌پور، سیدمحسن (۱۳۸۷)، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۳. لیندگران، ماست (۱۳۸۶)، طراحی سناریو، ترجمه: بنیاد توسعه فردا، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۴. محمودی، مهدی و عطا عباسی (۱۳۸۴)، آینده‌پژوهی و نقش آن در سیاست‌گذاری علم و فناوری، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۵. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (۱۳۸۰)، «آشنایی با اصطلاح‌نامه (تزاروس) علوم اسلامی»، قم: مجله دین‌پژوهان، ش ۶.
۱۶. مورن، ادگار (۱۳۸۷)، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۷. مونرو، مایلس (۱۳۸۵)، قدرت چشم‌انداز، ترجمه: فرزانه میرشاه ولایتی، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۸. نی‌نوس، برت (۱۳۸۵)، راهنمای تمرین خلق و پردازش چشم‌انداز سازمان، ترجمه و ویرایش: محمد ازگلی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۹. هیرن، فرد (۱۳۸۷)، گفتمان میان‌رشته‌ای دانش، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۰. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۷۶)، اصطلاح‌نامه فلسفه اسلامی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

## مدیریت دانش در حوزه مطالعات مهدوی

محمود ملکی‌راد\*

### چکیده

«مدیریت دانش» از موضوعات مهمی است که در حوزه‌های مختلف دانشی کاربرد بسیار دارد. مقاله پیش‌رو، دربردارنده مباحثی درباره مدیریت دانش در حوزه مطالعات مهدوی است. نظام موضوعات مهدوی، منابع و کتاب‌خانه‌های مهدوی، محققین و پژوهشگران مهدویت‌پژوه، مراکز و پژوهشکده‌هایی که در حوزه مهدویت کار پژوهشی و فرهنگی انجام می‌دهند، نرم‌افزارهای تولیدشده با محوریت مهدویت، همه از مصادیق مدیریت دانش اسلامی در حوزه مطالعات مهدوی به‌شمار می‌آیند. در این مقاله به نظام موضوعات مهدوی و نقش آن‌ها در مدیریت دانش اسلامی پرداخته شده است. بر این اساس پرسش اصلی نوشتار حاضر آن است که: موضوعات مهدوی چگونه دسته‌بندی می‌شوند و در مدیریت دانش اسلامی چه نقشی دارند؟ بدیهی است از طریق دسته‌بندی‌های نظام‌مند، می‌توان مفاهیم و اصطلاحات جدید در حوزه مهدویت را کشف نموده و بر غنای اصطلاح‌نامه معارف مهدوی افزود؛ چنین رویکردی می‌تواند یک نوآوری در مطالعات مهدوی باشد.

### کلیدواژه‌ها

مدیریت دانش، اطلاعات، مهدویت، مدیریت دانش مهدوی.

## مقدمه

«مدیریت دانش» ابتدا با هدف کمک به سازمان‌ها و نهادهای مدیریتی برای به‌روز کردن اطلاعات‌شان به‌وجود آمد تا از طریق آن بتوانند برای بهره‌وری بیشتر با برنامه‌ریزی دقیق تصمیم‌گیری کنند و مشکلات پیش‌رو را بردارند. اما بعدها فراتر از نهادها و سازمان‌های مدیریتی، به حوزه مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف وارد شد و از این راه می‌تواند به روان‌سازی تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف کمک فراوانی داشته باشد. علوم انسانی و رشته‌های مختلف آن یکی از این حوزه‌ها است که مدیریت دانش قادر است به حل مسائل و مشکلاتش و برافزایش کارایی و بهبود اثربخشی آن همت گمارد و از طریق آن می‌تواند، اطلاعات مناسب و به‌روزی را در اختیار برنامه‌ریزان و پژوهش‌گران قرار دهد؛ علاوه بر آن، در وقت و هزینه صرفه‌جویی نماید.

برای مطالعات مهدوی به‌عنوان یکی از حوزه‌های دانشی نیز می‌توان از «مدیریت دانش» استفاده کرد و از طریق آن به مراکز مهدوی پژوه و پژوهشگران این حوزه در موارد ذیل کمک کرد:

الف) شناخت و معرفی مراکز و پژوهشکده‌های مهدوی پژوه و ایجاد هم‌افزایی میان آنها؛ ب) تلاش برای به‌ثمررساندن پژوهش‌های بنیادی و اثرگذار در حوزه مطالعات مهدوی؛ ج) پرهیزدادن مراکز از موازی‌کاری و جلوگیری از تحقیقات و پژوهش‌های تکراری؛ د) نشان‌دادن پتانسیل موجود در مراکز مهدوی در مواجهه با شبهات و چالش‌های پیش‌رو.

با توجه به نکات یادشده، پژوهش درباره مدیریت دانش در حوزه مطالعات مهدوی یک امر ضروری است؛ گرچه تاکنون درباره موضوع یادشده در حوزه مهدویت، کارهای متعددی نیز صورت گرفته است که هر کدام به نوبه خود نوعی مدیریت اطلاعات در این حوزه است. لیکن مهم‌ترین نقیصه آنها عدم تبعیت از یک سازوکار استاندارد و همانند است. بهترین کاری که تاکنون در این حوزه صورت گرفته، تدوین اصطلاح‌نامه معارف مهدوی است که می‌تواند بستر مناسبی برای مدیریت دانش در این حوزه باشد.<sup>۱</sup> مقاله حاضر می‌تواند بخش موضوع‌یابی آن را تکمیل نماید.

1. <http://wiki.islamicdoc.org/mahdavi>.

## مبحث اول: مباحث مقدماتی

### ۱. تبیین مسأله

«مدیریت دانش» ابزار مهمی است که می‌تواند در روان‌سازی تبادل اطلاعات نقش داشته باشد. بنابراین استفاده از آن در حوزه‌های مختلف پژوهشی دارای کاربرد است. اعتقاد به منجی موعود (مهدویت)، ریشه در اعماق تاریخ بشریت دارد. شاهد بر آن، وجود متون مقدس ادیان مختلف مبنی بر آمدن منجی در آخرالزمان است که با آمدنش رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق خواهد یافت. این باور در اسلام فراتر از گروه‌ها و فرقه‌ها مطرح شده و در حقیقت؛ اعتقادی اسلامی است که توسط رسول گرامی اسلام ﷺ مورد تأکید قرار گرفته است. مؤید این سخن روایات بسیاری است که همه فرق و مذاهب اسلامی از پیامبر ﷺ در ارتباط با این عقیده نقل کرده‌اند.

پژوهش در ابعاد مختلف این اندیشه می‌تواند اضلاع گوناگون این مسأله را تشریح کند و به‌عنوان نقشه راه می‌توان در ترسیم چشم‌انداز آینده تمدن اسلامی از آن بهره گرفت.

با عنایت به اهمیت این موضوع، محققین و پژوهشگرهای مختلفی درصددند تا درباره اندیشه مهدویت و ابعاد مختلف آن، تحقیق کنند. معرفی این مراکز و تبیین اضلاع مختلف کارهای آنان می‌تواند به مراکز دیگر و محققین کمک نماید تا با بهره‌گیری از تجارب به‌دست آمده در تحقیقات بعدی، کارهای ارزشمندی به جامعه عرضه شود.

مدیریت دانش در حوزه مهدویت الزاماتی دارد که ایجاد بستر مناسب برای مدیریت دانش‌های صریح و ضمنی در این حوزه از ضرورت‌های آن است. در این بستر دانش اندوخته‌شده در نزد افراد، مراکز و پژوهشگرهای مهدوی می‌تواند در زمان مناسب در دسترس پژوهشگران و دیگر مراکز قرار گیرد تا در پژوهش‌های بعدی استفاده گردد.

هر یک از محورهای ذیل می‌توانند در مدیریت دانش مهدوی نقش ایفا نمایند:

الف) موضوع‌شناسی؛ ب) منابع و کتاب‌خانه‌های مهدوی؛ ج) محققین و پژوهشگران

مهدویت پژوه؛ د) مراکز و پژوهشکده‌هایی که در زمینه مهدویت کار پژوهشی و فرهنگی انجام می‌دهند؛ ه) نرم‌افزارهای تولیدشده در عرصه فعالیت‌های مهدوی. بی‌شک هر یک از موارد یادشده، می‌تواند در مدیریت دانش مهدوی مؤثر باشد و به روان‌سازی تبادل اطلاعات در این حوزه کمک نماید. با عنایت به این‌که بررسی تک‌تک موارد یادشده فراتر از ظرفیت یک مقاله است؛<sup>۱</sup> بدین سبب در این مقاله تنها «نظام موضوعات مهدوی» بررسی می‌شود. بدون تردید توجه به این موضوعات در ایجاد نظام واژگانی مهدویت (اصطلاح‌نامه معارف مهدوی) ضروری است.

## ۲. ضرورت و اهداف تحقیق

«مدیریت دانش» در حوزه مطالعات مهدوی از چند جهت دارای ضرورت است: الف) هم‌افزایی بیشتر مراکز پژوهشی مهدوی و جلوگیری از موازی‌کاری. ب) امکان استفاده بهتر از تجارب و خبرگی دیگران در عرصه پژوهش مهدوی و انتقال آن به نسل‌های بعدی. با انجام «مدیریت دانش» در حوزه مطالعات مهدوی می‌توان اهداف ذیل را دنبال کرد: الف) بهره‌وری بیشتر از نیروهای کارآمد در امر تحقیق و پژوهش در مطالعات مهدوی.

ب) ارائه خدمات پژوهشی مناسب و آسان با ضریب اطمینان بالا به محققین مهدوی. ج) صرفه‌جویی در وقت و جلوگیری از تکرار اشتباهات و دوباره‌کاری‌ها. د) تشخیص به‌هنگام خلاها و کمبودها در حوزه مطالعات و پژوهش‌های مهدوی. ه) انتقال کارآمد و مؤثر پژوهش‌های انجام‌یافته مهدوی به جامعه مخاطب. و) ایجاد رضایت در مخاطبان با تقویت آنان در مقابل شبهات مرتبط با مهدویت.

۱. ان‌شاءالله در مقالات بعدی، ابعاد دیگر از موارد یادشده، مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد.

ز) برانگیختن روح خلاقیت و نوآوری در پژوهشگران مهدوی.  
 ح) تلاش برای ایجاد زمینه‌های لازم برای بهبود اشتراک دانش برای دانش‌پژوهانی که می‌خواهند در زمینه اندیشه مهدویت کارهای پژوهشی انجام بدهند.  
 ط) تبیین و تعمیق معارف مهدوی در حوزه‌های مختلف.  
 ی) پیرایش و پالایش معارف اصیل مهدویت.

### ۳. مفهوم‌شناسی

#### ۳-۱. مدیریت دانش

از مدیریت دانش (Knowledge Management) (در دسترس قرار دادن نظام‌مند اطلاعات و اندوخته‌های علمی) با رویکردهای مختلف تعاریف گوناگونی شده است. بیشتر تعاریف معطوف به نقش و کارکرد مدیریت دانش در ارتباط با نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌ها برای بهره‌وری بیشتر آن‌هاست.

واتسن (Watson) در تعریف مدیریت دانش می‌گوید: «مدیریت دانش عبارت است از: اکتساب، ذخیره‌سازی، بازیابی، کاربرد، تولید و بازننگری دارایی‌های دانشی سازمان به سبکی کنترل‌شده که در چهار حوزه فعالیت می‌کند: ۱. کسب دانش (شامل یادگیری، خلق و شناسایی) ۲. تجزیه و تحلیل دانش (شامل ارزیابی و اعتبارسنجی) ۳. حفظ دانش (شامل سازمان‌دهی و نمایش و نگهداری) ۴. استفاده از دانش (شامل کاربرد، انتقال و تقسیم)» (اخوان و جودی، ۱۳۹۳: ص ۱۳).

«دانپورت و پروساک مدیریت دانش را مفهومی برای توصیف فرآیندهایی دانسته‌اند که از طریق آنها سازمان به توسعه، سازماندهی و به اشتراک‌گذاری دانش با هدف دستیابی به مزیت رقابتی می‌پردازد» (اخوان و باقری، ۱۳۹۵: ص ۱۷).

در برخی از تعاریف، بر استفاده از فناوری اطلاعات در مدیریت دانش تأکید شده و «مدیریت دانش را اشتراک و یکپارچه‌سازی دانش و مهارت درون و میان بخش‌های سازمانی از طریق فناوری اطلاعاتی دانسته‌اند» (همان: ۱۷).

در حقیقت، «مدیریت دانش به‌عنوان ابزار مدیریتی، مسئول اجرا و ارزیابی هدف‌مند دانش است که در نهایت به توسعه سازمان با استفاده از دانش داخلی و خارجی برای افزایش کارایی لازم منجر می‌شود. به منظور اجرای استراتژی‌های دانشی، مدیریت دانش تمامی ظرفیت‌های انسانی، سازمانی و فناوری مناسب برای بهینه‌نمودن رقابت و ارتقای استعداد جمعی در سطح سازمان را به کار می‌گیرد» (اخوان و جودی، ۱۳۹۱: ص ۱۸).

بنابراین «مدیریت دانش»، فرایندی است که به سازمان‌ها، نهادها و مراکز پژوهشی کمک می‌کند تا اطلاعات مهم را پیدا کنند و در پرتو آن به حل مشکلات پردازند و از این جهت «مدیریت دانش» به معنای در دسترس قرار دادن نظام‌مند اطلاعات و اندوخته‌هایی است که در اختیار افراد نیازمند، مانند پژوهشگران گذاشته می‌شود تا آنها بتوانند به منظور بازدهی بیشتر و دسترسی به اطلاعات آسان‌تر، در کار پژوهش از آن کمک گیرند.

### ۲-۳. مهدویت

مهدویت، از واژه مهدی گرفته شده و صفتی منسوب از مهدی است؛ یعنی، این واژه دو گونه استعمال می‌شود: یکی به صورت مصدر جعلی با این توضیح که هر وصفی که «یای» مشدد و «تا» (یت) به آن اضافه شود، تبدیل به مصدر می‌شود. مثل عالمیت، حاکمیت. مهدویت در اصطلاح به معنای فکر، ایده و رفتاری است که درباره حضرت مهدی ۷ است. منظور از مهدویت در این نوشتار، اندیشه‌ای است که بر محور باور به امام مهدی ۷ و مباحث مربوط به آن شکل گرفته باشد.

### مبحث دوم: نظام موضوعات مهدوی

در منابع و متون اسلامی مسأله «مهدویت» مورد توجه جدی قرار گرفته و در این‌باره روایات بسیاری در منابع حدیثی نقل گردیده است؛ به گونه‌ای که پیش از تولد حضرت مهدی ۷



روایات متعددی وارد شده و اصحاب پیامبر ۹ و ائمه ۷ با سؤالات متعدد از آن پرس و جو می‌کردند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص ۲۲۹ - ۲۳۳).

بنابراین مهدویت از موضوعات دینی همواره مورد اقبال فرهیختگان و دین‌پژوهان بوده است. در دوره معاصر، از طرفی با پیشرفت علم و تکنولوژی، سؤالات و شبهات جدیدی در عرصه مسایل دینی به‌ویژه مهدویت مطرح گردیده و از طرف دیگر با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و پیروی آن از اندیشه مهدویت، عرصه‌های جدیدی از مباحث مهدویت فراوری اندیشمندان گشوده شده و این مباحث حتی در میان توده‌های مردم نیز جایگاه مهمی یافته و با اقبال عمومی مواجه گردیده است. گاه این اقبال عمومی مورد سوءاستفاده بدخواهان و کج‌اندیشان قرار گرفته و با برداشت‌های غلط و به دور از حقیقت و واقعیت، آسیب‌های جدی را به این باور وارد می‌کنند که جبران آن دشوار خواهد بود.

تبیین صحیح این اندیشه از یک طرف و پاسخ‌گویی شبهات در این زمینه از طرف دیگر، نیازمند پژوهش در ابعاد متنوع معارف مهدوی است. تحقق این امر مبتنی بر شناسایی موضوعات و مسائل پژوهشی پیرامون آن خواهد بود.

بی‌شک شناسایی این موضوعات و دسته‌بندی آنها از چند جهت مهم است که مهم‌ترین آن تقویت نظام مفهومی؛ یعنی اصطلاح‌نامه مهدوی است. علاوه بر این، می‌تواند کمک شایانی به محققین و دانش‌پژوهان نماید، به‌خصوص کسانی که نیازمند انتخاب موضوع پایان‌نامه هستند و از این جهت به روان‌سازی تبادل اطلاعات که هدف اصلی مدیریت دانش است منجر خواهد شد و در نتیجه، مدیریت دانش مهدوی شکل خواهد گرفت. بنابراین ضروری است موضوعات مهدوی در حوزه‌های مختلف شناسایی و دسته‌بندی مناسبی شوند.

بر این اساس، در ادامه به مهم‌ترین موضوعات مهدوی در چند حوزه اشاره می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. در تنظیم و تهیه برخی از موضوعاتی که در این نوشته آمده از موضوعات پیشنهادی مؤسسه آینده روشن استفاده شده است.

موضوعات پیرامون مهدویت را می‌توان بر دو دسته کلی برون‌دینی و درون‌دینی تقسیم نمود:

۱. موضوعات برون‌دینی یا بین‌الادیانی؛ ۲. موضوعات درون‌دینی.

### ۱. موضوعات برون‌دینی یا بین‌الادیانی

اعتقاد به منجی موعود، ریشه در اعماق تاریخ بشریت دارد. شاهد بر آن، وجود متون مقدس ادیان مختلف مبنی بر آمدن منجی در آخرالزمان است. باور به منجی موعود (مهدویت) در حقیقت، تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریاچه آن، علی‌رغم دیدگاه‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت عقیدتی، روز موعود را روزی می‌بینند که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد و راه ناهمواری که در طول تاریخ برای انسان دشوار بود، پس از رنج بسیار هموار می‌شود. حتی انتظار روز موعود اختصاص به ایمان آورندگان به غیب ندارد، بلکه دیگران هم به چنین روزی چشم دوخته‌اند تا آن‌جا که پرتو این خواسته، مکتب‌هایی را هم که به هیچ‌وجه زیربار مسایل غیبی نمی‌روند؛ فرا گرفته است. «ما به خوبی درمی‌یابیم که دل‌مشغولی به امید صلح و هم‌زیستی و این احساس در سراسر تاریخ و در میان همه اقوام و ملل از دغدغه‌ها و مسایل بشری بوده است و هنگامی که دین، این وجدان عمومی را تأیید می‌کند و تأکید دارد که زمین پس از لبریز شدن ظلم و ستم پر از عدل و داد خواهد شد؛ به آن احساس عمومی، ارزش عینی می‌بخشد و آن را تبدیل به یک ایمان محکم می‌کند؛ ایمان به آینده و سرنوشت محتوم انسان؛ این ایمان، نه تنها مایه تسلی و آرامش خاطر است بلکه منشأ امید و منشأ مقاومت نیز هست (صدر، ۱۴۱۷ق: ص ۵۴).

بنابراین، اندیشه منجی موعود در کلیت خود اندیشه‌ای جهان‌شمول و فراگیر است و همه ادیان توحیدی و حتی غیرتوحیدی بر آن اتفاق نظر دارند. بحث و بررسی پیرامون منجی موعود ادیان از طرفی می‌تواند در تحکیم، تثبیت و تقویت موعودباوری اسلامی (اندیشه مهدویت) کمک کند و از طرف دیگر، موجب هم‌گرایی ادیان بر محور منجی موعود جهانی خواهد شد.

مهم ترین موضوعات برون دینی یا بین‌الادیانی عبارتند از:

۱. اندیشه نجات‌بخشی و امید به حکومت جهانی <sup>۱</sup>		
۲. ریشه‌های اندیشه نجات‌بخشی		
۳. ضرورت وجود منجی		
۴. اندیشه نجات‌بخشی در	۱. آیین بودایی	۳. آیین هندو
شرایع قبل از اسلام (صادق)	۲. آیین زردشتی	۴. آیین صابئین
تهرانی، ۱۳۹۲: ص ۲۶-۷۷)	۵. آیین یهودیت	۶. آیین مسیحیت
۱. منجی نوعی		
۲. منجی فردی		۵. گونه‌شناسی منجی موعود در ادیان
الف) منجی فردی مشخص با ویژگی‌های خاص		
ب) منجی فردی نامشخص با ویژگی‌های عام		
۱. به‌لحاظ باوری و اعتقادی		۳. به‌لحاظ هنجاری و رفتاری
۲. به‌لحاظ ارزشی و اخلاقی		۴. به‌لحاظ سیاسی و اجتماعی
۱. موعودباوری و فلسفه تاریخ		۵. موعودباوری و مناسبات تمدن‌ها و ادیان
۲. موعودباوری و معنابخشی به زندگی		۶. موعودباوری و صلح جهانی
۳. موعودباوری و آرامش روانی		۷. موعودباوری و عدالت اجتماعی
۴. موعودباوری و فلسفه سیاسی		۸. موعودباوری و حقوق بشر
۶. آثار و نتایج موعود باوری		
۷. موضوعات میان‌رشته‌ای پیرامون موعودباوری		

۱. لازم به یادآوری است با توجه به رویکرد مسأله‌محوری در تنظیم و تبویب موضوعات، به‌صورتی که مسائل و موضوعات در این مقاله مطرح شده‌اند، در اغلب موارد در منابع یافت نمی‌شوند. برداشت نویسنده این مقاله از کلیات مطالبی است که در منابع مرتبط آمده‌اند. لذا نمی‌توان در آدرس‌دهی صفحه مشخصی را از منابع معرفی شده اعلان نمود. بدین جهت از آدرس‌دهی درون‌متنی خودداری شده و در پاورقی برای اغلب موضوعات استخراج شده از کتب، تنها به نویسنده و نام اثر اشاره می‌شود و در فهرست منابع، اثر به‌صورت کامل معرفی خواهد شد.

## ۲. موضوعات درون‌دینی

باور به منجی موعود در اسلام در قالب اندیشه مهدویت مطرح شده است. اعتقاد به مهدویت، ریشه در اعماق تاریخ اسلام دارد و در حقیقت اعتقادی اسلامی است که توسط رسول گرامی اسلام ۹ و ائمه معصومین ۷ مورد تأکید قرار گرفته است. مؤید این سخن روایات بسیاری است که اهل تسنن و شیعه از پیامبر ۹ در ارتباط با این عقیده نقل کرده‌اند. بدین سبب پژوهش پیرامون مهدویت از گذشته در میان مسلمانان رواج داشته و فرهیختگان بسیاری - از امامیه و اهل تسنن - در مورد آن کتاب‌هایی را تألیف نموده‌اند (گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۳-۳۱ و صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ص ۴۵-۸۲).

با انجام پژوهش پیرامون این دسته از موضوعات می‌توان به اهداف ذیل دست یافت:  
الف) تبیین و تعمیق معارف مهدویت در حوزه‌های مختلف قرآنی، حدیثی، کلامی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن.

ب) شناخت بایسته‌های مهدویت پژوهی در حوزه‌های مختلف یادشده.

مهم‌ترین موضوعات درون‌دینی عبارتند از:

### یک. موضوعات قرآنی

مفسران قرآن کریم، اندیشه مهدویت را همواره مورد توجه قرار داده و در ذیل برخی از آیات با کمک روایات، پیرامون آن مطالبی را تألیف کرده‌اند. برخی از این موضوعات عبارتند از:<sup>۱</sup>

موضوعات قرآنی			
۱	امام مهدی ۷ از منظر مفسران: الف) مفسران اهل تسنن؛ ب) مفسران شیعی	۸	ظهور و سقوط تمدن‌ها از منظر قرآن
۲	آیات مهدویت، جمع‌آوری و دسته‌بندی	۹	وضعیت ادیان در آینده جهان از منظر قرآن
۳	روش قرآن در معرفی امام مهدی ۷	۱۰	مهدویت و سنت‌های الهی در قرآن

۱. سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ص ۲۱۵ و طوسی، بی‌تا، ج ۳: ص ۳۸۶ و ج ۵: ص ۲۰۹.

موضوعات قرآنی		
جامعه ایده‌آل از منظر قرآن و مقایسه آن با حکومت امام مهدی ۷	۱۱	موانع تحقق عدالت فراگیر از منظر قرآن
بررسی تطبیقی آیات مهدوی در قرآن با منجی در تورات و انجیل	۱۲	نگاه عیسوی به مهدویت در تفاسیر اهل سنت و تحلیل و نقد آن
آینده جهان از منظر قرآن	۱۳	ظهور، رجعت و قیامت از منظر قرآن کریم
رجعت از منظر قرآن کریم		

## دو. موضوعات حدیثی

الف) موضوعات حدیثی از منظر احادیث و روایات اهل تسنن<sup>۱</sup>

جایگاه اعتقاد به مهدویت از منظر روایات اهل تسنن	۱۴	ابدال، اوتاد و نجبا در روایات اهل سنت
آثار اعتقاد به مهدویت از منظر روایات اهل تسنن: الف) آثار فردی، ب) آثار اجتماعی	۱۵	یاران امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت
دیدگاه اهل سنت در مورد امام مهدی ۷ از منظر روایات. <sup>۲</sup>	۱۶	رجعت از منظر اهل سنت
مهدی شخصی یا نوعی در روایات اهل سنت	۱۷	ارتباط امام مهدی ۷ و حضرت عیسی ۷ در روایات اهل سنت
بررسی حدیث (لامهدی الا عیسی بن مریم) در روایات اهل سنت	۱۸	ارتباط دجال و حضرت عیسی ۷ در روایات اهل سنت

۱. طبرانی، ۱۳۹۸ق، ج: ۸، ص ۱۷۹؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج: ۱۲، ص ۳۳؛ ج: ۱۴، ص ۱۹۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۵ق، ج: ۵، ص ۱۰۶؛ سیوطی، ۱۴۲۴ق، ج: ۲، ص ۷۸؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق، ج: ۴، ص ۵۰۱؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۹۲ و گنجی شافعی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۱.

۲. مقاله‌ای با عنوان «عقیده اهل السنة والأثر فی المهدی المنتظر» چاپ شده در مجله جامعه اسلامی، ش ۳، ۱۳۸۸ق و مقاله «الرد علی من أنکر أحادیث المهدی» چاپ شده در مجله الجامعة الإسلامية، ش ۴۵، ص ۱۴۰۰ق.

۶	بررسی نسب امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت	۱۹	سیره امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت
۷	بررسی و تحلیل حدیث «اسمه اسمی و اسم ایبه اسم ابی» در احادیث اهل سنت	۲۰	بررسی فتوحات امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت
۸	ویژگی‌های ظاهری امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت	۲۱	حکومت جهانی امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت
۹	نشانه‌های ظهور در روایات اهل سنت	۲۲	شهادت یا رحلت امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت
۱۰	تعیین وقت ظهور از منظر روایات اهل سنت	۲۳	جانشینان امام مهدی ۷ در روایات اهل سنت
۱۱	سیر حوادث ظهور در روایات اهل سنت	۲۴	سرانجام شیطان در روایات اهل سنت
۱۲	هدف قیام امام مهدی ۷ از منظر روایات اهل سنت	۲۵	ارتباط روایات اشراط الساعة و امام مهدی ۷
۱۳	راه‌های شناخت امام مهدی ۷ از مدعیان مهدویت از منظر روایات اهل سنت	۲۶	پایان جهان در روایات اهل سنت

### ب) موضوعات حدیثی از منظر روایات و احادیث شیعه امامیه<sup>۱</sup>

۱	ولادت امام مهدی ۷ از منظر روایات	۱. نسب پدری حضرت مهدی ۷ ۲. مادر امام زمان ۷ (اسامی، القاب و نسب) ۳. شاهدان ولادت حضرت مهدی ۷ ۴. چگونگی ولادت حضرت مهدی ۷ ۵. علل مخفی بودن ولادت حضرت مهدی ۷ ۶. شباهت ولادت حضرت مهدی ۷ با پیامبران
---	----------------------------------	---

۱. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج: ۱، ص: ۳۳۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص: ۲۱۴؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج: ۱، ص: ۲۸۸؛ اربلی، ۱۴۰۳ق، ج: ۲، ص: ۵۲۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۵۱، ص: ۶۵-۱۵۸.

۷. کودکی حضرت مهدی 7		
۸. نماز بر پیکر پاک پدر توسط حضرت مهدی 7		
۱. ادله اثبات امامت حضرت مهدی 7 ۲. آغاز امامت حضرت مهدی 7 ۳. رد استبعاد امامت در کودکی	۲ امامت امام مهدی 7 از منظر روایات	
۱. آثار فردی مهدی باوری از دیدگاه روایات ۲. آثار اجتماعی مهدی باوری از دیدگاه روایات	۳ آثار مهدی باوری از منظر روایات	

۴. مهدی نوعی یا شخصی از منظر روایات.

۵. توقیعات، کلمات و سخنان امام مهدی 7.

۶. تحلیل و بررسی ادعیه و زیارات مرتبط با امام زمان 7.

#### ۷. ویژگی‌های امام مهدی 7 از منظر روایات

الف) ویژگی‌های عام	ب) ویژگی‌های خاص
۱. عصمت حضرت مهدی 7	۱. دوازدهمین امام
۲. علم حضرت مهدی 7	۲. القاب و کنیه‌های حضرت مهدی 7 (بقیه‌الله، مهدی، قائم و...)
۳. عرضه اعمال بر حضرت مهدی 7	۳. ویژگی‌های خاص جسمانی حضرت مهدی 7
۴. واسطه فیض بودن حضرت مهدی 7	۴. غیبت
۵. حجت الهی بودن حضرت مهدی 7	۵. طول عمر
	۶. ظهور
	۷. تشکیل حکومت جهانی به دست حضرت مهدی 7
	۸. عدالت گستری حضرت مهدی 7
	۹. شباهت‌های حضرت مهدی 7 با انبیا و اولیای الهی

## ۸. غیبت از منظر روایات

موضوعات عام غیبت	
۱. حقیقت و پیشینه غیبت از منظر روایات	۵. چگونگی غیبت
۲. سابقه غیبت در امم گذشته	۶. فایده امام غایب
۳. زمینه‌سازی برای غیبت حضرت مهدی ۷	۷. انواع غیبت
۴. دلایل غیبت از منظر روایات	
غیبت صغری	
۱. آغاز و شروع غیبت صغری	۸. هدایت تشریحی امام زمان ۷ در غیبت صغری
۲. مکان غیبت صغری	۹. توقیعات امام زمان ۷ در غیبت صغری
۳. اوضاع سیاسی و اجتماعی در زمان غیبت صغری	۱۰. نقش امام زمان ۷ در حفظ کیان شیعه در غیبت صغری
۴. فلسفه غیبت صغری	۱۱. چگونگی ارتباط امام زمان ۷ با شیعیان در غیبت صغری
۵. نواب اربعه در غیبت صغری	۱۲. چگونگی ارتباط مردم با امام زمان ۷ در غیبت صغری
۶. ارتباط شیعیان با نواب در غیبت صغری	۱۳. مدعیان نیابت خاصه
۷. ملاقات با امام زمان ۷ در غیبت صغری	۱۴. انحرافات در غیبت صغری
غیبت کبری	
۱. زمان شروع غیبت کبری	۱۱. هدایت باطنی امام زمان ۷ در غیبت کبری
۲. تفاوت غیبت صغری با غیبت کبری	۱۲. هدایت تشریحی امام زمان ۷ در غیبت کبری
۳. فلسفه و علل غیبت کبری	۱۳. حقوق امام مهدی ۷ بر مردم
۴. ویژگی‌های غیبت کبری	۱۴. وظایف مردم در قبال امام زمان ۷ در غیبت کبری
۵. چگونگی زندگی امام زمان ۷ در غیبت کبری	۱۵. نواب عام امام زمان ۷ در غیبت کبری



۶. ازدواج یا عدم ازدواج حضرت مهدی ۷	۱۶. شرایط نواب عام (ولی فقیه)
۷. اماکن منسوب به حضرت مهدی ۷	۱۷. وظایف مردم در ارتباط با نواب عام
۸. امکان یا عدم امکان تشریف به محضر حضرت در غیبت کبری	۱۸. وظیفه نواب عام در زمان غیبت
۹. چگونگی ارتباط با امام مهدی ۷ در غیبت کبری	۱۹. تشکیل حکومت و دلایل مشروعیت آن در عصر غیبت
۱۰. توقیعات حضرت در غیبت کبری	۲۰. تشکیل حکومت توسط ولی فقیه

### ۹. انتظار از منظر روایات

۱. مفهوم، فضیلت و پیشینه انتظار	۱۱. نقش اعتقاد به امام غایب در زندگی منتظران
۲. نقش انتظار در زندگی مردم	۱۲. اصول و مبانی اعتقادی جامعه منتظر و نقش آن در زندگی منتظران
۳. ویژگی‌های منتظران	۱۳. اصول و مبانی اخلاقی جامعه منتظر و نقش آن در زندگی منتظران
۴. وظایف منتظران	۱۴. بایسته‌های اخلاقی یاران امام مهدی ۷
۵. مقام و منزلت منتظران	۱۵. نقش انتظار در تعالی جامعه منتظر
۶. فلسفه، آداب و آثار انتظار	۱۶. نقش انتظار در تعالی روحی و اخلاقی خانواده
۷. انواع انتظار	۱۷. نقش انتظار در تعالی روحی و اخلاقی زمینه‌سازان ظهور
۸. ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری جامعه منتظر	۱۸. ابعاد تربیتی ادعیه مربوط به امام زمان ۷ و نقش آن در زندگی منتظران
۹. جامعه منتظر و قیام‌های پیش از ظهور از منظر روایات	۱۹. نهادهای اجتماعی در عصر انتظار و نقش آنها در زندگی منتظران
۱۰. کارکردهای فردی و اجتماعی انتظار	۲۰. آسیب‌شناسی جامعه منتظر از منظر روایات

## ۱۰. ظهور امام مهدی 7 از منظر روایات

۱. شرایط ظهور از دیدگاه روایات		کیات	۱				
۲. نشانه‌های ظهور از منظر روایات							
۳. تفاوت شرایط با نشانه‌های ظهور							
۴. موانع ظهور از منظر روایات							
۵. نمادین یا واقعی بودن نشانه‌های ظهور							
۶. بدا و نشانه‌های ظهور از منظر روایات							
۷. علم حضرت مهدی 7 به زمان ظهور							
۸. عدم جواز تعیین وقت برای ظهور		نشانه‌ها و علایم ظهور	۲				
۹. وضعیت دین‌داری در آستانه ظهور							
۱۰. مفهوم آخرالزمان							
۱۱. وضعیت قیام‌ها در آستانه ظهور							
۱۲. ظهور و قیام							
۱. صیحه آسمانی				الف) نشانه‌ها و علایم حتمی	۴. خسف بیداء		
۲. سفیانی						۵. قتل نفس زکیه	
۳. یمانی							
۱. دجال		ب) نشانه‌ها و علایم غیر حتمی	۵. کف آسمانی				
۲. بلایای طبیعی				۶. خراسانی			
۳. یاجوج و ماجوج					۷. شعیب بن صالح		
۴. سیدحسینی				۸. پرچم‌های سیاه			
سفیانی		سیدحسینی	یمانی		پرچم‌های سیاه	بررسی روایات و تحلیل آنها درباره	۴
دجال		خراسانی	خسف بیدا	قتل نفس زکیه			
گسترش ظلم و فساد							
۱. جداسازی احادیث ملاحم از احادیث نشانه‌های ظهور							
۲. تعیین وقت برای ظهور از منظر روایات							
۳. نشانه‌های ظهور و اشراف الساعه							
۴. چگونگی آغاز و محل ظهور							
۵. چگونگی برخورد امام زمان با دشمنان در هنگام ظهور							
۶. نقش و جایگاه مردم در ظهور							
۷. نزول حضرت عیسی مسیح 7 و نقش آن حضرت							

۸. آفات و آسیب‌های تعیین وقت برای ظهور و راه‌های مقابله با آن		
۵. رجعت پیامبران و ائمه 7	۱. سابقه رجعت	۹. ظهور و رجعت
۶. مدت دوران رجعت	۲. فلسفه رجعت	
۷. رابطه رجعت و قیامت	۳. مفهوم و دلایل رجعت	
	۴. چگونگی رجعت	
۳. جنگ‌ها و کشتارها	۱. وضعیت فرهنگی	۱۰. جهان در آستانه ظهور
۴. وضعیت سرزمین‌ها (شام، عراق، حجاز و ایران)	۲. وضعیت دینی	
۱. تحلیل و تبیین قیام به شمشیر		۱۱. ظهور
۲. بررسی روایات فتوحات امام مهدی 7		
۳. بررسی و تحلیل چگونگی غلبه امام مهدی 7 بر قدرت‌های جهانی		
۱. ویژگی‌های حکومت جهانی		۱۲. حکومت جهانی
۲. اهداف حکومت جهانی		
۳. سیره حکومتی حضرت مهدی 7		
۴. جایگاه رهبری در حکومت جهانی		
۵. حکومت جهانی و تکامل عقل و علم		
۶. نقش فناوری در حکومت جهانی		
۷. حکومت جهانی و امدادهای غیبی		
۸. حکومت جهانی و غلبه اسلام		
۹. دین در عصر ظهور (امر جدید، کتاب جدید، قضاوت جدید، سنت جدید، سلطان جدید)		
۱۰. حکومت جهانی و اهل کتاب		

۱۱. جایگاه و نقش مردم در حکومت جهانی			
۱۲. نقش جوانان در حکومت مهدوی			
۱۳. نقش زنان در حکومت مهدوی			
۱۴. بررسی روایات مدت حکومت امام مهدی ۷			
۱۵. بررسی روایات محل حکومت امام مهدی ۷			
۱۶. جانشینان امام مهدی ۷			
۱۷. وضعیت جهان قبل از برپایی قیامت، حکومت صالحان			

### سه. موضوعات کلامی<sup>۱</sup>

موضوعات کلامی به دو بخش عام و خاص تقسیم می‌شوند. در بخش عام به برخی از موضوعات مرتبط با اصل امامت و ضرورت آن، اشاره شده است و در بخش خاص به موضوعات مرتبط با امام مهدی ۷ اشاره گردیده است.

۱. اهمیت و ضرورت بحث از امامت			الف) کلیات درباره امامت	
۲. امامت در اندیشه اهل سنت				
۳. امامت در اندیشه فرق شیعی	۱. امامیه	۲. زیدیه		۳. اسماعیلیه
۱. ضرورت وجود امام در هدایت باطنی برای تکامل مردم (ادله عقلی و نقلی)	۴. ضرورت وجود امام از منظر نظام تکوین			
۲. ضرورت شیعه امامیه	۱. حفظ دین (تبیین ابعاد مختلف دین، وجود امام در آموزش دین به پیروان و مبارزه با بدعت‌ها و تحریف‌ها)	۲. ضرورت نظام تشریح		

۱. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۳۳۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۷۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ص ۱۶۴ و ۳۳۶ و صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ص ۱۰ - ۱۲۷.

۲. رهبری نظام سیاسی و اجتماعی به هدف برقراری و اجرای احکام الهی در جامعه					
۱. مفهوم عصمت	۱. عصمت	۵. شرایط امام از منظر شیعه امامیه			
۲. ضرورت عصمت (ادله عقلی و نقلی)					
۳. منشأ عصمت (موهبی یا اکتسابی بودن آن، عصمت و اختیار و عصمت و علم)					
۱. کیفیت علم امام (حضور، حصولی، لدنی، اکتسابی و تمایز علم امام از افراد دیگر).	۲. علم				
۲. قلمرو علم امام (شناخت دین، تدبیر امور فردی و اجتماعی و حقایق عالم گذشته، حال و آینده).					
۳. احکام علم امام (حجیت برای امام و حجیت برای دیگران).					
۴. علم امام پیش از امامت و پس از آن.					
۱. ابعاد افضلیت (در علم، در اقوال و آرا و در عمل).	۳. افضلیت				
۲. ضرورت افضلیت (ادله عقلی و نقلی).					
۱. نظریه اهل سنت (معتزله، اشاعره، سلفیه و اهل حدیث و ماتریدیه)	۴. منصوب بودن امام از جانب پیامبر ۹ یا خود				
۲. نظریه شیعه (زیدیه، اسماعیلیه و امامیه)					
۱. ولایت تکوینی	۵. ولایت				
۲. ولایت تشریحی					

۱. معرفت امام	۱. حق امام بر امت	۶. حقوق متقابل امام و امت	
۲. حب امام			
۳. اطاعت امام			
۱. تعلیم امت و تربیت نفوس مردم	۲. حق امت بر امام		
۲. اجرای عدالت در میان مردم			
۳. دفاع از حقوق مظلومان			
۱. اثبات امامت امام علی (عقلی و نقلی)		۷. امامت خاصه	
۲. اثبات امامت دیگر معصومان			
۳. انحصار امامان			
۴. سرّ تعیین امامت در امامان			
۵. ویژگی‌های اختصاصی هر یک از امامان			
		۱. ضرورت شناخت امام مهدی	
۳. شهودی - عرفانی	۲. نقلی	۱. عقلی	۲. روش‌های شناخت امام مهدی
۲. اجتماعی		۱. فردی	۳. آثار شناخت
۴. رابطه شناخت حضرت مهدی با توحید و نبوت			
۲. امام حجت خدا و واسطه فیض		۱. منجی موعود	۵. ضرورت وجود حضرت مهدی
۶. ولادت حضرت مهدی			
۱. ادله عقلی (اثبات غیبت به دلیل ضرورت وجود) و نقلی بر اثبات غیبت امام زمان		۷. غیبت	
۲. علل و حکمت غیبت			
۳. آثار غیبت در زندگی مردم			
۴. تمهیدات امامان برای غیبت			
۵. اوضاع فکری و فرهنگی شیعیان در غیبت			

۶. آثار و برکات	۱. نقش امام غایب در تکوین	
اعتقاد به امام غایب	۲. نقش امام غایب در تشریح	
۸. ظهور	۱. فلسفه ظهور امام مهدی 7	
	۲. تحلیل و تبیین عقلی و نقلی علائم ظهور (علائم حتمی و غیر حتمی)	
	۳. تفاوت‌های علائم و شرایط ظهور	
	۴. بداء و ظهور	
	۵. تحلیل ظهور بر مبنای فلسفه تاریخ	
	۶. سنت‌های الهی در مورد ظهور	
	۷. بررسی مسئله آگاهی امام مهدی 7 از زمان 7 ظهور	
	۸. بررسی اختیاری یا جبری بودن ظهور امام 7	
	۹. رابطه ظهور و قیامت	
	۱۰. بررسی امدادهای غیبی و اعجاز در ظهور	
	۱۱. بررسی تعیین زمان ظهور	
	۱۲. اعجاز و نقش آن در ظهور	
۹. فلسفه تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی 7	۱. شاخص‌های حکومت عدل جهانی مهدوی (رشد و تکامل عقلانیت و خرد جمعی، گسترش عدل و قسط، رشد علم و تکنولوژی، گسترش رفاه مادی، امنیت و صلح جهانی و حاکمیت انحصاری اسلام در جهان)	
	۲. تعامل حضرت با ادیان و مکاتب در عصر ظهور	
	۳. حدود و قلمروهای آزادی در حکومت جهانی مهدوی	
	۴. جایگاه و منزلت انسان در حکومت جهانی	
۱۰. رجعت	۱. فلسفه رجعت در عصر ظهور	
	۲. ویژگی‌های رجعت	
	۳. رابطه رجعت و قیامت	

## چهار. موضوعات جدید کلامی

۱. مهدویت و مبانی کلام جدید	۲۰. بحران معنا و منجی گرایی
۲. انتظار بشر از دین در عصر ظهور	۲۱. قرائت‌های گوناگون از امام مهدی ۷ در عصر غیبت
۳. سازگاری مهدویت و خاتمیت	۲۲. خاستگاه دین و مهدویت
۴. اومانیسم و اندیشه مهدویت	۲۳. کثرت گرایی و مهدویت
۵. مدرنیسم و اندیشه مهدویت	۲۴. تحول‌پذیری آموزه‌های مهدویت
۶. مبانی دموکراسی و اندیشه مهدویت	۲۵. کارکردهای اندیشه مهدویت
۷. هرمنوتیک و مهدویت	۲۶. اندیشه مهدویت از منظر مستشرقان
۸. تجربه دینی و تشرفات	۲۷. ایمان و ایمان گرایی و اندیشه مهدویت
۹. عقلانیت در جهان مدرن و عقل‌مداری در عصر ظهور	۲۸. گوهر دینی و اندیشه مهدویت
۱۰. حکومت مصلح و سکولاریسم	۲۹. راه کارهای دفاع عقلانی از مهدویت
۱۱. حکومت جهانی و تساهل و تسامح	۳۰. بحران معنویت و اندیشه مهدویت
۱۲. جهان امروز و پیش‌گویی‌های آخرالزمان	۳۱. اندیشه مهدویت و مکاتب فلسفی
۱۳. دین‌داری در عصر ظهور	۳۲. اندیشه مهدویت و پوزیتیویسم
۱۴. معرفت‌شناسی مهدویت	۳۳. اندیشه مهدویت و آگزیستانسیالیسم
۱۵. جامعه مهدوی و لیبرالیسم	۳۴. قلمرو دین در اندیشه مهدویت
۱۶. تجربه دینی و امامت	۳۵. اندیشه مهدویت و ایدئولوژیک کردن دین
۱۷. زبان دین و اندیشه مهدویت	۳۶. رابطه علم و دین و اندیشه مهدویت
۱۸. معنای زندگی در اندیشه مهدویت	۳۷. رابطه دین و دنیا و اندیشه مهدویت
۱۹. جایگاه انسان در اندیشه مهدویت	



## پنج. موضوعات عرفانی

۱. سیمای انسان کامل در عرفان	۱. رابطه امامت و ولایت در عرفان اسلامی
۱۲. اثبات ضرورت وجود انسان کامل در نظام هستی	۲. ممیزات اندیشه عرفانی شیعی درباره مهدویت
۱۳. انسان کامل از دیدگاه آیات و روایات	۳. جایگاه امام مهدی ۷ در عرفان
۱۴. ابعاد عرفانی ادعیه مرتبط با امام عصر ۷	۴. امام مهدی ۷ از منظر عارفانی چون: (حافظ، مولوی، ابن عربی، صدرالدین قونوی و سیدحیدر آملی و...)
۱۵. امام مهدی ۷ مظهر تامّ انسان کامل در آخرالزمان	۵. فوائد و آثار و خواص انسان کامل (امام مهدی ۷)
۱۶. امام مهدی ۷ و ختم ولایت در عرفان اسلامی	۶. تداوم انسان کامل در وجود عنصری ولی الله الاعظم
۱۷. مقامات امام مهدی ۷ در عرفان	۷. رابطه امامت و انسان کامل در عرفان اسلامی
۱۸. امام مهدی ۷ تجلی اسمای الهی	۸. ولایت باطنی انسان کامل (حضرت مهدی ۷)
۱۹. جایگاه انسان کامل (امام مهدی) در نظام هستی (انسان کامل (مهدی) واسطه فیض)	۹. خلافت انسان کامل (حضرت مهدی ۷)
۲۰. مدعیان مهدویت در فرق صوفیه	۱۰. حقیقت و ماهیت انسان کامل

شنش. موضوعات اخلاقی<sup>۱</sup>

۱. مبادی و مبانی اخلاق مهدوی	۱۶. آثار نزدیک‌دانستن ظهور و تأثیر آن در اخلاق و تربیت جامعه
۲. نقش مبانی خداشناسی در اخلاق مهدوی	۱۷. نقش اخلاق در عظمت و پویایی جامعه منتظر
۳. نقش مبانی انسان‌شناسی در اخلاق مهدوی	۱۸. انتظار و پای‌بندی به هنجارهای اخلاقی
۴. عناصر و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اخلاق مهدوی	۱۹. نقش انتظار در تقویت امید
۵. ویژگی‌های نظام اخلاقی مهدوی	۲۰. نقش انتظار در کسب فضائل اخلاقی
۶. غایت و هدف اخلاق مبتنی بر اندیشه مهدویت	۲۱. تحلیل ساختار اخلاقی جامعه مهدوی
۷. نقش اخلاق مهدوی در تربیت خانوادگی و اجتماعی	۲۲. مفاسد اخلاقی پیش از ظهور
۸. چگونگی سعادت فرد یا جامعه در نظام اخلاقی مهدوی	۲۳. سیره اخلاقی و تربیتی امام مهدی ۷
۹. رابطه اخلاق مهدوی با فرهنگ و اقتصاد و سیاست	۲۴. مؤلفه‌های اخلاقی در اندیشه مهدویت
۱۰. تفاوت اساسی اخلاق سکولار با اخلاق مهدوی	۲۵. اخلاق کارگزاران حکومت مهدوی
۱۱. چگونگی نهادینه کردن اخلاق مهدوی را در جامعه	۲۶. ویژگی‌های اخلاقی منتظران
۱۲. رابطه و نسبت میان معنویت و اخلاق مهدوی	۲۷. بایسته‌های اخلاقی یاوران امام مهدی ۷

۱. از بانک موضوعات پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی استفاده شده است.

۱۳. تفاوت‌ها و تشابهات نظام اخلاقی مبتنی بر اندیشه مهدویت با نظام اخلاقی اسلام	۲۸. نقش آموزه‌های مهدوی در تعالی اخلاقی خانواده
۱۴. نقش اخلاق در هندسه تمدنی مهدویت	۲۹. آسیب‌های اخلاقی مدعیان دروغین
۱۵. تأثیر متقابل اخلاق مهدوی و پیشرفت و توسعه	

هفت. موضوعات تربیتی<sup>۱</sup>

۱. اصول و مبانی تربیتی اندیشه مهدویت	۱۱. ویژگی‌های تربیتی منتظران
۲. الگوهای تربیتی در اندیشه مهدویت	۱۲. اصول و روش‌های انتقال آموزه‌های مهدوی به نوجوانان
۳. فرایند تربیت نسل منتظر	۱۳. اصول و روش‌های انتقال آموزه‌های مهدوی به جوانان
۴. نقش نهادهای دینی در ترویج نظام تربیتی انتظار محور	۱۴. راه کارهای تربیتی برای زمینه‌سازی ظهور
۵. آسیب‌شناسی تربیت دینی در عصر غیبت	۱۵. آثار تربیتی معرفت امام زمان ۷
۶. بحران معنویت در عصر غیبت و راه کارهای تربیتی در رفع آن	۱۶. ظرفیت نظریه‌پردازی اندیشه مهدویت در علوم تربیتی
۷. نقش خانواده در کارآمدی اندیشه مهدویت در تربیت نسل‌ها	۱۷. اندیشه مهدویت از منظر عقل و عاطفه
۸. تجلی امید در فرهنگ مهدویت و آثار تربیتی آن	۱۸. نقش خانواده در زمینه‌سازی ظهور
۹. آثار تربیتی عرضه اعمال بر امام زمان ۷	۱۹. نقش آموزه‌های مهدوی در تربیت دینی خانواده
۱۰. ابعاد و آثار تربیتی ادعیه مربوط به امام زمان ۷	۲۰. آسیب‌های تربیتی مدعیان دروغین

۱. از بانک موضوعات پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی استفاده شده است.

هشت. موضوعات روان‌شناسی<sup>۱</sup>

۸. معنایابی زندگی در پرتو اندیشه مهدویت	۱. مؤلفه‌های انتظار از منظر روان‌شناسی
۹. شخصیت‌شناسی زمینه‌سازان ظهور	۲. اندیشه مهدویت و روان‌شناسی کمال
۱۰. زمینه‌های روانی پیروزی امام مهدی ۷	۳. آسیب‌شناسی روان‌شناختی اندیشه مهدویت
۱۱. ظرفیت‌های نظریه‌پردازی اندیشه مهدویت در روان‌شناسی اجتماعی	۴. رابطه انتظار و بهداشت روانی
۱۲. اصول و بایسته‌های روان‌شناختی انتقال آموزه‌های مهدوی به نسل‌ها	۵. آثار روان‌شناختی باورداشت مهدویت
۱۳. روان‌شناسی مدعیان مهدویت	۶. آثار روان‌شناختی غیبت امام زمان ۷
۱۴. آسیب‌های روانی مدعیان دروغین	۷. آثار روان‌شناختی ادعیه مربوط به امام زمان ۷

نه. موضوعات اجتماعی<sup>۲</sup>

۱. راه‌های تقویت باور به مهدویت	۱. جامعه‌پذیری مهدویت
۲. عوامل زمینه‌ساز ظهور (خانواده، مدرسه، و...)	
۱. در توسعه و پیشرفت جامعه	۲. آثار اجتماعی اعتقاد به مهدویت
۲. در روابط و محیط اجتماعی	
۳. در امنیت و نظم جامعه	
۴. در هویت اجتماعی	
۵. در انسجام و همبستگی اجتماعی	
۱. رسانه‌ها و ترویج مهدویت	۳. فرهنگ مهدویت و انتظار
۲. نقش نهادهای اجتماعی و سازمان‌ها در گسترش فرهنگ مهدوی	

۱. از بانک موضوعات پژوهش‌گده مهدویت و آینده‌پژوهی استفاده شده است.

۲. از بانک موضوعات مؤسسه آینده روشن استفاده شده است.

۱. انواع دگرگونی (مثبت و منفی)	۴. تغییرات اجتماعی در گذر از غیبت به ظهور
۲. زمینه‌ها و عوامل تغییر	
۳. چگونگی تغییرات و دگرگونی‌ها	
۱. جهانی شدن و فرهنگ انتظار	۵. جهانی شدن
۲. تفاوت‌های جامعه مهدوی و جهانی سازی	
۳. ایجاد بسترهای لازم برای تحقق جامعه جهانی موعود	
	۶. نهادهای اجتماعی در عصر غیبت
۱. انواع انقلاب‌ها	۷. انقلاب در عصر غیبت
۲. انقلاب‌ها در طلیعه ظهور	
۳. آشوب‌های قبل از ظهور	
۱. ویژگی‌های شهرها در عصر غیبت	۸. شهرنشینی و تأثیرات آن در عصر غیبت
۲. آداب و روابط اجتماعی	
۳. مهاجرت	
۱. احزاب و دسته‌جات	۹. گروه‌های اجتماعی در عصر غیبت
۲. قومیت‌ها	
۳. هم‌سالان	
۴. رسانه‌ها	۱۰. هنجارها و ارزش‌ها در عصر غیبت
۵. خانواده	
۶. آموزش و پرورش	
۱. هنجارها و ارزش‌های منبعث از اندیشه مهدویت	۱۱. کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌ها در عصر غیبت
۲. راه‌های انتقال ارزش‌های مهدوی به نسل نو	
۱. علل و خاستگاه کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌ها در عصر غیبت	۱۲. جنگ و ارتش در عصر غیبت
۲. شیوه‌های مقابله و درمان کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌ها در عصر غیبت	
۱. نیروهای مسلح و سازماندهی آنها	۱۲. جنگ و ارتش در عصر غیبت
۲. سلاح‌های کشتار جمعی	
۳. تروریسم	
۴. بازدارندگی	۵. برخورد با دشمنان (شیوه‌های مقابله)

۱۳. قومیت و نژاد در عصر غیبت	۱. گروه‌های قومی	۳. تبعیض‌های قومی
	۲. تعصبات قومی	۴. تعامل و همکاری اقوام
۱۴. کنش اجتماعی متقابل در عصر غیبت	۱. انواع ارتباطات	
	۲. صورت‌های مختلف کنش‌ها (روابط جمعی، جشن‌ها و مراسم‌ها)	
۱۵. تغییرات اجتماعی در عصر غیبت	۱. روابط اجتماعی	۳. نظام‌های اقتصادی و اجتماعی
	۲. ساختار حکومت	۴. نهادها
۱۶. هنجارها و ارزش‌های جامعه مهدوی	۱. فردی	۲. اجتماعی
۱۷. ویژگی‌های نظام اجتماعی	۱. کنش‌های اجتماعی	۴. انواع خانواده (هسته‌ای و گسترده)
	۲. رابطه حاکم و مردم	۵. آزادی
	۳. علم و تکنولوژی	۶. امنیت
۱۸. عدالت اجتماعی در جامعه مهدوی	۱. برنامه عملی و شیوه عدالت اجتماعی در جامعه مهدوی	
	۲. حدود عدالت اجتماعی در جامعه مهدوی	
	۳. واکنش‌ها و دیدگاه‌ها درباره عدالت اجتماعی مهدوی	
	۴. موانع استقرار عدالت اجتماعی مهدوی	
۱۹. جمعیت	۱. تعداد	۲. رشد
		۳. کنترل
۲۰. آسیب‌شناسی قبل از ظهور	۱. آسیب‌شناسی در حوزه بینش‌ها و ارزش‌ها و رفتارها	
	۲. آسیب‌شناسی در حوزه نهادهای اجتماعی	
	۳. آسیب‌شناسی در حوزه مراسم‌های دینی و جشن‌های مذهبی	

ده. موضوعات حقوقی<sup>۱</sup>

۱. ساختار حکومت امام زمان 7 و مقایسه آن با حکومت‌های فعلی	الف) حقوق عمومی
۲. حقوق متقابل مردم و حکومت امام زمان 7	
۳. جایگاه شورا و مشورت در حکومت امام زمان 7	
۴. شیوه مشارکت مردم در نظام سیاسی و حکومتی امام زمان 7	
۵. نظارت متقابل دولت و مردم در حکومت امام زمان 7	
۶. قانون و قانون‌گذاری در حکومت جهانی حضرت مهدی 7	
۷. مفهوم حاکمیت در حکومت مهدوی	
۱. احوال شخصیه اقلیت‌های دینی در حکومت امام زمان 7	ب) حقوق خصوصی
۲. مالکیت خصوصی و حدود آن در حکومت مهدوی	
۳. تابعیت و شهروندی در حکومت امام زمان 7	
۱. حقوق بین‌الملل و حکومت جهانی حضرت مهدی 7	ج) حقوق بین‌الملل
۲. معاهدات بین‌المللی در حکومت امام زمان 7	
۳. جایگاه سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در حکومت جهانی امام زمان 7	
۴. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان در حکومت جهانی حضرت مهدی 7	
۱. مبانی قضاوت و داوری در حکومت امام زمان 7	د) حقوق جزا
۲. اجرای حدود در عصر ظهور	
۳. شیوه‌های پیش‌گیری از جرائم در حکومت امام زمان 7	
۴. سیاست کیفری حکومت امام زمان 7	
۵. آیین دادرسی در حکومت مهدوی	

۱. از بانک موضوعات مؤسسه آینده روشن استفاده شده است.

۱. اصل مساوات و برابری در حکومت جهانی حضرت مهدی 7	ه) حقوق بشر
۲. آزادی اندیشه و بیان در حکومت امام زمان 7	
۳. شیوه برخورد امام زمان 7 با مخالفان سیاسی خود	
۴. آزادی و حدود آن در حکومت مهدوی	
۵. کرامت انسانی و حق تعیین سرنوشت در حکومت امام زمان 7	
۶. حقوق مدنی - سیاسی در حکومت امام زمان 7	
۷. حقوق زن در حکومت حضرت مهدی 7	
۸. حقوق شهروندی در حکومت جهانی مهدوی	
۹. توسعه و رفاه اجتماعی در حکومت جهانی حضرت مهدی 7	
۱۰. حریم خصوصی شهروندان در حکومت امام زمان 7	
۱۱. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حکومت امام زمان 7	

### یازده. موضوعات سیاسی<sup>۱</sup>

الف) اندیشه سیاسی عصر غیبت صغری (ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی غیبت صغری)	
۱. ضرورت‌های سیاسی اجتماعی غیبت کبری	ب) اندیشه سیاسی عصر غیبت کبری
۲. تأثیرات عصر غیبت بر نظریه سیاسی شیعه	
۳. جایگاه مهدویت در اندیشه سیاسی اسلام	
۴. سیمای سیاسی منتظران	
۵. موعودگرایی در اندیشه سیاسی شیعه	
۶. ولایت فقیه و حل معضلات سیاسی اجتماعی جامعه اسلامی در غیاب امام معصوم 7	
۷. حکومت مطلوب در عصر غیبت	
۸. آثار سیاسی - اجتماعی اعتقاد به مهدویت	

۱. از بانک موضوعات پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی استفاده شده است.



۹. انتظار و نظریه پایان تاریخ	
۱۰. مسئولیت دولت اسلامی و نهادهای آن در ترویج فرهنگ مهدویت	
۱۱. مهدویت در اندیشه سیاسی اهل سنت	
۱۲. تلقی و برداشت مدرنیسم از مسئله مهدویت و انتظار	
۱۳. تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت	
۱۴. آسیب‌شناسی انتظار در جامعه اسلامی	
۱۵. نقش مهدویت در بازآفرینی هویت اسلامی	
۱۶. تحقق عدالت مهدوی در عصر غیبت	
۱۷. راه کارهای اجرایی عدالت مهدوی در عصر غیبت	
۱۸. چالش‌ها و موانع تحقق عدالت مهدوی در عصر غیبت	
۱۹. فرهنگ انتظار و اندیشه پیروزی حق بر باطل	
۱. زمینه‌های سیاسی اجتماعی حکومت جهانی حضرت مهدی ۷	ج) آستانه ظهور
۲. نقش و جایگاه مردم در شکل‌گیری حکومت امام زمان ۷	
۳. فرآیند شکل‌گیری یاران حضرت مهدی ۷ در آستانه ظهور	
۴. وضعیت سیاسی جهان در آستانه ظهور	
۵. وضعیت سیاسی جهان اسلام در آستانه ظهور	
۶. جایگاه تسلیحات مدرن در قیام حضرت مهدی ۷	
۷. عملکرد قدرت‌های استکباری هنگام قیام امام زمان ۷	
۱. نقش و جایگاه مردم در حکومت امام زمان ۷	د) عصر ظهور
۲. سیمای مدینه فاضله مهدوی	
۳. حکومت امام زمان ۷ و چالش‌های سیاسی فراروی آن	
۴. مفهوم سیاست در مدینه فاضله مهدوی	
۵. صلح و امنیت در حکومت جهانی حضرت مهدی ۷	
۶. سیره سیاسی و حکومتی حضرت مهدی ۷	

۷. حکومت امام زمان و رابطه دین و سیاست	
۸. تساهل و تسامح در حکومت امام زمان ۷	
۹. الگوی توسعه سیاسی در حکومت حضرت مهدی ۷	
۱۰. الگوی مدیریت سیاسی در دولت مهدوی	
۱۱. اهداف و آرمان‌های سیاسی حکومت امام زمان ۷	
۱۲. جایگاه مخالفین در حکومت حضرت مهدی ۷	
۱۳. انتقاد سیاسی و مسئولیت‌پذیری در حکومت جهانی حضرت مهدی ۷	
۱۴. الگوی فرهنگ سیاسی در حکومت جهانی حضرت مهدی ۷	
۱۵. مبانی مشروعیت در نظام سیاسی مهدوی	
۱۶. ماهیت قدرت سیاسی در حکومت جهانی حضرت مهدی ۷	
۱۷. الگوی توسعه سیاسی در دولت مهدوی	
۱۸. مبانی و حدود آزادی سیاسی در حکومت جهانی حضرت مهدی ۷	
۱۹. جایگاه حکومت جهانی حضرت مهدی ۷ در میان تئوری‌های حکومت	
۲۰. راه کارها و ابزارهای اجرایی عدالت در حکومت امام زمان ۷	
۲۱. سازوکار عدالت در نظام سیاسی مهدوی	
۱. شرایط سیاسی اجتماعی جهان اسلام در عصر غیبت صغری	ه) جامعه‌شناسی سیاسی عصر غیبت صغری
۲. بررسی وضعیت سیاسی اجتماعی شیعیان در عصر غیبت صغری	
۳. نقش نواب خاص در مدیریت جامعه اسلامی	
۴. جایگاه سیاسی اجتماعی نهاد و کالت	
۵. عملکرد سیاسی مدعیان نیابت	
۶. بررسی اقدامات ستیزه‌جویانه خلفای عباسی در مواجهه با آخرین امام	
۷. زمینه‌سازی سیاسی ائمه برای ورود شیعیان به غیبت صغری	

۱. سیمای سیاسی منتظران	(و) جامعه‌شناسی سیاسی عصر غیبت کبرا
۲. جریان‌شناسی مهدوی در دوران معاصر	
۳. جریان‌شناسی سیاسی متمدیان در تاریخ اسلام	
۴. ماهیت و عملکرد سیاسی و اجتماعی انجمن حجتیه، آثار و پی‌آمدهای آن	
۵. نقد و بررسی عملکرد گروه‌ها و جریان‌های سیاسی اجتماعی فعال در زمینه مهدویت	
۶. نقش منجی‌گرایی در جنبش‌های اسلامی	
۷. کارکرد سیاسی اجتماعی نماز جمعه و دعای ندبه و... در عصر غیبت	
۸. نقش حکومت ولایی در زمینه‌سازی حکومت جهانی حضرت مهدی ۷	
۹. شیوه‌های ترویج فرهنگ مهدوی در جامعه اسلامی	
۱۰. کارکردهای سیاسی فرهنگ مهدوی در جامعه اسلامی	
۱۱. رسانه‌ها و مهدویت	
۱۲. آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی مهدویت در جامعه اسلامی	
۱۳. نقش مهدویت در انقلاب اسلامی	
۱۴. شگردهای سیاسی نظام رسانه‌ای غربی در مقابله با فرهنگ مهدویت	
۱۵. موضع سیاسی غرب در مقابل فرهنگ مهدویت	
۱. نقش جنگ و خشونت در انقلاب حضرت مهدی ۷	(ز) جامعه‌شناسی سیاسی آستانه ظهور
۲. وضعیت سیاسی جهان در آستانه ظهور	
۳. وضعیت سیاسی و اجتماعی مسلمانان در آستانه ظهور	
۴. فرآیند شکل‌گیری لشکر و یاران حضرت مهدی ۷	
۵. موضع دشمنان و مخالفان سیاسی حضرت در آستانه ظهور	

۱. ویژگی‌های کارگزاران حکومت امام زمان 7	ح) جامعه‌شناسی سیاسی عصر ظهور
۲. جایگاه احزاب و گروه‌های سیاسی در حکومت امام زمان 7	
۳. نقش و جایگاه زنان در حکومت حضرت مهدی 7	
۴. طبقات اجتماعی و جایگاه آنان در حکومت امام زمان 7	
۵. جایگاه نخبگان در حکومت حضرت مهدی 7	
۶. مدینه فاضله و حکومت امام زمان 7	
۱. دیدگاه و عملکرد مسیحیت صهیونیسم درباره مهدویت	ط) مباحث تطبیقی
۲. مفهوم عدالت در گفتمان مهدویت و اندیشه‌های سیاسی غرب	
۳. منجی‌گرایی در نظریه‌های سیاسی معاصر	
۱. نظم نوین جهانی و ارتباط آن با حکومت جهانی امام زمان 7.	ی) روابط بین‌الملل
۲. جهانی‌شدن و حکومت امام زمان 7، تعامل یا تعارض	
۳. آثار و پیامدهای جهانی‌شدن و مسئله مهدویت	
۴. وضعیت قدرت‌ها در آستانه ظهور	

### دوازده. موضوعات فرجام‌شناسی و آینده‌پژوهی<sup>۱</sup>

۴. پوپر و جامعه باز و دشمنانش	۱. مارکس و جامعه بی‌طبقه	الف) فرجام‌گرایی در میان مکاتب غربی
۵. هانتینگتون و برخورد تمدن‌ها	۲. نیچه و بازگشت جاودانه	
۶. فرانسیس فوکویاما و پایان تاریخ	۳. اشپینگر و بازگشت تمدن‌ها	
۱. بررسی نظریات ادواری فلسفه تاریخ (ابن‌خلدون، اشپینگر، توین‌بی)	ب) بررسی نظریات فلسفه تاریخ	
۲. بررسی نظریات تکاملی فلسفه تاریخ (کانت، هگل، مارکس)		
۳. بررسی قیام و انقلاب امام مهدی 7 از منظر فلسفه تاریخ		

۱. از بانک موضوعات پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی استفاده شده است.

۵. فارابی	۳. فرانسیس بیکن ۴. آگوستین	۱. افلاطون ۲. تامس مور	ج) مدینه‌های فاضله فیلسوفان و مقایسه آنها با اندیشه مهدویت
۱. چشم‌انداز تمدن اسلامی با تاکید بر چشم‌انداز آرمانی مهدویت			د) مهدویت و انقلاب اسلامی
۲. مهدویت و نقش آن در آینده‌تمدنی اسلام			
۳. انقلاب اسلامی و تحلیل آینده‌پژوهانه از نشانه‌های ظهور			
۴. انقلاب اسلامی و آینده‌پژوهی جریان‌ات انحرافی مهدویت			

### نتیجه‌گیری

گرچه خاستگاه اولیه مدیریت دانش برای بهره‌وری بیشتر سازمان‌ها و نهادهای مختلف بوده، اما با توجه به کارایی و اهمیت آن، به حوزه مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف علوم به‌ویژه علوم انسانی نیز وارد گردید و از این راه می‌تواند کمک فراوانی به روان‌سازی تبادل اطلاعات داشته باشد. لازم است پژوهشگران، مراکز و نهادهای پژوهشی، مدیریت دانش در حوزه معارف مهدوی را با هماهنگی، مشارکت و همکاری جدی بگیرند و آن را یک ضرورت انکارناپذیر که دارای فواید بسیاری است مورد توجه قرار دهند.

مدیریت دانش مهدوی را می‌توان در چند حوزه ذیل پیگیری کرد:

الف) موضوعات و مسایل مهدوی؛ ب) منابع مکتوب و دیجیتال مهدوی؛ ج) مراکز و نهادهای مهدویت پژوه؛ د) اشخاص حقیقی کارشناس و عالم به مباحث مهدوی.

در این مقاله با هدف تشکیل مدیریت دانش مهدوی، مهم‌ترین موضوعات و مسایل مرتبط با مهدویت که نیازمند پژوهش است، بررسی شد. این موضوعات ابتدا در دو حوزه کلی تقسیم گردید:

الف) موضوعات برون‌دینی و بین‌الادیانی با محوریت باور به منجی موعود، ب) موضوعات درون‌دینی، با محوریت باور به مهدویت اسلامی. موضوعات درون‌دینی نیز به چند دسته تقسیم گردید:

۱. موضوعات قرآنی؛ ۲. موضوعات حدیثی؛ ۳. موضوعات کلامی؛ ۴. موضوعات

جدید کلامی؛ ۵. موضوعات عرفانی؛ ۶. موضوعات اخلاقی؛ ۷. موضوعات تربیتی؛ ۸. موضوعات روان‌شناختی؛ ۹. موضوعات اجتماعی؛ ۱۰. موضوعات حقوقی؛ ۱۱. موضوعات سیاسی؛ ۱۲. موضوعات فرجام‌شناسی و آینده‌پژوهی.

در نهایت با هدف روان‌سازی تبادل اطلاعات و تسهیل در امر پژوهش‌های مهدوی، برای هر یک از موضوعات یادشده، ریز موضوعات و مسایل مختلفی که می‌تواند نیازمندی‌های موضوع‌شناسی را در حوزه مهدویت پاسخ‌گو باشد، ذکر شده است.

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۵ق)، احادیث المهدی من مسند ابن حنبل، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اخوان، پیمان و روح‌الله باقری (۱۳۹۵)، مدیریت دانش از ایده تا عمل، چ ۷، تهران: نشر آتی‌نگر.
۴. اخوان، پیمان و الهام جودی (۱۳۹۳)، گام‌های عملیاتی مدیریت دانش، چ ۲، تهران: نشر آتی‌نگر.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۳ق)، کشف الغمہ فی معرفہ الانمہ، بیروت: نشر دارالاضواء.
۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۰ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: مکتبۃ العصریہ.
۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر جلال‌الدین (۱۴۲۴ق)، الحاوی للفتاوی، بیروت: دارالطباعه و النشر.
۸. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۲)، بشارات عهدین، تهران: نشر امید فردا.
۹. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق)، بحث حول المهدی، با مقدمه دکتر عبدالجبار شراره، قم: دایرة المعارف فقه اسلامی.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، چ ۲، تهران: نشر اسلامی.
۱۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۳۹۸ق)، المعجم‌الکبر، مصر: مکتبۃ ابن تیمیہ.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق)، الغیبة، چ ۱، قم: دارالمعارف الاسلامیہ.
۱۴. عباد، محسن (۱۴۰۰ق)، «الردّ علی من أنکر أحادیث المهدی»، بی‌جا: مجلّہ: الجامعة الاسلامیة، ش ۴۵.

۱۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ق)، «عقیده أهل السنة و الأثر في المهدى المنتظر»، بی‌جا: مجله: الجامعة الاسلامیه، ش ۳.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ ۴، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. گنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴ق)، البیان فی اخبار صاحب الزمان، بیروت: احیاء التراث اهل البيت ۸.
۱۹. متقی هندی، علی بن حسام (۱۴۱۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق)، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، چ ۳، قم: نشر مسجد جمکران.
۲۳. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷ق)، الغیبه، چ ۱، تهران: نشر صدوق.



## مدیریت اطلاعات و علم‌سنجی پیش‌نیاز تمدن‌سازی نوین اسلامی

سیدعلی سادات فخر\*

### چکیده

تفاوت مسئله ما با گذشتگان در تفاوت نگرش به طبقه‌بندی علوم و رده‌بندی منابع است. مبنای طبقه‌بندی آنان، ماهیت و هدف علوم بود. برای نمونه فارابی در سرآغاز کتاب ارزشمند احصاء العلوم همه علوم را در پنج طبقه ساماندهی کرده است. اما در عصر مدرن مدیریت جزئیات دانش و مدارک، اصل هزینه و فایده و پیدا کردن خلأهای دانشی مبنای رده‌بندی منابع است. طبقه‌بندی علوم برای تمدن گذشته اسلامی مناسب بود؛ اما برای تمدن‌سازی نوین اسلامی نیازمند مدیریت اطلاعات و علم‌سنجی هستیم؛ زیرا در عصر دیجیتال، داده‌ها و اطلاعات با سرعتی سرسام‌آور در حال افزایش است و باید روش‌هایی برای بهره‌بردن از آن‌ها به وجود آورد. ابزارهای سازماندهی و مدیریت اطلاعات نقش قابل توجهی در این زمینه دارند؛ البته داده‌کاوی مهم‌ترین آن‌هاست.

هدف از انقلاب اسلامی در ایران ایجاد تمدن جدید متمایز از تمدن غرب است. تمدن‌سازی نوین اسلامی رسالتی است که ضرورت دارد همگان برای تحقق آن تلاش نمایند. پرسش اصلی این پژوهش نیز آن است که برای تمدن‌سازی نوین اسلامی در حوزه طبقه‌بندی علوم و رده‌بندی منابع چه باید کرد؟ روش پژوهش کتاب‌خانه‌ای است و بر نظریه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی مبتنی است. نتیجه‌ای که این پژوهش در پی دارد، به کارگیری ابزارهای سازماندهی اطلاعات، داده‌کاوی و علم‌سنجی است تا بتوان وضعیت موجود را شناسایی کرد و با نیازسنجی پژوهشی، راهنمای علمی تمدن‌سازی نوین اسلامی شد.

### کلیدواژه‌ها

سازماندهی اطلاعات، مدیریت اطلاعات، تمدن اسلامی، علم‌سنجی، داده‌کاوی.

## پیشینه

پس از نزول قرآن کریم، پیامبر گرامی اسلام ۹ گروهی را برای نوشتن وحی مامور کردند که به «کاتبان وحی» شهره یافتند. نخستین کاتب وحی، امام امیر المومنین علی ۷ و پس از او زید بن ثابت بود (الاشیقر، ۱۴۰۸: ص ۱۱۵).

پس از رحلت آن حضرت، در حوزه روایات چنین اتفاقی رخ نداد؛ بلکه مسلمانان را از نوشتن حدیث منع کردند (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۲۸)، به همین دلیل، روایات به صورت شفاهی منتقل می‌شد و فقط در دوره عمر بن عبد العزیز چند سالی منع کتابت روایات برداشته شد؛ اما پس از مرگ وی، دوباره وضعیت منع نوشتن حدیث برقرار شد و تا زمان خلافت منصور عباسی در سال ۱۴۳ هجری قمری ادامه پیدا کرد (عسکری، ۱۴۱۶، ج ۲: ص ۷۰۶). از آن زمان به بعد، مسلمانان با اشتیاق فراوان به جمع‌آوری و تدوین روایات روی آوردند.

پس از آزادشدن نوشتن روایات مسئله صداقت، وثاقت و... راویان مهم‌ترین چالش برای دانشمندان شد؛ زیرا در این دوره طولانی (بیش از صد سال)، افرادی توانستند روایات ساختگی قابل توجهی با هدف ایجاد انحراف در عقیده، احکام و ارزش‌های اسلامی در میان مسلمانان رواج دهند. اهمیت و ضرورت شناخت صداقت راویان و صحت روایت به قدری زیاد بود که نخستین فهرست‌گان در جهان اسلام در این حوزه به وجود آمدند. در نوشتار به برخی از منابع مرجع متقدم در این حوزه اشاره می‌شود.

فهرست‌گانی برای تراجم و رجال اهل سنت از قبیل: کتاب الطبقات، خلیفه بن خیاط (۲۴۰ق)، اخبار الموفقیات، زبیر بن به‌کار (۲۵۶ق)، کتاب الضعفاء الکبیر، بخاری (۲۵۶ق)، تاریخ الثقات، ابوالحسن عجلی (۲۶۱ق) و فهرست‌گانی برای تراجم و رجال شیعه همانند: احوال الرجال، جوزجانی (۲۵۶ق)؛ رجال برقی، برقی (۲۸۰ق)؛ رجال نجاشی، نجاشی (۴۵۰ق)؛ فهرست طوسی، شیخ طوسی (۴۶۰ق).

درباره این پرسش که کتاب‌خانه در چه تاریخی در جهان اسلام به وجود آمده، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. از جمله دیدگاه‌های معتبر آن است که پس از محرومیت خالد بن یزید از سلطنت در دوره زمامداری امویان، وی به جمع‌آوری کتاب

پرداخت و به کتاب‌های کیمیاگری علاقه زیادی داشت. گفته شده مکان نگهداری کتاب‌های وی «خزانه الکتب» نام داشت (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۴: ص ۷۰).

اما اولین کتاب‌خانه در جهان اسلام را هارون الرشید پایه‌گذاری کرد که در «بیت الحکمه» قرار داشت. بر مکیان ایرانی تبار در خرید کتاب، ترجمه آن‌ها و اداره کتاب‌خانه نقش بی‌بدیلی داشتند. تاسیس کتاب‌خانه بیت الحکمه با پشتیبانی همه‌جانبه دستگاه خلافت عباسی نخستین سنگ‌بنای ایجاد کتاب‌خانه‌های بزرگ در جهان اسلام را گذاشت (ر.ک: ابن‌قتیبه، ۱۹۹۲: ص ۳۴).

رقابت میان حکومت‌های مختلف اسلامی در بغداد، مصر و اندلس باعث شد در مصر و اندلس نیز کتاب‌خانه‌های بزرگی تاسیس شود. کتاب‌خانه قرطبه بیش از ششصد هزار جلد کتاب داشته است و فهرست آن ۴۴ جلد بوده است. کتاب‌خانه فاطمیان در قاهره با عنوان «دار الحکمه» معروف بود. رده‌بندی این کتاب‌خانه بر اساس طبقه‌بندی علوم بود و در نتیجه، چهل کتاب‌خانه مستقل پدید آمده بود (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۴: ص ۷۲ - ۷۸).

با گذشت چند قرن، مسئله دانشمندان جهان اسلام تفاوت کرده است و آنان از صداقت و وثاقت راویان احادیث فراتر رفته و با مسائل چندوجهی روبه‌رو بودند. مسئله نخست آنان، دانستن اسامی نویسندگان، آثار و موضوع تالیف آنان بود تا برای تالیف یا تصنیف کتاب و رساله جدید، بدانند که دیگران چه چیزهایی نوشته‌اند. مسئله دوم آنان، طبقه‌بندی کتاب‌ها در کتاب‌خانه‌های بزرگ بود؛ زیرا با مشکل بزرگی برای دسترسی به منابع روبه‌رو بودند و باید راه‌حلی برای آن ارائه می‌دادند.

راه‌حل مسئله نخست، چندان پیچیده نبود؛ اما به‌لحاظ اجرایی اطلاع‌یابی از کتاب‌های نوشته‌شده، دیدن کتاب‌ها از نزدیک، تایید خط، تایید انتساب نوشته به مولف و مصنف و... با امکانات آن روزگار کار بسیار سختی بود؛ اما بزرگانی پرهمت این کار سترگ را انجام دادند و سیاهه نویسندگان و تالیفات آن‌ها را تدوین کردند. همچون: الفهرست، ابوالفرج بن اسحاق بن ندیم (۳۸۵ق)؛ عیون الاخبار، ابن‌ابی‌اصیبه (۶۱۶ق)؛ کشف الظنون، حاجی خلیفه (۱۰۶۷ق)؛ معجم المؤلفین و مستدرک، عمر رضا کحاله (۱۳۷۶ق)؛ الاعلام، زرکلی (۱۳۸۹ق)؛ الذریعه، آقا بزرگ تهرانی (۱۳۸۹ق).

راه‌حل مسئله دوم، بسیار پیچیده بود؛ زیرا فهرست‌گان راویان احادیث، نویسندگان آثار

و عناوین کتاب‌ها و رسائل نمی‌توانست برای رده‌بندی انبوه کتاب‌ها در کتاب‌خانه‌های جهان اسلام مفید باشند؛ زیرا هدف نویسندگان این فهرست‌گان، گزارش اعتبار نویسنده، عناوین و تعداد اثر و مشخصات نویسنده بود؛ البته اگر در این منابع روش‌هایی برای طبقه‌بندی علوم یا کتاب‌ها ارائه شده، هدف فرعی بوده است.

گفته شده قدیمی‌ترین طبقه‌بندی از ابوحنیفان توحیدی (۲۰۰ق) است، پس از آن، کتاب فی اقسام العلوم الانسی و کتاب فی ماهیه العلم و اصنافه از الکندی است (طاهری عراقی، ۱۳۷۶: ص ۹). معروف‌ترین کسی که ساخت‌دهی علوم را در تمدن اسلامی آغاز کرد، فارابی بود. وی در سال ۲۵۹ هجری قمری در فاراب به دنیا آمد و در سنه ۳۳۹ در دمشق دارفانی را وداع کرد. وی در کتاب معروفش احصاء العلوم دانش‌های متداول یا اصلی‌ترین آن‌ها را در هشت دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: زبان‌شناسی، منطق، علم تعلیمی، علم طبیعی، علم الهی، علم مدنی، علم فقه، علم کلام؛ البته همه این علوم، اجزائی دارند. ایشان هدف از این فعالیت علمی را مقایسه میان علوم گرفته تا مشخص شود که کدام علم انفع و کدام افضل است. چه علمی اتقان دارد و چه علمی اطمینان‌آور است و چه علمی قوی است. کدام علم ضعیف و کدام اضعف است؛ در نتیجه، هر کسی که بخواهد به آموزش علمی پردازد، نخست باید از این راه اقدام کند تا هویت و ارزش آن را به دست آورد و با بصیرت به آموختن آن علم پردازد (فارابی، ۱۹۹۶: ص ۱۵ - ۱۶). این سخنان فارابی به روشنی بیان می‌کند که هدف از طبقه‌بندی علوم در گذشته مدیریت اطلاعات نبوده است.

ادامه این کار به وسیله بسیاری از دانشمندان جهان اسلام از جمله ابوالحسن عامری (۳۸۱ق) در کتاب الاعلام بمناقب الاسلام؛ ابو عبدالله کاتب خوارزمی (۳۸۷ق) در کتاب مفاتیح العلوم؛ شعیا بن فریغون (۳۹۳ق) در کتاب جوامع العلوم؛ علی بن احمد بن حزم اندلسی (۴۵۶ق) در کتاب مراتب العلوم؛ فخر رازی (۶۰۶ق) در کتاب جامع العلوم ستینی و محمد بن ابراهیم سنجاری (۷۴۹ق) در کتاب ارشاد القاصد الی اقصی المقاصد پیگیری شد. در این کتاب‌ها، مبانی تقسیم و طبقه‌بندی علوم متفاوت است. یا دو طبقه: وحی و عقل است، یا هفت طبقه: زبان، منطق، ریاضیات، طبیعی، الهی و مدنی است، یا علوم عرب و غیرعرب است، یا حکمت نظری و حکمت عملی است، یا علوم خاص یک ملت (شریعت،

اخبار و لغت) و علوم مشترک میان ملل است، یا علم شرعی و غیرشرعی است و در نهایت، طبقه‌بندی که هیچ مبنایی برای آن ارائه نشده است آن گونه که فخر رازی در جامع العلوم سستی علوم در شصت طبقه دسته‌بندی کرده است (شهرزوری، ۱۳۸۳: ص ۲۴ - ۳۲).

آنچه این پیشینه طبقه‌بندی تمدنی اسلامی را برجسته می‌کند، ریشه گرفتن این طبقه‌بندی از آموزه‌ها و ارزش‌های بومی اسلامی است و اگر اطلاعاتی از دیگر تمدن‌ها گرفته شده، در تمدن اسلامی هضم و بومی‌سازی شده بود. جایگاه طبقه‌بندی علوم اسلامی به اندازه‌ای رفیع است که از آن به‌عنوان علم یاد شده و طاش کبری‌زاده آن را با عنوان «علم تقاسیم العلوم» نام برده است و رده‌بندی آن از عام‌ترین علم که علم الهی است آغاز و سپس رده به رده خاص می‌شود (کبری‌زاده، ۱۴۰۵ق: ص ۱۹۸ و ۳۳۲).

### بیان مساله

چرا پیشینیان از علمای اسلام چنین ساختار هرمی برای طبقه‌بندی علوم طراحی کرده بودند؟ واقعیت این است که جامعیت و مانعیت، معیار برجسته آنان بود. گرچه امروزه نیز برخی آن را معتبر دانسته و برخی آن را نامفهوم می‌دانند و گروهی آن را بی‌فایده می‌دانند؛ زیرا کاربرد تعداد دقیق اقسام مرتبط را در کل پایگاه داده‌ها نمی‌دانند، پس جامعیت از دیدگاه کاربر قابل‌محاسبه و دست‌یافتنی نیست. البته تنوع سلیقه‌ها در رده‌بندی، مسئله زبان، علوم رفتاری، معماری سیستم، مصورسازی داده‌ها، فیلترها، رابط کاربر، مقوله‌بندی سند نیز چالش‌هایی است که جامعیت و مانعیت را در طرف طبقه‌نویس نیز با ابهام روبه‌رو ساخته است (ر.ک: فدائی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۹ - ۱۲۱).

با نگاه به این طبقه‌بندی‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که مسئله پیشینیان در این موضوع، بیان ارتباط یا ایجاد ارتباط میان علوم رایج در آن دوره بوده است تا مرز دانش‌ها از یکدیگر قابل شناسایی باشد، موضوعات و مسائل علوم از یکدیگر تفکیک شود و روش تجزیه، تحلیل و استنباط در علوم مشخص شود؛ اما این طبقه‌بندی‌ها در کتاب‌خانه‌های جهان اسلام برای مدیریت اطلاعات به‌معنای امروزی و مدرن نبوده است. افزون بر این، مسئله آنان کتاب‌سنجی در کتاب‌خانه نبوده است. اکنون جای بیان مساله این مقاله است که در دوره معاصر اگر ماموریت تمدن‌سازی نوین اسلامی باشد،

چه پیش‌نیازی در حوزه علوم به‌لحاظ مدیریت اطلاعات وجود دارد؟ برای توضیح این مسئله باید به این واقعیت‌های خارجی و تاریخی توجه کرد که در گذشته کتاب مهم‌ترین منبع به‌شمار می‌آمد و بهترین روش برای پیدا کردن کتاب در کتاب‌خانه‌های بزرگ، طبقه‌بندی علوم بود. کتاب‌داران نیز وظیفه قرارداد دادن کتاب‌ها در طبقه تعیین شده را داشتند؛ اما توصیف حوزه‌های علوم، بررسی میزان استفاده از متون، شناسایی نویسنده‌های تاثیرگذار چندان مورد توجه نبود. تغییر در همه عرصه‌های علمی و زیستی باعث شد در این حوزه نیز دگرگونی‌های مهمی رخ دهد و مطالعات کتاب‌سنجی، دانشی است که متکفل بررسی این مسئله است. سرعت تحولات در عصر دیجیتال به اندازه‌ای است که عمر نظریه‌ها به چند دهه نمی‌رسد و نظریه‌های جدید پدیدار می‌شوند و نظریه کتاب‌سنجی و علم‌سنجی از همین مقوله است.

### از کتاب‌سنجی به علم‌سنجی

نویسندگان زیادی همچون: فیثورن (۱۹۶۹)، لاوانی (۱۹۸۰)، هرتزل (۱۹۸۷)، بروکس (۱۹۸۸)، وایت و مک کین بر این باورند که کمپل، نخستین نفری بود که نظریه مطالعات کتاب‌سنجی را ابداع کرد.

مهم‌ترین ضرورت ابداع این نظریه، اطلاع‌یابی از موجودی منابع در کتاب‌خانه‌ها بود؛ زیرا با گسترش مراکز آموزشی و پژوهشی و اختراع ابزارهای چاپ کتاب تولید منابع علمی به ویژه کتاب در دهه‌های اخیر رشد فراوانی داشته است. خرید منابع، قرارداد دادن در قفسه‌های کتاب‌خانه، خدمات مطالعه در محل یا امانی، نگهداری و مراقبت از آسیب دیدن آن‌ها هزینه‌های بسیاری دارد. کتاب‌سنجی با مطالعه آماری، وضعیت استفاده از منابع موجود را بررسی کرده، همچنین درخواست خرید منابع را تحلیل نموده و به نیازهای استفاده‌کنندگان از کتاب‌خانه دسترسی پیدا کرده و منابع مالی را به این حوزه تخصیص و هدایت می‌کند؛ در نتیجه، کتاب‌خانه با انبوهی از منابع به‌ویژه کتاب‌های استفاده‌نشده روبه‌رو نخواهد شد که هزینه نگهداری یا وجین آن‌ها زیاد است.

کتاب‌سنجی فواید بسیاری در حوزه دانشی دارد که عبارتند از:

بهینه‌سازی روش دقیق اشاعه‌گزینشی اطلاعات؛ تا از منابع موجود در کتاب‌خانه‌ها

بیشترین بهره‌برداری ممکن صورت پذیرد و نقش کتاب‌خانه در توسعه مرزهای دانش ارتقاء یابد.

کتاب‌سنجی مرزهای دانش و دامنه ارتباطی علوم با یکدیگر را در رشته‌های مختلف علمی تعیین می‌کند. مهم‌ترین فایده این مرزبندی، شناسایی راه کار برای جایگاه‌شناسی علوم میان‌رشته‌ای است. مسئله، مرز علوم و ریزموضوعات آنها، تغییر مرز علوم با ارائه نظریه‌های جدید و در نتیجه، تحول در مرزبندی علوم و موضوعات میان‌رشته‌ای، بخشی مهم از چالش‌های سازماندهی و رده‌بندی منابع است و این وضعیت هر روز تشدید می‌شد (روستاک، ۱۳۹۵: ص ۴۲).

استفاده از مدل‌های آماری در حوزه کتاب‌سنجی این فایده بزرگ را دارد که استفاده از دانش‌های انباشته‌شده در منابع کتاب‌خانه را هموار و آسان می‌کند (نوروزی چاکلی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۱).

### انواع روش در سازماندهی منابع

از راه کارهای سازماندهی منابع با تاکید بر کتاب، مجله و پایان‌نامه، به کارگیری سرعنوان‌های موضوعی (Subject heading) است. سرعنوان‌های موضوعی، گروهی از واژگان پُر کاربرد و اصلی در علوم هستند که این قابلیت را دارند که همه مطالب مرتبط با آن واژه در زیر آن ساماندهی و آدرس‌دهی شوند. میان سرعنوان‌های موضوعی، روابط معنایی منطقی (مترادف، اعم و اخص) وجود ندارد؛ به همین دلیل، قابلیت ساختاردهی سلسله‌مراتبی ندارد. سبک نوشتاری سرعنوان موضوعی به صورت مقلوب است و آشنایی با آن به تمرین نیازمند است. شیوه رده‌بندی سرعنوان‌های موضوعی الفبایی است.

راه کار دیگر، اصطلاح‌نامه (Thesarusue) است. اصطلاح‌نامه، کاربردی دوگانه دارد؛ هم توانایی سازماندهی منابع را دارد و هم می‌تواند برای سازماندهی علوم به کار گرفته شود. در عصر دیجیتال که منابع اطلاعاتی با متن کامل رواج پیدا کرده است، اصطلاح‌نامه‌ها در مرحله نمایه‌سازی کارایی دارند؛ در مرحله کاوش پایگاه اطلاعاتی بسیار مفیدند و قابلیت ارائه نمایی ترسیمی و ساخت یافته از اطلاعات هر علمی را نیز دارند (ایچسن، گیکریست و بادن، ۱۳۸۵: ص ۶ - ۸). این راه کار، ویژگی‌ها و امتیازات بیشتری نسبت

به سرعنوان موضوعی دارد؛ زیر روابط میان اصطلاحات بر اساس روابط معنایی منطقی ایجاد می‌شود و به همین دلیل ساختار سلسله‌مراتبی از رده عام به خاص و بالعکس را دارد و چون اصطلاحات علوم را پوشش می‌دهد، قدرت آدرس‌دهی دقیق‌تر، بازیابی جامع و مانع و در نهایت، پوشش همه دامنه اطلاعات و مدارک را دارد (ر.ک: یعقوب‌نژاد، ۱۳۷۶: ص ۱۳ - ۱۵).

تشابه‌ها و تمایزهایی میان سرعنوان موضوعی و اصطلاح‌نامه وجود دارد. تفاوت‌های نظری، کاربردی و کارایی میان این دو ابزار سازماندهی باعث شده است که هر یک طرف‌داران خاص خود را داشته باشد. تشابه این دو در وام‌دار بودن به دانش زبان‌شناسی است. به ترتیب به این حوزه‌ها بیشتر وابسته‌اند: آواشناسی، معناشناسی، ساخت واژه و نحو (اگرادی و دیگران، ۱۳۸۰: ص ۲۰۸).

راه کار دیگر، طرح‌های رده‌بندی متنوعی است که در سراسر جهان برای سازماندهی اطلاعات ارائه و برخی از آن‌ها اجرایی شده است. طرح‌های رده‌بندی شبیه «*LC, UDC, DDC*»؛ گرچه برای چندین دهه به خوبی از عهده سازماندهی میلیون‌ها منبع اطلاعاتی در کتاب‌خانه‌ها برآمدند؛ اما این روش‌های سازماندهی نمی‌توانند از عهده حجم عظیم اطلاعات در عصر دیجیتال برآیند. دلایل این عدم توانایی در زیر اشاره می‌شود:

طرح‌های رده‌بندی منابع کتاب‌خانه بر منابع اطلاعاتی ویژه (کتاب، مقاله، پایان‌نامه، کنفرانس و...) متمرکز است؛ اما اطلاعات در عصر دیجیتال، بسیار گسترده‌تر و متنوع‌تر است و ارزش افزوده آن‌ها، کمتر از ارزش افزوده اطلاعات منابع کتاب‌خانه‌ای نیست.

هدف اصلی از طرح‌های رده‌بندی، پیدا کردن جای مناسب برای قراردادن منبع در مکان مناسب با رشته و موضوع علمی مربوطه است تا دسترسی به منبع در کتاب‌خانه‌های فیزیکی آسان و سریع انجام شود؛ اما در عصر دیجیتال اطلاعات در مکان‌های گوناگون، پراکنده‌اند. مسئله اصلی، بازیابی اطلاعات مورد نیاز با بیشترین تناسب و کمترین خطاست.

طرح‌های رده‌بندی، وابسته به مداخله منابع انسانی هستند و هر منبع اطلاعاتی باید به وسیله شخص یا گروهی مطالعه اجمالی و سپس برچسب لازم به آن زده شود؛ از قبیل:



اصطلاح، نمایه، سرعنوان موضوعی، کد و... اما اطلاعات انبوه در عصر دیجیتال امکان ندارد با مداخله انسانی برچسب‌گذاری شود (چودهارى، ۱۳۹۱: ص ۲۱).

در نتیجه، انواع روش سازماندهی منابع کارایی فراوانی از خود نشان داده‌اند؛ اما تحول در حوزه دیجیتال و تولید انبوه اطلاعات با فرمت‌های گوناگون، الزامات جدیدی را برای سازماندهی اطلاعات به همراه آورده است. باید به صورت شفاف به تحلیل وضعیت جدید پرداخت و ماموریت‌ها را مشخص کرد. گاه ماموریت در اندازه سازماندهی منابع کتاب‌خانه است؛ اما گاه ماموریت در سطح مدیریت اطلاعات و علم‌سنجی برای تمدن‌سازی است. این دو ماموریت، ابزارها، امکانات مادی، منابع انسانی و... متفاوتی نیاز دارند.

### تحلیل وضعیت جدید و گستره طبقه‌بندی علم

عصر جدید قابل مقایسه با عصر قدیم به لحاظ تولید داده و اطلاعات نیست. به همین دلیل، عصر جدید را عصر اطلاعات یا عصر دیجیتال نامیده‌اند. افزایش سرسام‌آور منابع علمی نوشتاری همانند: کتاب، مجله، روزنامه، و منابع غیرکتابی از قبیل: نقاشی‌ها، طومارها، عکس‌ها، فیلم‌ها، صداها، تمبرها، اطلس‌ها، تندیس‌ها، احکام و اسناد دولتی و... بخش بزرگ دیگری از منابع اطلاعاتی و داده هستند که هر روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود.

از مهم‌ترین مسائل عصر جدید، دسترس‌پذیری اطلاعات، بازیابی فوری و اشاعه‌گزینی آن‌ها است؛ اما مسئله اصلی در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی، مدیریت دانش است؛ زیرا تمدن‌ها بر پایه ارزش‌ها و دانش‌ها ساخته می‌شوند. در حوزه دانشی باید مدیریت دانش صورت پذیرد تا متناسب با نیازها به توسعه مرزهای دانش پرداخته شود.

گستره طبقه‌بندی علم به طبقه‌بندی پدیده‌ها و داده‌ها، طبقه‌بندی نظریه‌ها، طبقه‌بندی روش‌ها، طبقه‌بندی رویه‌ها، طبقه‌بندی مدارک علمی و در نهایت، ایجاد پیوند میان طبقه‌بندی‌ها (زوستاک، ۱۳۹۵: ص ۲۳) از موضوعات مهم علم مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی است.

## مدیریت اطلاعات

دسترسی به اطلاعات مورد نظر از میان انبوه اطلاعات پراکنده، نیاز به مدیریت اطلاعات<sup>۱</sup> دارد. اهداف مدیریت اطلاعات، گاه برای دسترسی به جزئیات دانش است تا بتوان مرزهای دانش را توسعه داد و گاه هدف اقتصادی وجود دارد تا بتوان از اطلاعات، ارزش افزوده به دست آورد؛ البته اهداف، سیاسی، امنیتی، نظامی، فرهنگی و... نیز وجود دارد. میزان موفقیت کاربر در رسیدن به اطلاعات درخواستی، تعیین کننده میزان کارایی مدیریت اطلاعات است. نکته مهم این است که کارایی مدیریت اطلاعات نباید وابسته به حجم اطلاعات شود. به این معنا که هر چه حجم اطلاعات بیشتر شود، کارایی آن در سمت کاربر نباید کاهش یابد و اطلاعات بازیابی شده، انتظارات و نیازهای کاربر را برآورده نکند و از سوی دیگر، افزایش حجم اطلاعات نتواند باعث بی نظمی سازماندهی شود (کلیند، ۱۳۸۵: ص ۴۷).

عبور از سازماندهی اطلاعات به مدیریت اطلاعات، بیانگر این واقعیت است که دسترسی سریع، آسان و دقیق به اطلاعات، هدفی فرعی و درجه دوم شده است و در عصر دیجیتال اهداف بزرگ‌تر و مهم‌تری به وجود آمده است که علم‌سنجی و مدیریت دانش نام دارد. به همین دلیل، نیاز به ابزار تکمیلی دیگری وجود دارد که «داده کاوی» نام دارد.

## علم‌سنجی به روش داده کاوی

در منابع علمی تعاریف گوناگونی برای داده کاوی ارائه شده است:

شافر<sup>۲</sup> (۱۹۹۶)، استخراج دانش کلان، قابل استفاده و جدید از پایگاه داده‌های بزرگ را «داده کاوی» گوید.

رومر<sup>۳</sup> (۲۰۰۷)، «داده کاوی» را فرایند استخراج اطلاعات معتبر، از پیش‌ناشناخته، قابل فهم و قابل اعتماد از پایگاه‌های بزرگ و استفاده از آن‌ها در تصمیم‌گیری در فعالیت اقتصادی گرفته است.

1. (Information Organization)

2. Shafer

3. Romer

میتسا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، جستجو در پایگاه داده برای یافتن الگوهای میان داده‌ها را «داده‌کاوی» نام گذاشته است.

آگاروال<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، به فرایند نیم‌خودکار تجزیه و تحلیل پایگاه داده‌های بزرگ به منظور یافتن الگوهای مفید «داده‌کاوی» گفته است (قاضی‌زاده و خزانه‌ها، ۱۳۹۵: ص ۱۰). تفاوت تعاریف داده‌کاوی در این است که یکی فرایند جستجو، دیگری استخراج و سومی نتیجه این دو را داده‌کاوی گفته است و این سومی بسیار مهم است؛ زیرا اکنون به صورت برخط، انبوهی از داده‌ها در حال تولید و جابجایی است و شبکه‌های اجتماعی بهترین محمل برای تولید و جابجایی داده‌ها هستند. دولت‌ها، شرکت‌های تجاری، سازمان‌های سیاسی، نظامی و امنیتی فقط به فکر جمع کردن اطلاعات نیستند؛ بلکه آنان از داده‌ها، اطلاعات جدیدی به دست می‌آورند. اینان با هوشمندی به وسیله داده‌کاوی، اطلاعات ارزش‌مندی از حجم عظیم داده‌ها درمی‌آورند. مرز داده‌کاوی مشخص نیست و محدودیتی برای آن نمی‌توان تصور کرد؛ زیرا هر چیزی که در سیستم‌ها تبدیل به داده دیجیتال می‌شود، قابلیت داده‌کاوی دارد.

باید تاکید کرده که در عصر دیجیتال، داده‌کاوی بسیار مهم است؛ زیرا دولت‌ها، سازمان‌ها، نهادها و افراد به سرعت در حال تولید، تبادل و ذخیره‌سازی داده هستند. مسئله مهم دولت‌ها در سطح کلان ملی و بین‌المللی، تصمیم‌گیری سریع و به موقع است که نیاز به اطلاعات روزآمد دارد و بهترین راه کار برای به دست آوردن اطلاعات روزآمد داده‌کاوی است. مسئله اصلی شرکت‌های تجاری، شناسایی نیاز مشتری برای تولید بیشتر و به دست آوردن منافع مالی بیشتر است. دیگر شرکت‌ها، نهادها و افراد نیز اهداف گوناگونی دارند و نیاز به اطلاعات دارند.

در سطح ملی، شناسایی سریع تهدیدها و فرصت‌ها، کشف انحرافات و تخلفات در حوزه اجرایی، تدوین برنامه‌های ملی برای پیشرفت در حوزه‌های گوناگون بخشی از مزایای داده‌کاوی است (غفاری و قاضی‌زاده، ۱۳۹۷: ص ۵۲).

1. Mitsa

2. Aggarwal

## تمدن‌سازی و اولویت‌بندی در نیازسنجی

تمدن از ریشه «م.د.ن» گرفته شده است. مدینه، به معنای مکانی که در آن مردم جمع شده و در زبان فارسی به آن شهر گویند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵۶: ص ۱۱). تمدن، ریشه در شهرنشینی دارد و به همین دلیل، گاه به آن «ال عمران» یا «الحضاره» گفته شده است. تعریف تمدن بسیار دشوار است؛ اما سازمان و نظم اجتماعی، دانش‌ها و فنون برای کنترل طبیعت و تقسیم کار از ویژگی‌های مهم تمدن است. تفاوت تمدن با فرهنگ در عام بودن و خاص بودن این دو است. فرهنگ در حوزه‌های دین، هنر، ادبیات و اخلاق تجلی می‌کند و تمدن، همه نظامات جامعه را پوشش می‌دهد (ملک‌محمدی، ۱۳۸۹، ج ۸: ص ۶۲۸ - ۶۳۰). تعریف‌های دیگری نیز برای تمدن ارائه شده است، بیشتر این تعریف‌ها ناظر به ابعاد مختلف تمدن است و یکی از جامعه‌شناسان به نام تایلر<sup>۱</sup> در تعریف تمدن به مولفه‌هایی همچون: اعتقادات، علوم، هنرها، قانون، اخلاق و آداب و رسوم توجه دارد. وی، فرهنگ و تمدن را به یک معنا گرفته است (کریمی و همکاران ۱۳۸۶: ص ۳۱).

اگر فرهنگ را به حوزه اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌ها و تمدن را به آثار و تجلی این مولفه‌ها در متن زندگی انسان‌ها بگیریم، در این صورت برای تمدن‌سازی باید پایش اطلاعات و مدیریت داده‌ها انجام شود. افزون بر این، هنگامی که تمدن نیز ساخته شد، باید پایش مستمر وجود داشته باشد تا با شناسایی انحرافات و اصطلاح آن از انهدام جلوگیری شود. در قرآن به این نکته اساسی اشاره شده است. شهرها که یکی از مظاهر مهم و برجسته تمدن بشری هستند، گاه نابود شده‌اند و خداوند علت آن را رفتار ظالمانه ساکنان شهرها بیان کرده است. «وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَّسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ مَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَ أَهْلُهَا ظَالِمُونَ؛ و پروردگارتو نابودکننده شهرها و آبادی‌ها نیست مگر تا آنکه در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند و ما نابودکننده شهرها نبودیم مگر آنکه مردم آنها ستمکار بودند» (قصص: ۵۹). ظلم در ادبیات قرآنی، به معنای تجاوز از حد و مرز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۳۷). واژه «القری» به دلیل وجود «ام‌القری» به معنای شهر است و به مفهوم روستا یا قریه نیست. در

1. Tylor

ادبیات اسلامی به مکه نیز «ام‌القری» می‌گویند (ابن جزی غرناطی، ۱۴۱۶، ج ۲: ص ۱۱۷).

مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سال ۱۳۹۴ چنین فرمودند: «یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی برای خودشان شالوده‌ریزی کنند. این تمدن؛ البته تمدن مادی بود... امروز نوبت ماست. امروز نوبت اسلام است «و تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل‌عمران: ۱۴۰). امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند؛ هم‌چنان که اروپایی‌ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی. منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ماست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴، khamenei.ir/57130).

### نیازسنجی پژوهشی

برای انجام این ماموریت و وظیفه‌ی مهم اسلامی که رهبری به صراحت آن را بیان کردند، باید نیازسنجی پژوهشی انجام شود. اگر رفتار کشورهای توسعه‌یافته تحلیل شود، می‌توان به این نکته بنیادی پی‌برد که آنان برای هزینه‌کرد پژوهشی، منطق مشخصی دارند؛ زیرا باید میان یافته‌های حاصل از پژوهش با نیازهای جامعه ارتباط وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، هدف پژوهش باید در راستای بهبود زیست انسان در ابعاد گوناگون قرار گیرد و چون تمدن‌سازی نوین اسلامی برای بهبود زیست انسان است و تمام ابعاد وجودی انسان را در نظر می‌گیرد، باید این فعالیت مهم انجام شود.

برای نیازسنجی رویکردهای گوناگونی وجود دارد؛ رویکرد آسیب‌شناختی، رویکرد موضوعی، رویکرد تقاضامحور، رویکرد عرضه‌محور، رویکرد اداری و مدیریتی و رویکرد نظام‌دار (فتحی و اجارگاہ، ۱۳۸۷: ص ۱۴). هر یک از این رویکردها می‌تواند نقش مشخصی در تمدن‌سازی نوین اسلامی داشته باشد. افزون بر این، اطلاع‌یابی از وضعیت موجود دانشی با استفاده از ابزارهای فناورانه داده‌کاوی و دیگر ابزارهای کتاب‌سنجی و علم‌سنجی اقدامات لازمی هستند که برای تمدن‌سازی باید انجام شود. ابزارهای فناورانه مدیریت اطلاعات و

علم‌سنجی از روز نخست پی‌ریزی شالوده تمدن اسلامی باید به کار گرفته شود و پس از برپایی تمدن نیز برای تثبیت و تداوم آن این ابزارها نقش اساسی خواهند داشت.

### نتیجه‌گیری

در تاریخ‌دانشی تمدن اسلامی، کتاب از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. کتاب‌خانه‌های بزرگی در شهرهای مرکزی جهان اسلام از قبیل: بغداد، قاهره و اندلس ساخته شده بود. برای آدرس‌دهی کتاب‌ها در این کتاب‌خانه‌ها، فهرست‌های متنوعی نوشته شده بود. این وضعیت تا رنسانس ادامه پیدا کرد. با اختراع چاپ، وضعیت تولید کتاب دگرگون شد. کتاب‌خانه‌سازی و کتاب‌داری رو به گسترش نهاد. مسئله اصلی کتاب‌خانه‌ها، سازماندهی مجموعه‌های موجود در مخزن‌ها و قفسه‌ها بود. سرعنوان موضوعی و اصطلاح‌نامه از ابزارهای مهم و کارآمد در این زمینه بودند. اصطلاح‌نامه‌های مربوط به علوم اسلامی که در پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تدوین و چاپ شده است از قبیل: اصطلاح‌نامه‌های: علوم قرآنی، اصول فقه، منطق، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، اخلاق اسلامی، علوم حدیث و چند اصطلاح‌نامه دیگر که در دست اقدام است و یا اصطلاح‌نامه معارف قرآن که توسط پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن تدوین شده است.

با آغاز عصر دیجیتال و فن‌آوری اطلاعات، وضعیت تغییر کرده است و ابزارهایی برای مدیریت اطلاعات از قبیل داده‌کاوی به کمک ابزارهای پیشین افزوده شده است. مسئله جدید برای دانشمندان فقط سازماندهی منابع نیست؛ نظریه‌ها، رویه‌ها، پدیده‌ها، روش‌ها و... باید طبقه‌بندی شوند و چون هدف اصلی در جامعه اسلامی، تمدن‌سازی نوین اسلامی است، باید با نیازسنجی پژوهشی به همراه شناسایی وضعیت دانشی موجود به وسیله علم‌سنجی شالوده تمدن نوین اسلامی را پی‌ریزی کرد و با داده‌کاوی، پایش اطلاعات و مدیریت آن‌ها این ماموریت مهم را به سرانجام رساند و برای تثبیت، تداوم و گسترش آن تلاش کرد.

## کتاب‌نامه

۱. ابن جزى غرناطى، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، التسهيل لعلوم التنزيل، تحقيق: عبدالله خالدى، چ ۱، بيروت: شركت دار الارقم بن ابى الارقم.
۲. ابن حجر، احمد بن على (۱۴۱۵ق)، الاصابه فى تمييز الصحابه، بيروت: دارالكتب العلميه.
۳. الاشيقر، محمدعلى (۱۴۰۸ق)، لمحات من تاريخ القرآن، بيروت: موسسه العلمى.
۴. أكرادى، ويليام و مايكل دابروولسكس و مارك آرنف (۱۳۸۰)، درآمدى بر زبان‌شناسى معاصر، مترجم: على درزى، تهران: نشر سمت.
۵. ايچيسن، جين و آلن گيکريست و بادن ديويده (۱۳۸۵)، تدوين و کاربرد اصطلاح‌نامه، ترجمه: محسن عزيزى، چ ۱، تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارك علمى ايران.
۶. چودهارى، جى جى و سوداتا چودهارى (۱۳۹۱)، سازماندهى اطلاعات از رف تا وب، ترجمه: محمدرضا نيازمند، بهار عليان و محمد حسين اميدى، چ ۱، شيراز: نشر همارا.
۷. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فى غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودى، بيروت: دارالعلم الدار الشاميه.
۸. زوستاك، ريک (۱۳۹۵)، طبقه‌بندى علم: پديده‌ها، داده‌ها، نظريه‌ها، روش‌ها، رويه‌ها، مترجم: رضا مختارپور، چ ۱، تهران: نشر کتابدار.
۹. شهرزورى، شمس‌الدين (۱۳۸۳)، رسائل الشجرة الالهيه فى علوم الحقايق الربانيه، تحقيق: نجفقلی جيبی، تهران: موسسه حکمت و فلسفه ايران.
۱۰. طاهرى عراقى، احمد (۱۳۷۶)، رده BP اسلام، تهران: کتاب‌خانه ملي جمهورى اسلامى ايران.
۱۱. عسکرى، سيدمرتضى (۱۴۱۶ق)، القرآن الکریم و روايات المدرستين، تهران: مجمع العلمى الاسلامى.
۱۲. غفارى، سعيد و سعيد قاضى‌زاده (۱۳۹۷)، کليات داده‌کاوى در علم اطلاعات و دانش‌شناسى، تهران: نشر چاپار.

۱۳. فارابی، ابونصر (۱۹۹۶م)، احصاء العلوم، شرح: علی بوملحم، بیروت: مکتبه الهلال.
۱۴. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۷)، نیازسنجی پژوهش، تهران: نشر آبیژ.
۱۵. فدائی، غلامرضا (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر هویت کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی، تهران: نهاد کتاب‌خانه‌های عمومی کشور.
۱۶. قاضی‌زاده، حمید و مهدیه خزانه‌ها (۱۳۹۵)، داده‌کاوی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی مفاهیم و کاربرد، چ ۱، تهران: نشر چاپار.
۱۷. کبری‌زاده، طاش (۱۴۰۵ق)، مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم، تحقیق: علی دحرج، چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. کرمی‌فهی، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۶)، جستاری نظری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۹. کلیوند، دونالدبی و آنادی کلیوند (۱۳۸۵)، درآمدی بر نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، ترجمه: سیدمهدی حسینی، تهران: نشر چاپار.
۲۰. مدیر‌شانه‌چی، کاظم (۱۳۷۴)، کتاب و کتاب‌خانه در اسلام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی‌نا.
۲۲. نوروزی چاکلی، عبدالرضا (۱۳۹۲)، آشنایی با علم سنجی، تهران: نشر سمت.
۲۳. یعقوب‌نژاد، محمدهادی (۱۳۷۶)، اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.



## بررسی استفاده از داده‌های مستند کتابخانه‌ای

### در ویکی‌های فارسی (مطالعه موردی ویکی‌شيعه)

\* مختار شمس‌الدین مطلق

\*\* محمود سنگری

#### چکیده

هدف از این نوشتار، بررسی استفاده از داده‌های مستند کتابخانه‌ای در ویکی‌شيعه است. پژوهش از نوع توصیفی و به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتواست. جامعه آماری شامل تمام مدخل‌های اشخاص ویکی‌شيعه فارسی است. چون آمار دقیقی از تعداد مدخل‌ها نداشتیم و به تعداد آن‌ها افزوده می‌شد، نمونه صدتایی به روش نمونه‌برداری، تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. سپس بر اساس نمونه‌برداری هدف‌دار، شش پایگاه مستند کتابخانه‌ای انتخاب و مدخل‌های اشخاص ویکی‌شيعه در آن‌ها جستجو گردید و نتایج توسط نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اطلاعات ۸۸ درصد از مدخل‌های بررسی‌شده، در پایگاه‌های مستند کتابخانه‌ای وجود دارد که به ترتیب: بانک مستندات کتابخانه ملی ایران، برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی و شماره استاندارد بین‌المللی نام، بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، اطلاعات بیش از نیمی از این مدخل‌ها، در بیش از پنج پایگاه بررسی‌شده، موجود است. همچنین بیشترین میانگین به برگه‌دان مستند فراگیر و کمترین میانگین به بانک مستندات کتابخانه ملی ایران مربوط است و با توجه به این که مقدار خطای آلفای آزمون برابر با صفر است، تفاوت میان میانگین‌های پایگاه‌های داده‌ای مستند و مدخل‌های اشخاص ویکی‌شيعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است. پیوند بین فهرست‌های مستند کتابخانه‌ای و ویکی‌شيعه، ضمن پیدایی‌نمایی بهتر منابع کتابخانه‌ها و افزایش اعتبار علمی مقالات ویکی‌شيعه، الگویی را برای استفاده در سایر پایگاه‌ها و نیز شیوه‌ای را برای همکاری میان کتابخانه‌ها و ویکی‌ها و حرکت به سوی وب معنایی فراهم می‌کند.

#### کلیدواژه‌ها

داده‌های مستند کتابخانه‌ای، ویکی‌شيعه، کنترل مستند.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

mokhtar629@gmail.com

m.sangari@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۸

\* کارشناسی ارشد مجمع جهانی اهل بیت :

\*\* دکتری علم اطلاعات دانشگاه خوارزمی

## مقدمه

امروزه موتورهای جستجو مانند گوگل و ویکی‌ها از نخستین و مهم‌ترین منابع برای جستجوی اطلاعات توسط کاربران می‌باشند. ویکی‌پدیا، بزرگ‌ترین دانشنامه مجازی که توسط جامعه وسیعی از نویسندگان و ویرایش‌گران تهیه می‌شود، صرف‌نظر از وجود مباحثی در مورد اعتبار مقالات، نقش مهمی در برآورده کردن نیازهای جامعه اطلاعاتی ایفا می‌کند؛ به طوری که در دهه گذشته استفاده از ویکی‌پدیا و موتورهای کاوش بر فهرست‌ها و وب‌سایت‌های آنلاین کتابخانه‌ها سبقت گرفته است. گزارش‌ها حاکی از آن است که تعداد کمی از جستجوگران (۱ درصد) برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، به وب‌سایت کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند، در حالی که بخش مهمی (۸۴ درصد) از جستجوگران برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از طریق موتورهای جستجو مانند گوگل (۶۲ درصد) اقدام می‌کنند. همچنین، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ویکی‌پدیا در صفحه اول و صفحات اول تا سوم به ترتیب ۶۰ درصد و ۶۶ درصد از نتایج جستجوها قرار می‌گیرد (De Rosa, 2005).

در حال حاضر که تمایل کاربران برای جستجو در ابزارهای عمومی مانند گوگل رو به گسترش است، کتابخانه‌ها برای حفظ ارزش داده‌های خود باید از روش‌هایی استفاده نمایند که اطلاعات را در خارج از محیط فیزیکی کتابخانه به صورت گسترده‌تر نسبت به گذشته در دسترس کاربران قرار دهند. ویکی‌ها و کتابخانه‌ها سازمان‌هایی غیرانتفاعی هستند که هدف اصلی آن‌ها، در دسترس قراردادن اطلاعات برای کاربران می‌باشد.

امروزه با توجه به اهمیت ویکی‌ها و جهت‌دهی به نیازهای کاربران، ضرورت ارتباط ویکی‌ها و کتابخانه‌ها بیش از گذشته احساس گردیده است که این امر باعث افزایش کارایی و ارزش افزوده در ویکی‌ها و کتابخانه‌ها می‌گردد. تاکنون پروژه‌ها و پژوهش‌هایی در زمینه همکاری و ارتباط ویکی‌ها و کتابخانه‌ها صورت گرفته، و تلاش‌ها بیشتر در جهت استفاده کنترل‌مستند در ویکی‌ها، که یکی از عملکردهای کتابخانه‌ها است، متمرکز بوده و ساختار جدیدی برای پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران به نام ویکی - کتابخانه مطرح گردیده است. این ساختار در تلاش است که از مزیت‌های نظام‌های

کتابخانه‌ای و ویکی استفاده نماید. در نظام‌های کتابخانه‌ای برای ابهام‌زدایی از اشیاء (نام‌ها، تالگان‌ها، موضوع‌ها و...) از اصطلاح کنترل مستند استفاده می‌نمایند و برای هر نام یا شیء یک شناسه اختصاصی و استاندارد ارائه می‌دهند. کنترل مستند، با ایجاد مجموعه‌ای به هم پیوسته و دسته‌بندی شده از شناسه‌ها به شکل‌های مختلف در زبان‌ها و رسم‌الخط‌های گوناگون ارزش افزوده‌ای به داده‌ها می‌بخشد و کمک خواهد کرد تا داده‌هایی به مراتب کارآمدتر و مفیدتری نسبت به زمانی که در یک مجموعه تک‌بعدی و یک‌زبانه ارائه می‌شود، برای کاربران ارائه شود (ریاحی‌نیا و نیک‌نیا، ۱۳۹۵: ص ۵۸).

استفاده از ساختار ویکی - کتابخانه منجر به پیدانمایی بهتر منابع کتابخانه برای کاربران می‌شود؛ به‌عنوان مثال، نتایج پژوهش کلاین و کریوس (Klein and Kyrios, 2013) نشان می‌دهد که با ساختار «ویاف»<sup>۱</sup> ویکی‌پدیا، ترافیک پایگاه «ویاف» به ۳ برابر افزایش یافته است.

از طرف دیگر، ساختار ویکی - کتابخانه باعث افزایش اعتبار و غنای مقالات و دسترسی به اطلاعات علمی در ویکی‌ها می‌گردد.

در ساختار ویکی - کتابخانه نیاز به روش‌های کنترل واژگان جدیدی نسبت به روش‌های سنتی کتابخانه‌ها دارد، که این روش‌ها مزایایی نسبت به روش‌های سنتی دارند، که عبارتند از:

۱) پوشش و جامعیت بیشتر: به‌عنوان مثال، ویکی‌پدیای انگلیسی بیش از پنج میلیون مقاله در حوزه‌های مختلف دانش بشری دارد و به‌صورت مرتب در حال رشد می‌باشد، در حالی که آخرین ویرایش سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه کنگره، ۳۳۷۰۰۰ واژه را در بر می‌گیرد.

۲) روزآمدبودن: مقالات ویکی همیشه به‌روز هستند. به‌عنوان مثال، مطالعات اخیر نشان می‌دهد که توئیت و ویکی‌پدیا اطلاعات وقایع مهم را سریع‌تر نسبت به سایر منابع منعکس می‌نمایند (Osborne, Petrovic, Mccreadie, Macdonald, Ounis, 2012).

۳) توصیف غنی‌تر: مقالات ویکی به‌طور معمول توصیف بیشتری نسبت به واژگان کنترل‌شده کتابخانه‌ای ارائه می‌دهند.

۴) چندزبانه‌بودن: یکی از ویژگی‌های ویکی‌ها، چند زبانه‌بودن آن‌هاست؛ به‌عنوان مثال، ویکی‌پدیا از سپتامبر ۲۰۱۳ گستره زبانی خود را به ۲۸۵ زبان افزایش داده است و در ۸ زبان پرمخاطب حداقل بیش از یک میلیون مقاله وجود دارد (Joorabchi and Abdulhussaini, 2014).

در ساختار «ویکی - کتاب‌خانه» به دلیل رشد روزافزون انتشارات جدید، هزینه بالای نمایه‌سازی دستی، گسترش «ویکی‌ها» و نظام‌های کتاب‌خانه‌ای کار را سخت نموده است، باید تلاش‌ها برای کاهش هزینه‌ها متمرکز گردد و نیاز به ایجاد و توسعه نرم‌افزارهای خودکار برای نمایه‌سازی رکوردهای کتاب‌خانه‌ای با مفاهیم ویکی فراهم شود. این نرم‌افزارها باید این امکان را برای کاربران فراهم نمایند که وقتی کاربر در یک فهرست کتاب‌خانه‌ای به جستجو می‌پردازد، به مفاهیم و کلیدواژه‌های ویکی هم دسترسی داشته باشند و از طرف دیگر، در صفحه «ویکی» هم لینک منابع مرتبط کتاب‌خانه‌ای را برای کاربر ارائه دهد. این سیستم‌های فرامتنی میان داده‌های کتاب‌خانه‌ای و مقاله‌های «ویکی» کمک زیادی به جستجوگران اطلاعات می‌نماید.

اولین پروژه برای ایجاد ساختار ویکی - کتاب‌خانه، توسط ویکی‌پدیا صورت گرفته است. ویکی‌پدیا از سال ۲۰۱۵ با هدف دسترسی سریع‌تر کاربران به داده‌های مستند، تعداد زیادی از مقاله‌های خود را به فهرست‌های مستند کتاب‌خانه‌ای از قبیل: شماره استاندارد بین‌المللی نام<sup>۱</sup>، برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی<sup>۲</sup>، ورلدکات<sup>۳</sup>، برگه‌دان مستند فراگیر<sup>۴</sup> و پایگاه مستندات اسامی کتاب‌خانه کنگره<sup>۵</sup> لینک نموده است. تا ژوئن ۲۰۱۷، بیش از ۵۲۶ هزار مقاله ویکی‌پدیای انگلیسی را به فهرست‌های مستند کتاب‌خانه‌ای متصل نموده است. نظر به این که در زبان فارسی، ویکی‌شیعه به‌لحاظ گستردگی و نرم‌افزار به ویکی‌پدیا شباهت دارد، این پژوهش به بررسی میزان انطباق مدخل‌های اسامی اشخاص ویکی‌شیعه با پایگاه‌های داده‌ای مستند کتاب‌خانه‌ای می‌پردازد، تا ضمن ایجاد سهولت و

1. International Standard Name Identifier (ISNI)
2. Virtual International Authority File (VIAF)
3. WorldCatIdentities
4. Gemeinsame Norm datei (GND)
5. Library Of Congress Name Authority File(NAF)

نقاط دسترسی بیشتر برای کاربران به زبان‌های مختلف، الگویی برای استفاده از داده‌های مستند به‌عنوان ابزارهای کنترل مستند در سایر پایگاه‌ها و ویکی‌های زبان فارسی موجود ارائه دهد. ویکی‌شیعه، دانشنامه مجازی در شبکه جهانی است که هدف آن بیان و توضیح تمامی مفاهیم و مسائل دخیل در شناخت شیعه و سایر پیروان مکتب اهل‌بیت است. ویکی‌شیعه، از خرداد ۱۳۹۲ آغاز به کار کرد و اکنون بیش از ۱۹۰۰۰ مقاله به ۱۰ زبان (فارسی، عربی، اردو، اندونزیایی، انگلیسی، اسپانیولی، ترکی، فرانسوی، آلمانی و روسی) در موضوعات مختلف توسط پژوهشگران نگاشته شده است.

### پرسش‌های پژوهش

۱. توزیع فراوانی مدخل‌های نام اشخاص «ویکی‌شیعه» در پایگاه‌های داده‌ای مستند مورد بررسی در این پژوهش چگونه است؟
۲. توزیع پراکندگی مدخل‌های اشخاص «ویکی‌شیعه» در پایگاه‌های داده‌ای مستند مورد بررسی در این پژوهش چگونه است؟
۳. آیا تفاوت معناداری میان میانگین پایگاه‌های داده‌ای مستند و مدخل‌های اشخاص «ویکی‌شیعه» وجود دارد؟

### پیشینه پژوهش

تاکنون تعداد معدودی پژوهش در زمینه ساختارهای ویکی - کتابخانه صورت گرفته است، جیمز پلائی (Jimenez Pelay, 2009) به بررسی نظام کنترل مستند در ویکی‌پدیا می‌پردازد و اشاره می‌کند که یکی از اولین پروژه‌هایی که در وب برای کنترل مستند استفاده شده، توسط ویکی‌پدیا صورت گرفته است. این نظام را بخش‌ها و فرایندهای مختلفی تشکیل می‌دهد. وی، معتقد است که سیستم کنترل مستند ویکی‌پدیا در مقایسه با سیستم‌های کنترل مستند سنتی، از انعطاف‌پذیری و کارایی بیشتری برای نیازهای کاربران برخوردار است و می‌تواند یکی از چشم‌اندازهای حرکت به سمت وب معنایی باشد. همچنین یکی از پروژه‌های صورت گرفته در این زمینه، پروژه VIAFbot است که توسط

ویکی‌نویسان مستقر در مرکز او.سی.ال.سی.<sup>۱</sup> با همکاری کتابخانه بریتانیا در سال ۲۰۱۲ مطرح گردید. این پروژه یکی از اولین پروژه‌هایی بود که رکوردهای مستند کتابخانه‌ای «ویاف» را با صدها هزار از مقالات سرگذشت‌نامه‌ای ویکی‌پدیا لینک داده است. ساختار «ویاف - ویکی‌پدیا» به وسیله یک الگوریتم تطبیقی بین ویاف و ویکی‌پدیا انگلیسی طراحی شده توسط مهندسان «ویاف»، انجام گرفت (Klein and Kyrios, 2013).

همچنین جورابچی و عبدالحسینی (Joorabchi and Abdulhussaini, 2014) در پژوهشی مشابه برای توسعه یک سیستم خودکار برای نمایه‌سازی موضوع‌های کتابخانه با مفاهیم ویکی‌پدیا پرداخته است. به زعم آنها این پروژه، گامی مهم به سوی ساختار ویکی‌پدیا - کتابخانه می‌باشد و در ادامه سیستم نرم‌افزاری خودکار را برای نمایه‌سازی موضوع‌های مستند کتابخانه‌ای با مفاهیم ویکی‌پدیا پیشنهاد می‌دهد.

اکنون پایگاه‌های مستند کتابخانه‌ای متعددی در محیط وب به صورت پیوسته در دسترس می‌باشد. مهم‌ترین این پایگاه‌ها که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، می‌توان شماره استاندارد بین‌المللی نام، برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی، ورلدکت، برگه‌دان مستند فراگیر، پایگاه مستندات اسامی کتابخانه کنگره، بانک مستندات اشخاص کتابخانه ملی ایران را نام برد که در ادامه به توضیح بیشتر آنها اشاره می‌گردد:

۱. برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی (ویاف): نام پروژه مشترکی میان چندین کتابخانه ملی است که برگه‌دان مستندی از داده‌های کتابخانه‌ای ایجاد می‌کنند. در واقع، راهی برای جامعه کتابخانه‌ها برای دسترسی به اطلاعات کتاب‌شناختی به زبان‌های مختلف فراهم شده است. بنیان‌گذاران، آن را مقدمه‌ای برای حرکت به سوی وب معنایی برای نمایش نام مستند از شناسه‌ها به زبان‌های مختلف می‌دانند. «ویاف» توسط کتابخانه کنگره، کتابخانه ملی آلمان، کتابخانه ملی فرانسه و او.سی.ال.سی. بنیان‌گذاری شد (El.Sherbini, 2012). اکنون تعداد بیشتری از کتابخانه‌ها با آن همکاری می‌نمایند، به طوری که بر اساس اطلاعات منتشرشده در وب سایت «ویاف» در حال حاضر ۶۰ کتابخانه و سازمان عضو «ویاف» می‌باشند و حدود ۴۰ تا از این سازمان‌ها را

1. OCLC

کتابخانه‌های ملی کشورهای مختلف تشکیل می‌دهند. ویاف، ساختاری برای محلی و منطقه‌ای کردن داده‌های کتاب‌شناختی فراهم می‌نماید. به‌عنوان مثال، کاربران آلمانی زبان می‌توانند نام مستندی که توسط کتابخانه ملی آلمان تهیه شده است را مشاهده نمایند، یا کاربران فرانسوی زبان می‌توانند به نام‌هایی که توسط کتابخانه ملی فرانسه تهیه شده، دسترسی یابند و همچنین سایر کاربران می‌توانند به نام‌های مستند که توسط دیگر کتابخانه‌ها تهیه شده است، دسترسی داشته باشند (Murphy, 2012).

با جستجو در پایگاه ویاف، اطلاعاتی مانند: نام شخص به زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی، شماره اختصاصی ویاف، شماره استاندارد بین‌المللی نام ارائه می‌شود. در بخشی دیگر، نام‌های مشابه و نام‌های مرتبط با نام شخص ذکر شده است. همچنین در ادامه آثار، ملیت، دوره زمانی تألیفات نویسنده به صورت نمودار ارائه می‌شود. در انتها در بخشی، لینک اطلاعات درباره نویسنده مندرج در ویکی‌پدیا را به زبان‌های مختلف قرار داده است.

۲. برگه‌دان مستند فراگیر: پروژه مستندی از داده‌های کتابخانه‌ای است که توسط کتابخانه ملی آلمان با همکاری شبکه‌های مختلف کتابخانه‌ای مدیریت می‌شود. در این پایگاه، فهرستی مستند کامل و تحت وب برای انواع شناسه‌ها، همراه با سیستم ارجاعات برای استفاده کتابخانه‌ها، موزه‌ها و دیگر مؤسسات علمی و فرهنگی فراهم می‌نماید. در برگه‌دان مستند فراگیر، داده‌های مستند برای اشخاص، تنالگان‌ها، وقایع، کنفرانس‌ها، اطلاعات جغرافیایی، موضوعات و آثار فراهم شده است. با جستجو در برگه‌دان مستند فراگیر، اطلاعاتی از قبیل: نام انتخاب شده، جنسیت، سایر اشکال مختلف نام، منبع اطلاعات، دوره زمانی نویسنده، کشور، زبان، شغل، آثار و ... ارائه می‌دهد. همچنین در این پایگاه به منابع اطلاعاتی دیگر کتابخانه‌ها و مؤسسات فرهنگی کشورهای آلمانی زبان، پیوند برقرار گردیده است.

۳. شماره استاندارد بین‌المللی نام: این استاندارد یک روش نام‌گذاری برای تولیدکنندگان محتوی شامل: نویسندگان، هنرمندان، محققان، ناشران و ... است و زیر نظر سازمان استاندارد جهانی (ISO) تنظیم می‌شود. انگیزه اولیه برای توسعه «شماره استاندارد بین‌المللی نام» به دهه ۱۹۷۰ بر می‌گردد و هدف آماده‌سازی یک شناسه برای مدیریت

اطلاعات مرتبط با اشخاص، سازمان‌ها در محیط دیجیتال بود. تمرکز اصلی شماره استاندارد بین‌المللی نام بر روی شناسایی منحصر به فرد جهانی، استاندارد، جامع و دائمی می‌باشد.

با جستجو در این پایگاه، اطلاعاتی از قبیل: شماره استاندارد بین‌المللی نام، رسم خط‌های نام به زبان‌های مختلف از جمله فارسی، تاریخ تولد و وفات شخص، نام‌های مرتبط، آثار مولف به زبان‌های مختلف، یادداشت‌ها و منابع ذکر شده است.

۴. بانک مستندات کتاب‌خانه ملی ایران: این فهرست شامل: نام نویسندگان، مترجمان، مصححان، هنرمندان، رجال و مشاهیری است که از سال ۱۳۴۸ به بعد به نحوی که در برگه‌های فهرست موجود در کتاب‌خانه ملی به‌عنوان شناسه یا سرشناسه ثبت شده است. همچنین از سال ۱۳۷۴ کتاب‌خانه ملی با همکاری شرکت نوسا (شرکت نرم‌افزار و سخت‌افزار ایران)، کار کامپیوتری کردن این فهرست را انجام دادند (مولوی، دریایی و هدایت، ۱۳۷۶). در این پایگاه اطلاعاتی از قبیل نام‌های مستند، دیگر شکل‌های نام، منبع و نام لاتین نویسندگانی که آثارشان به کتاب‌خانه ملی رسیده، ثبت شده است.

۵. پایگاه مستندات اسامی کتاب‌خانه کنگره: این پایگاه شامل بیش از ۸ میلیون مدخل برای اسامی اشخاص به زبان‌های مختلف می‌باشد و کتاب‌خانه کنگره با هدف دسترسی یکسان به منابع اطلاعات مستند خود را در نظام «ویاف» قرار داده است. کتاب‌خانه کنگره از سازمان‌های موفق در ورود داده‌های سالم و یک‌دست به نظام ویاف شناخته می‌شود (ریاحی‌نیا و نیک‌نیا، ۱۳۹۵: ص ۶۳). با جستجو در این پایگاه، اطلاعاتی از قبیل: نام انتخاب‌شده، شکل‌های متفاوت نام به زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی ذکر شده است. همچنین در بخش دیگری، تاریخ تولد و وفات مولف، جنسیت، زبان اختصاصی (زبانی که آثار مولف بیشتر در آن به نگارش است)، ملیت، زمینه فعالیت، ارتباط با ویاف (اطلاعات نویسنده در ویاف)، منابع، نمایش اطلاعات درباره مولف در قالب‌های مختلف ارائه می‌دهد.

۶. ورلدکت: پایگاه «ورلدکت» توسط او.سی.ال.سی.، با هدف ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی تأسیس گردید. پایگاه ورلدکت، بیشترین استفاده را در آموزش عالی دارد و سابقه دانش بشری را از ۴۰۰۰ سال پیش تاکنون به ۴۰۰ زبان در بر می‌گیرد. ورلدکت بزرگ‌ترین پایگاه اطلاعاتی کتاب‌شناختی در جهان است. رکوردهای آن شامل: کتب،



نسخ دستی، نوارهای ویدئویی و صوتی، نشریات ادواری، روزنامه‌ها، نقشه‌ها و برنامه‌های کامپیوتری می‌باشد (معمدی، ۱۳۸۱: ص ۱۵). با جستجوی یک نام در این پایگاه، اطلاعاتی مانند: آثار نویسنده، دوره زمانی، اطلاعات کتاب‌شناختی، کتابخانه‌هایی که آثار نویسنده مذکور و... را در اختیار قرار می‌دهد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا انجام شده است. اولین گام در انجام پژوهش، انتخاب اسامی مدخل‌های اشخاص در ویکی‌شيعه بود. جامعه آماری، شامل تمام مدخل‌های اشخاص ویکی‌شيعه فارسی است و نظر به این که آمار دقیقی از تعداد مدخل‌های اشخاص ویکی‌شيعه نداشتیم و هر لحظه به تعداد مدخل‌ها افزوده می‌شد، نمونه‌ای ۱۰۰ تایی در ده رده اصلی: فقیهان، فیلسوفان، محدثان، مفسران، مورخان، حاکمان، روایان، سیاست‌مداران، شاعران و عارفان، هر یک به صورت مساوی و تصادفی ۱۰ مدخل انتخاب گردید. از این روش نمونه‌برداری، تصادفی - طبقه‌ای استفاده شد. شیوه کار بدین صورت بود که در ابتدا، اسامی در بانک مستند کتابخانه ملی، جستجو و نام اشهر آن‌ها انتخاب گردید. از بین ۱۰۰ مدخل بررسی شده تعداد اندکی از آن‌ها معادل لاتین داشتند، که این کار بازبایی از پایگاه‌های مستند کتابخانه‌ای را مشکل می‌کرد. بنابراین، معادل لاتین آن‌ها از منابع دیگر مانند: ویکی‌شيعه انگلیسی، کتابخانه کنگره و ... تهیه شد. گام بعدی، شناسایی پایگاه‌های مستند کتابخانه‌ای بود. با بررسی که در ویکی‌پدیای انگلیسی انجام شد، ۱۷ پایگاه شناسایی شد. با بررسی اجمالی، این پایگاه‌ها و رجوع به افراد متخصص در حوزه پایگاه‌های اطلاعاتی مشخص شد که تعدادی از این پایگاه‌ها به صورت محلی برای کتابخانه‌های خاص یا زبان خاصی بودند، که برای ویکی‌شيعه کاربرد نداشتند. بنابراین، تعداد پنج پایگاه: برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی، برگه‌دان مستند فراگیر، شماره استاندارد بین‌المللی نام، پایگاه مستندات کتابخانه کنگره و ورلدکت که منابع اسلامی، ایرانی و فارسی زبان را پوشش می‌دادند، انتخاب شدند. از این رو، روش نمونه‌برداری در بخش انتخاب پایگاه‌ها، هدف‌دار بود. همچنین بانک مستندات کتابخانه ملی ایران هم به آن‌ها افزوده شد. سپس مدخل‌های اشخاص

انتخاب شده یک‌به‌یک در پایگاه‌های مورد نظر جستجو گردیده است و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام گرفته و آزمون آماری به کار رفته در این پژوهش، آزمون «تی. تک‌نمونه‌ای»<sup>۱</sup> است.

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اکثر مدخل‌های «ویکی‌شیعه» در بانک مستند اشخاص کتاب‌خانه ملی ایران ثبت شده‌اند که معادل ۸۸ درصد از مدخل‌های مورد بررسی می‌باشد. همچنین طبق اطلاعات جدول (۱)، ۶۶ درصد در پایگاه برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی و شماره استاندارد بین‌المللی نام ثبت شده‌اند. بخش دیگری از یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پایگاه‌های ورلدکت، پایگاه مستندات اسامی کتاب‌خانه کنگره و برگه‌دان مستند فراگیر به ترتیب با ۶۱٪، ۵۴٪، ۴۳٪ در ردیف‌های بعدی قرار گرفته‌اند. اطلاعات ارائه شده در بالا، بیانگر آن است که اطلاعات بسیاری از مدخل‌های «ویکی‌شیعه» در چهار پایگاه، بانک مستندات کتاب‌خانه ملی ایران، برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی و شماره استاندارد بین‌المللی نام و ورلدکت ثبت شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی مدخل‌های ویکی‌شیعه در پایگاه‌های مستند کتاب‌خانه‌ای

نام پایگاه	فراوانی	درصد
برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی	۶۶	۸۸٪
برگه‌دان مستند فراگیر	۴۳	۴۳٪
شماره استاندارد بین‌المللی نام	۶۶	۶۶٪
بانک مستندات کتاب‌خانه ملی ایران	۸۸	۸۸٪
پایگاه مستندات اسامی کتاب‌خانه کنگره	۵۴	۵۴٪
ورلدکت	۶۱	۶۱٪

1. One-sample t-test.

جدول ۲. توزیع پراکندگی مدخل‌های اشخاص ویکی‌شيعه در پایگاه‌های داده‌ای مستند

تعداد پایگاه	درصد
صفر پایگاه	٪۱۲
یک پایگاه	٪۱۲
دو پایگاه	٪۵
سه پایگاه	٪۳
چهار پایگاه	٪۷
پنج پایگاه	٪۲۹
شش پایگاه	٪۳۲

اطلاعات ارائه‌شده جدول (۲) نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از مدخل‌ها در هیچ‌یک از پایگاه‌های مورد نظر وجود نداشت. همچنین اطلاعات ۳۲ درصد از مدخل‌های مورد بررسی «ویکی‌شيعه» در هر شش پایگاه و ۲۹ درصد در پنج پایگاه موجود است. به عبارت دیگر، اطلاعات ۸۸ درصد از مدخل‌های مورد بررسی، حداقل در یکی از پایگاه‌های مستند موجود است.

جدول ۳. میانگین، انحراف معیار و آماره T پایگاه‌های داده‌ای مستند

نام پایگاه	میانگین	انحراف معیار	آماره T	سطح معنی‌داری
برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی	۱/۳۴	./۴۷۶	۲۸/۱۴۶	/۰۰۰
برگه‌دان مستند فراگیر	۱/۵۷	./۴۹۸	۳۱/۵۵۳	/۰۰۰
شماره استاندارد بین‌المللی نام	۱/۳۴	./۴۷۶	۲۸/۱۴۶	/۰۰۰
بانک مستندات کتابخانه ملی ایران	۱/۱۲	./۳۲۷	۳۴/۲۹۳	/۰۰۰
پایگاه مستندات اسامی کتابخانه کنگره	۱/۴۶	./۵۰۱	۲۹/۱۴۷	/۰۰۰
وردکت	۱/۳۹	./۴۹۰	۲۸/۳۵۵	/۰۰۰

طبق یافته‌های جدول (۳)، بیشترین میانگین مربوط به برگه‌دان مستند فراگیر و کمترین مربوط به بانک مستندات کتاب‌خانه ملی ایران است. همچنین برای آزمون تفاوت معنادار میان پایگاه‌های داده‌ای مستند و مدخل‌های اشخاص ویکی‌شعیه، از آزمون تی-تک نمونه‌ای استفاده گردید. مقدار خطای آلفای آزمون T برای پایگاه‌های داده‌ای مستند کتاب‌خانه‌ای صفر است ( $p \leq 0/05$ ). در نتیجه، می‌توان استدلال کرد که تفاوت میان میانگین‌های پایگاه‌های داده‌ای مستند و مدخل‌های اشخاص ویکی‌شعیه به حدی است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است.

### نتیجه‌گیری

امروزه نقش ویکی‌ها در برآورده کردن نیازهای اطلاعاتی کاربران انکارناپذیر است، از طرف دیگر با وجود مباحثی در زمینه صحت و اعتبار مطالب ویکی‌ها، ضرورت ارتباط مفاهیم ویکی‌ها با رکوردهای مستند کتاب‌خانه‌ای بیش از گذشته احساس گردیده است. همچنین با توجه به گرایش روزافزون کاربران به جستجو توسط ابزارهای عمومی از قبیل؛ گوگل و ویکی، کتاب‌خانه‌ها برای حفظ ارزش داده‌های خود باید دسترسی به منابع کتاب‌خانه را خارج از محیط فیزیکی کتاب‌خانه بیش از گذشته برای کاربران فراهم نمایند. به عبارت دیگر، از حاصل همکاری ویکی و کتاب‌خانه، هر دو استفاده می‌نمایند. تلاش‌هایی برای همکاری بین کتاب‌خانه‌ها و ویکی صورت گرفته است و ساختاری جدیدی به نام ویکی کتاب‌خانه مطرح گردیده است. این ساختار در تلاش است از مزیت‌های نظام‌های کتاب‌خانه‌ای و ویکی برای تامین نیازهای اطلاعاتی کاربران استفاده نماید و باعث دسترس‌پذیر نمودن منابع کتاب‌خانه و افزایش اعتبار و غنای مقالات ویکی‌ها گردد. این همکاری می‌تواند سرآغاز و ارائه یک برنامه کاری برای دیگر موضوعات بین کتاب‌خانه‌ها و ویکی‌ها فراهم کند. با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که در هیچ‌یک از ویکی‌های فارسی در این زمینه اقدامی صورت نگرفته است. در این پژوهش با توجه به اینکه در ویکی‌شعیه، از نرم‌افزار مشابه ویکی‌پدیا استفاده می‌کند، به بررسی استفاده از داده‌های مستند کتاب‌خانه‌ای در ویکی‌شعیه پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است اطلاعات ۸۸ درصد از مدخل‌ها در پایگاه‌های مستند مورد

بررسی موجود است که به ترتیب پایگاه‌های بانک مستندات کتابخانه ملی ایران، برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی و شماره استاندارد بین‌المللی نام و ورلدکت بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص دادند. همچنین، بخش دیگری از یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیش از نیمی از آن‌ها در بیش از پنج پایگاه موجود بوده‌اند. بنابراین و با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای برای ارتباط با پایگاه‌های داده‌ای مستند ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به اینکه ۸۸ درصد از مدخل‌ها در بانک اطلاعات کتابخانه ملی ایران موجود می‌باشند، اگرچه اطلاعات کاملی در مورد نویسندگان در این پایگاه، به زبان‌های مختلف وجود ندارد، اما نظر به اینکه مستندسازی در کتابخانه ملی سابقه چندین ساله دارد و از منابع زیادی برای این کار استفاده می‌شود، پیشنهاد می‌شود که با ایجاد پیوند مدخل‌های اشخاص ویکی‌شیعه با بانک مستندات کتابخانه ملی، اکثر این مدخل‌ها را پوشش داد. و حداقل در بخش انتخاب نام مستند برای مدخل‌های اشخاص ویکی‌شیعه کمک زیادی به کاربران نمایند.

۲. براساس یافته‌های پژوهش، پایگاه‌های برگه‌دان مستند مجازی بین‌المللی، ورلدکت، شماره استاندارد بین‌المللی نام، پایگاه مستندات اسامی کتابخانه کنگره، بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و نظر به اینکه این پایگاه‌ها ظرفیت بین‌المللی دارند و اطلاعات کامل‌تری در مورد شکل‌های مختلف نام ارائه می‌دهند، می‌توان با ایجاد ارتباط با این پایگاه‌ها، به توان‌مندسازی کاربران برای دسترسی اطلاعات و تسهیل ابهام‌زدایی از اسامی اشخاص مدخل‌های ویکی‌شیعه کمک کرد.

۳. همچنین با توجه به اینکه ویکی‌شیعه، از دستورالعمل‌ها و فرایندهای تدوین یافته و مستند برای مستندسازی اسامی اشخاص استفاده نمی‌نماید، پیشنهاد می‌شود که برای مستندسازی اسامی اشخاص از دستورالعمل‌های مورد استفاده در ابزارهای مستند کتابخانه‌ای مانند: فهرست مستند اسامی مشاهیر و مولفان استفاده نماید تا ضمن یک‌دستی در اسامی اشخاص مورد استفاده در مدخل‌های ویکی‌شیعه، گامی برای تحقق و یکپارچه‌سازی ساختار «ویکی - کتابخانه» بردارد.

۴. با بررسی‌های اجمالی در جستجوی اسامی اشخاص در پایگاه‌های مستند بررسی

شده، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بانک مستندات کتاب‌خانه ملی ایران در مقایسه با پایگاه‌های داده‌ای مستند اطلاعات کم و ناقصی دارد؛ بنابراین شایسته است در زمان کنونی که از حرکت به سوی «وب معنایی» بحث می‌شود، مسئولان و دست‌اندرکاران کتاب‌خانه ملی برای تکمیل بانک مستندات کتاب‌خانه ملی (میراث زبان فارسی) در زمینه ارائه اطلاعات بیشتر و چندزبانه‌بودن تلاش بیشتری نمایند.

## کتاب‌نامه

۱. ریاحی‌نیا، نصرت و معصومه نیک‌نیا (۱۳۹۵)، موانع به اشتراک‌گذاری مستندات اسامی اشخاص در فهرست مستند مجازی بین‌المللی (ویاف)، تهران: مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دوره ۲۷، ش ۳.
۲. معتمدی، فاطمه (۱۳۸۱)، نظام نمایه‌سازی «وورد اسمیت» در شبکه کتاب‌شناختی (ا.و.سی.ال.سی)، تهران: مجله علوم اطلاع‌رسانی، دوره ۱۷، ش ۳-۴.
۳. مولوی، فرشته؛ شهره دریایی و مرضیه هدایت (۱۳۷۶)، فهرست مستند اسامی مشاهیر و مولفان، ج ۱، تهران: کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷-۱۸.
4. D. Rosa, Cathy (2005), "Perceptions of libraries and information resources: A report to the OCLC membership," Dublin, OH: OCLC Online Computer Library Center, Retrieved Aug14, 2017 from: [https://www.oclc.org/content/dam/oclc/reports/pdfs/Percept\\_all.pdf](https://www.oclc.org/content/dam/oclc/reports/pdfs/Percept_all.pdf).
5. El-Sherbini, Magda (2012), "Bibliotheca Alexandrina's Model for Arabic Name Authority Control," LRTS, 57, 1.
6. Jimenez Pelay, Jesus (2009), "Wikipedia como vocabulario controlado: está superado el control de autoridades tradicional", El profesional de la información, 18, 2.
7. Joorabchi, Arash; Abdulhussain E, Mahdi (2014), "Towards linking libraries and Wikipedia: automatic subject indexing of library records with Wikipedia concepts," Journal of Information Science, 40, 2.
8. Klein, Maximilian Kyrios, Alex (2013), "VIAFbot and the Integration of Library Data on Wikipedia," Code 4lib, 22, Retrieved Aug 14, 2017 from: <http://journal.Code4lib.org/articles/8964>.
9. Murphy, Bob (2012), "Virtual International Authority File service transitions to OCLC; contributing institutions continue to shape direction through VIAF Council," Retrieved Feb1, 2017 From:

---

<http://www.oclc.org/news/releases/2012/201224.en.html>(1).

10. Osborne Miles, Petrovic Sasa, Mccreadie Richard, Macdonald Craig and Ounis I (2012), “Bieber no more: First story detection using Twitter and Wikipedia”. In: SIGIR workshop in time-aware information access. Retrieved Aug 14, 2017 from:  
<http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/summary?doi=10.1.1.381.4526>.
11. “GND authority records”, Retrieved Jan 31, (2017) from: [http://www.oclc.org/support\\_help/recordmanager/Content/MARC\\_21/Wrkng\\_auth\\_recs/grmn\\_auths/grmn\\_auth\\_recs.html](http://www.oclc.org/support_help/recordmanager/Content/MARC_21/Wrkng_auth_recs/grmn_auths/grmn_auth_recs.html).
12. “Virtual International Authority File (VIAF),” Retrieved Feb 1, 2017 from: <http://www.oclc.org/viaf.en.html>.



## مخلصات

### تحليل ودراسة الأسس الفقهية

### حسب العلاقات الإنسانية

محمد رضی آصف آغاه \*

#### الخلاصة

من الممكن تصوّر الأسس الفقهية حسب ملاكات مختلفة. من جملة هذه المعايير لوضع أسس الفقه هي العلاقات الإنسانية (العلاقة بالله، العلاقة بالنفس، العلاقات بالآخرين وبالطبيعة) ولو الفقهاء الماضين ما انتفعوا بهذه المعايير لكن قد كثر الإنتفاع به عند الفقهاء الجدد.

يبغي هذا المقال البحث والتتبع في الكتب والمصادر الفقهية لإستنباط الأسس المرتكزة على المنهج المذكور ومن ثم ينتقي الباحث الأسس التي يذكر فيها العلاقات الإنسانية مباشرة من المنظرين لها أو يركزون في اسسهم الفقهية على العلاقات المذكورة بشكل خاص.

قد توصلنا في هذا المقال إلى ستة أسس تبني على العلاقات الإنسانية: منها الأساس الفقهي لفضيلة الشيخ المشكيني ره في كتابه الفقه المأثور والأساس الفقهي لآية الله أعرافي في الفقه التبروي والأساس الفقهي لآية الله الأشتهاردي واليزدي في مقدمة كشف الرموز والأساس الفقهي لسماحة الشيخ عرجي في كتاب تأريخ الفقه والفقهاء والأساس الفقهي لفضيلة الشيخ آل نجف ليش كتاب الحلال والحرام في الشريعة الإسلامية والأساس الفقهي لسماحة الشيخ برجي في مقاله "تصنيف أبواب الفقه". حصيلة المقال هو أن معظم الفقهاء المتأخرين ينتفعون بهذه العلاقات الإنسانية لوضع الأسس الفقهية كما أن هذا المعيار كثير الإستخدام بين الباحثين المعاصرين في الفقه. الإهتمام بهذا المعيار في الأسس وعلاقاته. هذه الرؤية إلى جالأسس الفقهية تحظى بإعتناء وتختلف عن رؤية الفقهاء المتقدمين وتظهر تغيير اتجاه الفقهاء المعاصرين مقارنة بالماضين.

#### الكلمات المفتاحية

الأساس الفقهية، تبويب الفقه، فلسفة الفقه، علاقات الإنسان.

## ترقية مواصفات كتابة معادلات المصطلحات العلوم الإسلامية؛ ضرورة، نتائج، عقبات

السيد مهدي مجيدي نظامي\*

### الخلاصة

المشاكل العالقة أمام ترجمة النصوص والبحث عن معادلات المفردات ومصطلحات العلوم الإسلامية تقتضي كتابة نفس المصطلحات. الانتفاع بنفس المصطلحات وشرحها يؤدي إلى إيصال المفاهيم الإسلامية بأدق صورة، تعمق القراء في معرفة المصطلحات الإسلامية وتيسير نشر المعارف الإسلامية في أرجاء المعمورة. من جانب هناك فوضى في بيان نفس المصطلحات حرفاً يدفع إلى صعوبة نقل البيانات في المنظومة المعلوماتية وذهول المستخدمين، ضياع وقت كثير، عدم النبل إلى جميع البيانات عند طلب استحضاره.

يهدف المقال إلى تنظيم وإدارة نفس المصطلحات عن طريق وضع مواصفات وجعل الهوامش، للمتtradفات. هذا البحث اتخذ المنهج الوصفي - التحليلي ومن خلال الرجوع إلى الوثائق المتوفرة، مطبوعة كانت أو رقمية. حصيلة البحث: ١- ضرورة التخطيط ٢- وضع مواصفات لمعادلات المصطلحات مرفقاً بإيضاح مفاهيم المفردات المعادلة وضرورة الانتفاع بأسلوب التهميش للمعادلات المذكورة حسب المواصفات المطلوبة. يكتف سز النجاح في هذا الأمر في تعاون مراكز الأبحاث والتعليم والمكتبات، دور النشر والمنظومات المعلوماتية لاسيما دليل المواقع الإلكترونية ومحركات البحث على المستوى الوطني والدولي.

### الكلمات المفتاحية

مصطلحات العلوم الإسلامية، خطة الوضع القياسي للمواصفات، معادل المصطلحات، إدخال البيانات، استرجاع البيانات.

## إدارة المعرفة في دراسة القضية المهدوية بتخطيط علم الدراسات المستقبلية

حسين الهادي نجاد\*

### الخلاصة

في هذا المقال نتناول ونتمعن في القضية المهدوية بمثابة علم حديث النشأة ومستقل بمصطلح جديد في الدراسات المستقبلية. ابتدأنا المقال بمقدمة ودراسة لغوية ومفهومية عن المفردات نحو: الدراسة في القضية المهدوية، الدراسات المستقبلية، معرفة موسوعات المصطلحات ثم حددنا نطاق البحث. نبغي في هذا المقال دراسة القضية المهدوية من منطلق قضية معرفية برؤية الدراسة السابقة والمستقبلية. لذا عملية البحث تحاول تبين دراسة القضية المهدوية بالمعرفة البديهية والاستدلالية والماضي وفي آخر المطاف نرسم الأفق المعرفي لهذه القضية الأساسية بالإتجاهين الإمبريقي والمعياري بمنظار الدراسات المستقبلية. يشير الإتجاه الإمبريقي الى أن صعيد القضية المهدوية هو حقل وإختصاص منفصل والإتجاه المعياري يبين أنها من الحقول المتداخلة ويمثل علماً إسلامياً مستقلاً.

### الكلمات المفتاحية

دراسة القضية المهدوية، الموسوعة، الدراسات المستقبلية، التبصر المستقبلي، المعرفة الاستدلالية، المعرفة البديهية.

## ادارة المعرفة في مجال الدراسات المهدوية

محمود ملكي راد\*

### الخلاصة

"ادارة المعرفة"، من المواضيع المهمة التي لها دور بالغ في مختلف المجالات المعرفية. هذا المقال، يضم قضايا عن ادارة المعرفة في مجال الدراسات المهدوية. من أبرز مصاديق وعناصر ادارة المعرفة الإسلامية في مجال الدراسات المهدوية، هي مجموعة المواضيع المهدوية ومصادرها والمكتبات المعنية و الباحثون عن القضية المهدوية، مراكز أبحاث والمؤسسات التي لها نشاطات ثقافية وأبحاث في هذا المجال وكذلك التطبيقات المنتجة المتمحورة حول القضية المهدوية. تناولنا في هذا المقال نظام المواضيع المهدوية ودورها في ادارة المعرفة الإسلامية. لذا السؤال الرئيسي هو: كيف تصنف مواضيع القضية المهدوية وما هي دورها في ادارة المعرفة الإسلامية؟ من المؤكد أن التصنيف النظامي، يكشف لنا المفاهيم والمصطلحات الحديثة في مجال المهدوية ويثري موسوعة مصطلحات المعارف المهدوية. من المحتوم هذا النهج بمثابة ابداع في الدراسات المهدوية.

### الكلمات المفتاحية

ادارة المعرفة، المعلومات، القضية المهدوية، ادارة المعرفة المهدوية.

## ادارة البيانات و السائتومتريك لتمهيد إنشاء الحضارة الإسلامية الحديثة

السيد علي سادات فخر \*

### الخلاصة

هناك اختلاف أساسي بين المعاصرين والماضين في الإتجاه نحو تصنيف العلوم وتبويب المصادر. كانت قاعدة القدماء في التصنيف، ماهية العلوم وأهدافها. على سبيل المثال يصنّف العلامة فارابي كافة العلوم الى خمسة تصنيفات في كتابه القيم "إحصاء العلوم". لكن في عصر الحداثة إدارة تفاصيل العلم ووثائقه، قاعدة التكلفة والفائدة و العثور على الثغرات العلمية هي أساس تويب المصادر. كان تصنيف العلوم للحضارة الإسلامية الماضية نافعا؛ لكن لبناء الحضارة الإسلامية الحديثة يتطلب إدارة البيانات و السائتومتريك؛ بما أن في عصر المعلومات الرقمية تتضاعف البيانات والمعلومات بسرعة فائقة ولا بد من اتخاذ مناهج للإنتفاع بها ولأدوات التنظيم وإدارة البيانات دور كبير في هذا المجال حيث أن أهمها تحليل البيانات. هدف الثورة الإسلامية في ايران بناء حضارة حديثة تتميز عن الحضارة الغربية. بناء الحضارة الإسلامية الحديثة رسالة ينبغي أن تتكاتف الجهود كافة لإنجازها. السؤال الرئيسي في هذا البحث هو: ما الحيلولة في تصنيف العلوم وتبويب المصادر لبناء الحضارة الإسلامية الحديثة؟ يعتمد البحث على المنهج المكتبي ونظريات علم البيانات وعلم المعلومات. قد حاولنا في هذا البحث استخدام ادوات تنظيم المعلومات، تحليل البيانات و السائتومتريك حيث تتمكن من معرفة الواقع المعاصر ومعرفة مدى الحاجة بأسلوب البحث العلمي نكشف دليلاً علمياً لبناء الحضارة الإسلامية الحديثة.

### الكلمات المفتاحية

تنظيم المعلومات، ادارة المعلومات، الحضارة الإسلامية، السائتومتريك، تحليل البيانات.

## دراسة استخدام البيانات المكتبية الموثوقة في مواقع ويكي فارسي (دراسة الحالة: ويكي شيعية)

\* مختار شمس الدين مطلق

\*\* محمود سنكري

### الخلاصة

نبغي في هذا المقال دراسة استخدام البيانات المكتبية الموثوقة في موقع ويكي شيعية. منهج البحث هو وصفي ومكتبي وتحليلي مضمون. مجتمع البحث يشمل جميع الأعلام والأشخاص في موقع ويكي شيعية الفارسي. بما أننا نقتصد إحصائيات دقيقة عن عدد الأبواب وقد تتزايد بين حين وآخر إختارنا النموذج المنوي بمنهج العينة بأسلوب العينة الطبقية العشوائية. ثم نختار بمنهج العينة الغرضية، ست منظومات مكتبية وثائقية إلكترونية ونبحث في أبواب الأعلام والأشخاص في ويكيبيديا ونقوم بتحليل ومعالجة النتائج بتطبيق SPSS. تدلّ حصائل البحث على أن ٨٨ بالمائة من معلومات الأبواب المدروسة توجد في المنظومات المكتبية الوثائقية حيث حسب الترتيب هي: منظومة الوثائق في المكتبة الوطنية، قسم حفظ الوثائق الافتراضية الدولية ورقم المعيار الدولي، حازت أكبر نسبة للتكرار. كذلك توجد نسبة أكبر من نصف الأبواب في أكثر من خمس منظومات مدروسة.

وقد يتعلق أكبر معدل ب قسم حفظ الوثائق الشامل وأقل معدل بمنظومة الوثائق في المكتبة الوطنية وحسب هذه النتائج نسبة خطأ النوع الأول بمستوى الدلالة (ألفا) في العينة هي صفر وهناك نسبة ملحوظة ذات مفهوم خاص للدلالة الإحصائية في اختلاف المعدلات في منظومات البيانات وأبواب الأشخاص في ويكي شيعية بالقيمة الإحتمالية تفوق ٩٥ بالمائة ذات دلالة. الترابط بين الفهارس المكتبية الوثائقية ويكي شيعية بظهور أفضل تمهّد السبيل لمصادر المكتبات وتزيد من علمية المقالات في ويكي شيعية وتصبح نموذج للإنتفاع به في باقي المنظومات و طريقة لتزايد التعاون بين المكتبات ومواقع ويكي وحركة نحو الدلالة الغرضية في المواقع الإلكترونية.

### الكلمات المفتاحية

البيانات المكتبية الوثائقية، ويكي شيعية، تدقيق الوثيقة.

## An Examination of Using Documented Library Data in Persian Wikis

Mokhtar Sham al-Dini Motlagh<sup>1</sup>  
Mahmood Sangari<sup>2</sup>

### Abstract

The aim of this study is to examine the use of documented library data in WikiShia. The study is descriptive and the method is based on library research and analysis of content. The statistical population includes all the entries of the individuals in Persian WikiShia. Since we did not have the accurate number of the entries and then more entries were added, 100-sample size of sampling method and stratified random sampling was chosen. Then based on purposive sampling, six documented library databases were selected and the entries of individuals of WikiShia were searched in them, the results were analyzed through SPSS software.

The findings indicate that 88 percent of the information from the examined entries are located in the documented library database which National Library of Iran Documents Bank, Virtual International Authority File, International Standard Name Number, have the highest frequency percentage. In addition, the information of more than half of these entries exists in more than five examined databases. The highest mean is for Virtual International Authority File and lowest mean for National Library of Iran Documents Bank and since alpha error of the test is zero, then the difference between the mean of documented databases and the entries of WikiShia individuals in confidence level of 95 percent is significant. The relationship between the documented library lists and WikiShia, in addition to highlighting the libraries resources better and increasing the scientific credit of WikiShia papers, provides a model to use in other databases and a method for cooperation between libraries and Wikis as well as moving towards semantic web.

### Keywords

The library documented databases, WikiShia, documented control.

---

1. M.A, Ahlulbayt World Assembly: mokhtar629@gmail.com

2. PhD of Information science and knowledge management at Kharazmi University: m.sangari@khu.ac.ir

## Information Management and Scientometric of prerequisite of Novel Islamic Civilization

Sayyid Ali Sadat Fakhr<sup>1</sup>

### Abstract

The difference between the people in the past and us in solving the problems is the difference in attitude towards the categorization of sciences and the classification of resources. The basis for their classification was the nature and purpose of science. For instance, Farabi, at the beginning of the precious book "Ahsa' al-Olum" has organized all the sciences in five categories. However, in the modern age of managing the details of knowledge and documents, the main cost and benefit and finding the knowledge gaps is the basis for the classification of resources.

Sciences classification was appropriate for the past Islamic civilization. However, we need to manage the information and scientometric for the modern Islamic civilization. Because in the digital era, the data and information are remarkably on the rise at a very fast pace and some methods must be created to use them. The tools for information organization and management play an important role in this regard. Of course, data mining is the most important one.

The purpose of the Islamic Revolution in Iran is to create a new civilization distinct from Western civilization. The novel Islamic civilization is a mission that everyone needs to try to accomplish. The main question of the study is that "what should be done for novel Islamic civilization in the field of the categorization of sciences and the classification of resources?" The method used in this paper is library research and is based on theories of information science and knowledge management. The finding of this research is using the tools of organizing information, data mining, and scientometric to identify the status quo, and to guide the modern Islamic civilization scientifically through the research needs assessment.

### Keywords

Information organization, information management, Islamic civilization, scientometric, data mining.

---

1. Associate professor at Islamic Sciences and Culture Academy: a.sadatfakhr@isca.ac.ir



## **Knowledge Management in Mahdiism Studies**

**Mahmood Maleki Rad<sup>1</sup>**

### **Abstract**

Knowledge Management is one of the important subjects that is widely used in different fields of knowledge. The current paper includes the topics related to knowledge management in the field of Mahdiism studies. The system of Mahdiism topics, Mahdiism resources and libraries, Mahdiism studies researchers and scholars, the centers and research centers that conduct research and cultural activities in the field of Mahdiism, the produced software focusing on Mahdiism are all examples of Islamic knowledge management in the field of Mahdiism studies. This study has dealt with the system of mahdiism topics and their role in Islamic knowledge management.

Therefore, the main question of the study is that: How are the Mahdiism topics categorized and what role do they play in Islamic knowledge management?

It is clear that through strategic categorization, the new concepts and terms in the field of Mahdiism can be discovered and the richness of the Mahdiism knowledge thesaurus can be increased. Such approach can be an innovation in Mahdiism studies.

### **Keywords**

knowledge management, information, Mahdiism, Mahdiism knowledge management.

---

1. Associate professor at Islamic Sciences and Culture Academy: m.malekirad@isca.ac.ir

## **Mahdiism Knowledge Management Using the Futurology Knowledge**

**Hossein Elahinejad<sup>1</sup>**

### **Abstract**

The current paper will examine Mahdiism studies as a novel and independent science with a new term through the field of futurology (future studies). The study starts with an introduction and continues with the expressing the lexical conceptualizations such as Mahdiism, future studies, and thesaurus studies and then deals with the domain of the study. The main objective of the study is to examine Mahdiism studies as a field with having a viewpoint to pastology (past studies) and futurology. Therefore, the research tries to explain Mahdiism studies with two early and later approaches and at last, illustrates the prospect of Mahdiism studies by two exploratory and normative approaches with a futurology attitude.

In the exploratory approach, the paper considers Mahdiism studies a trend and field and in the normative approach, it is seen an interdisciplinary field as an independent Islamic science.

### **Keywords**

Mahdiism studies, thesaurus, Futurology, Foresight, earlier approach, later approach.

---

1. Associate professor at Islamic Sciences and Culture Academy: h.elahinejad@isca.ac.ir

## **Standardizing the Transliteration of Islamic Sciences Terms; necessity, effects and problems**

**Sayyid Mahdi Majidi Nezami<sup>1</sup>**

### **Abstract**

The upcoming problems with translation of texts and finding the equivalence of Islamic vocabulary and terms require the use of vocabulary transliteration. The use of transliteration and vocabulary description will translate the Islamic concepts more precisely, increase the user's familiarity with Islamic terms, and facilitate the promotion of Islamic teachings throughout the world. However, Lack of discipline in transliteration will lead to chaos in the quality of data entry in the database as well as user's confusion, spending a lot of time and failure to access all the information at the time of data retrieval.

The aim of this study is to prove the necessity of transliteration management through standardization and the system of references in synonyms. The paper has been conducted by descriptive-analytical method through referring to available documents in written or digital form. The findings of the study are the necessity of policymaking, standardizing the transliterated terms along with conceptual explanation of transliterated vocabularies, and the need for using the system of references in order to refer to standardized transliterated terms. Success in this work requires the cooperation and participation of research centers, educational centers, libraries, publishing centers, and online databases, especially online helps, and search engines at national and international levels.

### **Keywords**

Islamic sciences terms, standardization, transliteration, data entry, data retrieval.

---

1. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy: m.majidi@isca.ac.ir

## Abstracts

### An Analysis and Examination of Jurisprudential Structures based on the Human Relations

Mohammad Razi Asef Agah<sup>1</sup>

#### Abstract

Jurisprudential structures can be represented with different criteria. One of the criteria in making jurisprudential structure is the human relationship (Relationship with God, himself, other individuals and the nature). Although early jurists did not benefit from this criterion, it has widely been used among the late jurists and jurisprudence scholars.

This study, at first, extracts the structures based on the aforementioned method by searching in jurisprudential books and then, among them, it chooses the structures whose designers have stipulated that they comply with the standard of human relations or have a special place in their structure.

In this paper, six structures related to human relations and are introduced and examined as follows: the structure of Ayatollah Meshkini in the book "al-Fiqh al-M'asour", the structure of Ayatollah A'arafi in educational jurisprudence, the Structure of Ayatollah Eshtehardi and Ayatollah Yazdi in introduction of the book "Kashf al-Romouz", the structure of Dr. Gorji in the book "the History of Jurisprudence and Jurists", the structure of Alenajaf in the book "al-Helal va al-Haram fi al-Shariat al-Islamiat" and the structure of Borji in the paper "classification of jurisprudence entries".

The findings of the study indicates that the majority of late scholars have used the criterion of human relations in forming the jurisprudential structure and this criterion is very common and practical among the early and late jurists. Using this criterion in the structure reflects considering the human, his needs, and his relationships. Such approach in forming the structure of jurisprudence is different from the early jurists and is very important, and shows the distinct bias of the current jurisprudence scholars.

#### Keywords

The structure of jurisprudence, creating jurisprudence entries, Philosophy of jurisprudence, human relations.

---

1. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy: m.asefagah@isca.ac.ir

# Content

Scientific-specialized Biannual Journal of  
Theology & Islamic Knowledge

Islamic Knowledge Management

Vol. 1, No.1, Spring & Summer 2019

- **An Analysis and Examination of Jurisprudential Structures based on the Human Relations**  
*Mohammad Razi Asef Agah*
- **Standardizing the Transliteration of Islamic Sciences Terms; necessity, effects and problems**  
*Sayyid Mahdi Majidi Nezami*
- **Mahdiism Knowledge Management Using the Futurology Knowledge**  
*Hossein Elahinejad*
- **Knowledge Management in Mahdiism Studies**  
*Mahmood Maleki Rad*
- **Information Management and Scientometric of prerequisite of Novel Islamic Civilization**  
*Sayyid Ali Sadat Fakhri*
- **An Examination of Using Documented Library Data in Persian Wikis**  
*Mokhtar Sham al-Dini Motlagh & Mahmood Sangari*

## **Editorial Board**

(Persian Alphabetical Order)

### **Reza Esfandyari (Eslami)**

Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Alireza Esfandyari Moghadam**

Associate Professor of Islamic Azad University of Hamedan

### **Hossein Elahinejad**

Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Abdolhossein Khosropanah**

Associate Professor of Islamic Maaref University

### **Abd al-Rahim Soleymani Behbahani**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Morteza Motaghinejad**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Koorosh Najibi**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Sayyid Mahdi Majidi Nezami**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

### **Sayyid Taqi Varedi Koolaei**

Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy

---

## **Reviewers of this Volume**

Hossein Hassanzadeh, Abdolrahim Soleimani, Morteza Motaghinejad, Seyyed Mehdi Majidinezami, Morteza Mohammadi ostani, Sayyed Taghi Varedi, Mohammad Hadi Yaghobnejad.



**Scientific-specialized Biannual Journal of  
Theology & Islamic Knowledge**

**Islamic Knowledge Management**

**Vol1, No. 1, Spring & Summer, 2019**

**1**

**Academy of Islamic Sciences and Culture**

**[www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)**

**Manager in Charge:**

**Mohammad Hadi Yaghoubnezhad**

**Editor in Chief:**

**Hossein Hasanzadeh**

**Manager:**

**Morteza Abdi Chari**

**ExecutiveExpert: Sayyed Abdul Ali Mirhosseini**  
**English Translator: Mohammad Reza Amouhosseini**  
**Arabic Translator: Mohammad Taghi Kenani**

---

**Tel.:+ 98 25 31151161 • P.O. Box.: 37185/3688**  
**[jikm.isca.ac.ir](http://jikm.isca.ac.ir)**



## راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



### ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

### فرم اشتراک

حوزه	فقه	آیین حکمت	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۱/۲۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۲۰۰/۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	علوم سیاسی	تاریخ اسلام	نقد و نظر
یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۴۰۰/۰۰۰

نام پدر:	نام و نام خانوادگی:	نام:
میزان تحصیلات:	تاریخ تولد:	نهاد: شرکت:

نشانی:	استان:	کد پستی:
شهرستان:	شهرستان:	کد اشتراک قبل:
خیابان:	خیابان:	پیش شماره:
کوچه:	کوچه:	تلفن ثابت:
پلاک:	پلاک:	تلفن همراه:

هزینه های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹  
شماره پیامک: ۳۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰  
تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۱۶۶۶۷  
رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیبایانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی